ده شتر اولاک

فهرست مندرجات مجموعه

۱۳۴۶۳
۸۵۶۹۸

حاشیه

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

ای علم [illegible]

[illegible]

ای جلال تو [illegible]

[illegible]

ای قادری که [illegible]

ای خدا اکنون که [illegible]

[illegible]

ای خدا اکنون بده داد از وجود

[illegible]

تعریف نفس

سبب نظم کتاب

بود آن دریای ژرف بیکران

موج خیزد موج از قطره نشان

از فنون سازی ساغر

در معراج حضرت رسالت پناه

ای خوش آوازه و افغان عشق

ای خوش عشق و خوشا ایمن عشق

ای خوش افسانه شیرین عشق

[illegible]

در منقبت علی بن ابی طالب

[illegible]

[illegible]

در تعریف سخن

[illegible]

حکایت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خوف ... [illegible] صفت عشق

[illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

[illegible]

حکایت ابلیس

[illegible]

خوف و بیم از مقبلان عشق [illegible]

[illegible]

[illegible]

حکایت باغ عجوز

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سبزه در روی وزش زنگار ...

[illegible]

[illegible]

در ستودن شیرین جان [illegible]

از غم آنها دلش آید به درد

حنظل غم شهد سازد کام او

زهر پر زد ذوق عشق از جام او

زهر غم چون شهد نوشان مدام

بیغم ای ساقی از الفاظ عذرا

وبعضی مقالات حسرت افزا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صید [illegible]

[illegible]

ساده رویان [illegible]

جمع شد [illegible]

صد دل از هر سو فرو [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بستم چشم از جلوهٔ باغ و بهار

[illegible]

[illegible]

خون روان از دیده و دوران دو ناکار

بس کشیده ازو دل شوریده دوار

با فغان و آه کوشش از دریغ

گر چه من با درد و زارم داده پند

[illegible]

مناظرهٔ شیرین با فرهاد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قافیه ... از کلام ...

عیدوران خود مخلص

[illegible]

ار نو بر چاره ... [illegible]

[illegible]

خسته و خسته ... عشق

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دل جدا از جان و جان از تن جدا

[illegible]

[illegible]

در نهان از جان بپرس آن کار را
از صلا زین خیمه خونین بار را
در حضورش غنچه خیمه را با او مبین
در وصالش غنچه را با او [illegible]
کاش تا دیده ز رخ جانان نه
کاش تا بودی دو دیده گریان نه
با تو بود او رخ غمخوار او
کاش تا کردی زبان شکوه را
با تو بود این زبان بر هم جدا
انچه گویم از زبان بر هم جدا
ز همین بود نه با ابدان نه
با باز رو و [illegible] با ابدان نه
عوض ده دو در اهل سعادت [illegible]
کاش تو [illegible] آن آذر
در نو سلطان دیار دلبر

شاه خواند و جهان نبود است
شاه خواند از همه شرمنده است
ماه تا باز و همه شرمنده [illegible]
از سر کوی بت ما عاشقان
آشنا شد قبله گاه عاشقان
از غم و هم نوای بی‌نوا
از غم عشق تو دو بیننده را
از غم بیدار دیده را فدا
آخر است و هم رو است را فدا
جسم و جان هم جسم و جان ست را فدا
جسم و جانم جسم و جور روزگار
گر چه بر [illegible] و جور زمان یار
گر ده با صد جور و درم آواره ام
باخت از کوی تو دل آواره ام
گر ده زین عمر خون دل [illegible]
گر ده از لطف کرم احوال [illegible]
بس ز نان کا کنده از حال [illegible]

ای سخن بر تن جان نه
مهر من بر دل افکار نه
مهر من بر دل دوران نه
جان با درد و داغ دوری تو
تا بی از تو شیدای [illegible]
سر بر [illegible] بر هجر [illegible]
نام او نام [illegible]
[illegible] از غم
سر ز هجر بر [illegible] دل الم
تا از غم [illegible] چون [illegible]
شد مراد و درد [illegible] ماه
شد از آن مهر [illegible] آرام دل
مبتلا از عشق تو آرام دل
مبتلا از عشق دوران کام دل
ز هجر [illegible] کرم [illegible]
حاصل عمرم [illegible]
واصل عمرم [illegible]

آنچه گفتم چون [illegible]
از صلا گر [illegible] آرام جان
از صلا گر [illegible] بر هستند
کار آن [illegible] ز پیشان [illegible]
روز و از [illegible]
ما همه رنج و غم [illegible] دل
جان از احوال جان جان دل
صیب از [illegible]
گر که خود [illegible] تقی
جان او را [illegible] از غم [illegible]
بار [illegible] از [illegible]
دل تو [illegible]
چون [illegible]
عضو عضو [illegible] صد سم
گر ز سر [illegible]
در ره [illegible]

گر به [illegible] شیشه چون
گر به [illegible] ای [illegible] خون
گر نه [illegible] درمانده ور
با [illegible] بازار [illegible]
روز [illegible] گر [illegible]
غم [illegible] جگر
در ره [illegible] غم [illegible]
گر [illegible] چراغ
گر ز [illegible] از [illegible]
گر ز احوال [illegible]
گر [illegible]
از زبان و [illegible] اجبال
گر [illegible] تو
[illegible] بر جان تو
گر [illegible] پیغام تو

گر ز کردن [illegible] گردش
گر ز [illegible] گردش
[illegible] درمانده و [illegible]
گر [illegible]
گر ز [illegible] ار جان
[illegible] از [illegible] جان
گر [illegible] جوان
گر ز [illegible]
گر ز دست [illegible] دامان تو
بود آن [illegible] دامان تو
بود آن [illegible] هجران تو
[illegible] دل
[illegible] کار [illegible]
[illegible] وفا [illegible]
[illegible] غم
شد ز هجر [illegible]

[illegible]

وانکه از سوز دل افکار منی

[illegible]

ابر شد ... بوستان ...

[illegible]

[illegible]

خلق و خلق احمد غفران
ضرب او ضرب جیه صفره
قدر او ماه آسمان جلال
قدر او سر و بوستان کمال
قدر او نشین جهان [illegible]
زده [illegible] سیم جوش [illegible]
کوه آسمان کمال او [illegible]
آسمان جلال او [illegible]
یافضل او در جهان [illegible]
[illegible] در شمار [illegible]
افضال [illegible] افضال [illegible]
اقدار [illegible] اقدار [illegible]
[illegible] او و [illegible]
روز او [illegible]

ای تو روح فتوح [illegible]
ای تو زیب [illegible] سرور
ای قبول تو [illegible] کمون
ای فیض تو سعدان معظم
ای فعل تو سعدان و ثنا
[illegible] سرور ان و ثنا
چون [illegible] [illegible]
[illegible] ز صف [illegible]
[illegible] ز مهر [illegible]
[illegible] از غبار [illegible]
[illegible] از [illegible] و دیده و [illegible]
باد در آن کاه [illegible]
[illegible] کاه [illegible]
چرخ [illegible] [illegible]
کوه البرز [illegible]

آسمان زرافشان تاج
آسمان زرافشان باور
ای دوران زرافشان ابراهیم
یا کفت ای کف تو ابراهیم
ای دوران ای ول تو بحر جود
[illegible] آب تر ز خاک ادیم
[illegible] رنگ از رنگ [illegible]
[illegible] شان که بود
چون [illegible]
وصف [illegible] دوران [illegible]
[illegible] ز مهر [illegible]
پس [illegible] دوران
[illegible] نیر [illegible]
[illegible] خاک راه [illegible]
خلق [illegible] از [illegible]
جنب [illegible]

جنب اوست [illegible]
او روز [illegible] سال او ماه [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] آسمان [illegible]
[illegible] کرده
[illegible] ز [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

ترجیع

[illegible]

ترجیع

[illegible]

[illegible]

تتمه

[illegible]

تتمه

[illegible]

تتمه

[illegible]

تتمه

چنان [illegible] داغ محبت

که باشد گلشن [illegible] محبت

[illegible]

تتمه

[illegible]

تتمه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تمت

[illegible]

تمت

[illegible]

تمت

[illegible]

تمت

[illegible]

تمت

[illegible]

تمت

[illegible]

[illegible]

بهر جا که رسید زر پیشش
به بخارا اندر زان پیش
بکوه لاله شادت کو چون شاه
شکفت از کار [illegible]
نهان چون [illegible]
[illegible]

ز رزت [illegible]
[illegible]

[illegible]

جهان دید [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

عروس جهان [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

همچنین گفت در عالم سیه روز

چو صید ابلهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سخن شکوه عشق آن فرزانه زد

[illegible]

چون کرد آسمان شرح کار

چون باران کرد آن روز فروغ داد

[illegible]

چو دیر از ره محبت به پستی

ز جام عشق مستی

[illegible]

بپیکر چون زبان شوخ نطقی
بیش خوش خوی نغمه نسبی
وثنش کمان بیج جو یه رفتار
که تاج نقش ... و بکفر
بود بو شعف عان ... دولم
که از کمان مبصر ... شده کام
دل از زلف داده ... خط
یکجا داده که برادر
یک گل ... از ... شده دارد
دل از ... زیرکی چون ... دارد
زخوشت نکته ... زنده
بیرنج ... بستانی زنده
بخت ... خوش و ...
زخم خوش ... بالا ...

بسوز این ... پرانده
درست این سرو بالا ...
بر آید ... باغ ... بسته
شده ... نشسته ... شوخی
بلطفش چون ... خوش ...
بهار ... حسن ...
ز ... شده ... از تو ...
شه ... کلام ... از تو
زبانی ... سخن ... از ...
بعشق ... بیخبر ...
بعزم ... جسم ...
... بوده ... بهار ...
... نرگس ... از ... و ...
در ... شکفته ... نرگس

نظاره ... آن باغ ...
شده چون ... نقره ...
زبس ... زده ...
نو ... گشته ... ابر
... بلبل زار
زنم ... منظر ...
گلستانی شده شوخ ...
زنقش ... جمع ...
فزون ... بهار ...
... بیش ...
... وصف ... نغمه ...
... چون ...
شوخ ... لاله ...
... سبز از ... بهار ...

بهاران زلف و از زلف خان
نو ... از نظر ... کمان
نو ... دیده
... نشسته
نغمه ... در چمن ... گلزار
نکو ... بهمن ... جو ... بهار
... بهم ...
بحوث ... بلبل
... از ... بلبل
... خوش ...
... از ... بهار ...
... بستان ...
... چو ... بستان ...
شده چون ... گل ...
... زلف ... جان
سرو ... خوبان ...

... جلوه
در ... خوبه
شده ... جلوه ...
... روانه جلوه ...
شده ... آن ... آن
... از ... پیرون
شده ... چون
... نغمه ... خوش
بجو ... بلبل
زده خوده ... ز آن ... بهار
صفات دلبران ...
سنبل ... ز ...
بخت ... بخت ...
بلطف ... دل ...
نو ده ... زاد ...
از ... شد ... بیشه
... خوبان ...

... خوش ...
... آن خورشید ...
بیشتر ... دو خوبان
ز ... نگین
... نکته ... خوبان
... در ... خوبان
... دل ... آن ... نغمه
در آن ... جان ... دام
... آن جمن ... خود ... دام
همه ... بستان ... نغمه
... آن ... آن ...
... گل ...
... نغمه ...
... زنبق ...
... بستان ...
... رنگ ...
شکفته ... گل ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آمدن زنان دیگر به دیدن یوسف
و گفتگو کردن … [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کشته وار غم و آن زلف چو گو
بار و از آتش هجران بگو
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چون بر آن کوه آمد پیر سر
ساقی چون ... کرده سر
...

اگه از لطف شمعت زنده ام
لطفها از خویش را نوشتم
چشم تو ای دلم شیدای این کلام
بنده چو مجلس قربان عزه خواه
چون توام از شوق نعمت شاه
تشنه آرزو ما دو از شوق جان
بنده افتاده در زندان بند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ردیف

ردیف

ردیف

ردیف

ردیف

وله ایضاً

وله ایضاً

[illegible]

در ب…

اگر سرو را بالای تو باشد
نه چون قد و بالای تو باشد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله فی البحر خفیف

[illegible]

[illegible]

غ

[illegible] که کام [illegible]

[illegible]

ایضاً

[illegible]

ایضاً

[illegible]

[illegible]

ایضاً

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً

[illegible] می زنیم

[illegible] می زنیم

آن ماه [illegible] در نقاب

[illegible]

دل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

معراج الخیال [illegible]

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

خطاب

[illegible]

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خوش وکرست این بار اشعار جامی
هرگز ز فلک این زمزمه نشنیدم

[illegible]

[illegible]

الحمد لواهب المکارم | والشکر لصاحب المراحم
قد شاع بجنه بیانه | اعظم فی البقاء شانه
سبحان الله زهی خداوند | بی شبهه شریک و مثل و مانند
مشاطهٔ نوعروس عالم | گوهرکش نسل سلک آدم
صراف جواهر حقایق | کشاف غوامض دقایق
پیدا کن هر نهان که باشد | پنهان کن هر عیان که باشد

معمار بنای آفرینش | سیراب کن ریاض بینش
نقاش نگارخانهٔ غیب | منشی صحیفه‌های لاریب
یارب مددی که دردمندم | آشفته و زار و مستمندم
از فیض هنر خبر ندارم | جز بی‌هنری هنر ندارم
شغلی عجبی گرفته‌ام پیش | پیش و پس او تمام تشویش
سنگی است براهم اوفتاده | بحری است مرا هراس داده
توفیق توام اگر نباشد | ور لطف تو راهبر نباشد
مشکل که مراد رخ نماید | زین بحر دری بدستم آید
مشکل که درین گریوه تنگ | لعلی بدر آرم از دل سنگ
آن کن که دلم فروغ گیرد | لوح رقمم صفا پذیرد
آیینهٔ خاطرم شود پاک | روشن شودم چراغ ادراک
قفلی در آرزو بتابم | هر چیز طلب کنم بیابم
بخشد بریاض دولتم آب | ابر کرمی رسول اصحاب
ای مونس اهل ذوق یادت | ابواب عمل کلید یادت

سن کنج نهان عیان طلسمنک — ای کنج عطا طلسمی اسننک

مستحفظ انتظام عالم — ای پرده کش رموز مبهم

ذاتی کبی اعترافی واجب — ای جود وجودکونه واهب

رزاق ادانی واعاظم — ای سلسله وجوده ناظم

بی جان اوله مجنک جان — ای مونس خاطر پریشان

صاحب رقم خطوط افلاک — ای نقش طراز صفحه خاک

کان کهر وجوب امکان — ای محتسب جهات وارکان

سندن اوزکه سنک حجابنک — ای پرده ماسوا نقابنک

سندن روشن چراغ بینش — ای مبدع فیض آفرینش

موجود همین سن اوزکه معدوم — ای سروجودنک امری معلوم

فیض کرمنکدن شاد وخندان — ای یدی گل ودود قز گلستان

یوق وار الغنکه طن دانکار — ای واری یوق ایدن یوقی وار

فکرنک گل معرفت بهاری — ای شاهد غیب پرده داری

ای عالمه نفس جود سندن — خلقه شرف وجود سندن

ای جلوه جهان سنکا رضا جوی — سندن خالی سنکا جلوی

ای شمع ازل فتیله سوزی — بزم ابد انجمن فروزی

ای شرک وشریکدن منزه — سر ازل وابددن آکه

ای بارخدای عالم آرای — تحسین لسانکا همین اوله رای

احسنت وزهی حکیم کامل — نه شکر اوله صنعکا مقابل

فطرت رقمین چکن زمانه — حقا که بر امر کن فکانده

حکم ایتدنک انکا که نوله احوال — نه وضع ایده چرخ کهنه مه وسال

دوران نه زمانده اوله آخر — هر دورانده نه اوله ظاهر

نتیجه اوله فرد نسل آدم — هر فردی انکا نه ایده همدم

اشیایه چوق اثر تحییر — سندن بنکا درهمان تفکر

اشیا عجب اولمز اولسه ظاهر — جون وارسنک کبی مظاهر

اما چه سنکا قدیم دور ذات — ادراک سنکا یتر می هیهات

ادراکنه کمال حدت — توحید نکا بس دور دلالت

اندیشه ذات قیل یک اولمز — بیلک بو یتر که بیلمک اولمز

اول دم که ادب بنای محکم — چکدنک رقم نظام عالم

حقا که خوش انتظام ویردنک — آرایشنی تمام ویردنک

ییدنک کرکین اراده کرچوق — برنسه کرکلو یوق کیم اول یوق

بر نوع ایله ایلدنک مصفا — کیم کلدی قصوردن مبرا

اشیاده اکرچه راز چوقدور — اول کیم اوله رازنک آنده یوقدور

اشیا نسجه سندن اولسون آگاه — القدرة والبقاء لله

یارب کرم ایت که خوار و زارم — درکاهنکا چوق امیدوارم

تو براغ ایدم ایلدنک پر آن — ستوجب عقل و قابل جان

کر جان ایسه خاک درکاهندور — ور عقل ایسه سالک رهنکدور

بن گلشن جان ایچنده خارم — بنسه عقل رغبارم

نم وار که لاف اورم اوزمدن — محو ایله بنی بنم کوزمدن

اول کون که یوق ایدی بنده قدرت — قیلدنک بنکا غنیمه شفقت

جان ویردنک و صاحب دل ایتدنک — ادراک امورها قابل ایتدنک

ارصفحه ایه صورته مثالم — چکز دی قضا نولور دی حالم

حالا که حواله کاه جودم — مقبول سعادت وجودم

یوز شکر که یوق سنکا خلافم — انصافم وار و اعترافم

ایله دکلم که سر اراده — سه اوله سلوکم اعتقاده

هر لحظه عقیدم اوله زایل — توحید نکا ایستیوم دلایل

سلاهی طلبنکده بیقرارم — اما طلبمده شرمسارم

دوغرو یوله کتمدم نه حاصل — بیر سنز ایتمدم نه حاصل

هر عرصه ده بر اثر که کوردم — سن دیدیم اول اثر بو کوردم

جون ویردی خیال الکافم و بیچ — بن منفعل اولدم اول اثر هیچ

بر عقلدن ایسترم دلالت — عقلم بنکا کوستر رضلالت

تحقیق بولنده عقل بنسون
کر حرصی یستنکو مجه ویر کام
توفیق ایده سن مکر رفیقم
علمنده یاندر عشقا دم
دنیانه دره تعلقاتی
انا دیمزم یماندور اول سم
للّه که بو دل غریب منزل
کیم اسکی مقامی اونوت دم
مشکل کلور الیسدی ترکین اتمک
بن پس قیلور دم اعتباری
بوندن اوزکه مقام اولمز
اما چه سنکور بکفتار
اول دورکه مقام جاودان دور

اعمال غیب قانده کنسون
سندن اقبال وبندن اقدام
تا سهل اولا شدت طریقم
سن سن سندن همین مرادم
اندیشه برت دور حیاتی
منزل امتحان دور اول هم
ایله بنکا دیردی راحت دل
جهاندم وطنم مقام دودم
براوزکه مقامه داخی کتمک
کیم بونده اولور کونکل قراری
ذوقی بو برونک مقام اولمز
کیم دنیده دن اوزکه آخرت وار
کام دل راحت روان دور

گفتار بکا عشقا قیلدوم
بیلدوم که بودر سنک مرادنک
بونده یته رتبه کملی
فرض اولدی بوعزم جزم قیلماق
بوراهدن اتمک اولمز اکراه
اول ده چه لطفنک اولدی معلوم
چون بو دو وصال ایدب روانم
اول لحظه هم ایته شفقتنک کم
چون عقل ایده جان امانتنک ور
برون لاری بیز زار قیلمه
تا کیم بو مقامی ترک ایدمه
سندن جزع ایدیکت سونر
شوم اولمسون انکاره سالم

اول باغشی باغ اوله غنیمت قیلدوم
کیم ال کمال اوله عبادتنک
انده بیته دولت وصاله
معراج کمالا عزم قیلماق
خوش راه دوررسنکا کیدن راه
آخر کونده هم ایتمه محروم
عزم ره قربنک ایده جانم
توفیق رفیقم ایده هردم
تن ده اثر غایتنکده و
بر بخچه عزیزی خوار قیلمه
سندن بکا عزم ایدوب کیدنده
درکاهه شکایت ابت سونر
اولماسون اولار دن نفعالم

ای کلك رونده بارك الله — اولدوڭ نباره ورده همراه

پاك سن ایله حاجتم بیور دیمك — بو منزله عاقبت بیور دیمك

تنك ایدوروفی بتدمك اندوه — آه ایله بردلی غبار اکوه

رحمت سکا کیم سن بتدمك امداد — بو اسکی بنانی بتدمك آباد

بر قصیده حضرت جل و علانك تعریفنده در

آفرین ای صانع تن پرور جان آفرین — خالق الاشیا الله الحق رب العالمین

مبدع آثار دولت عقد پیوند وجود — ضابط ارکان خلقت نقش بند ماء و طین

ای سموم سطوتنك تأثیری نیران جحیم — ای سحاب رحمتنك سیرابی فردوس برین

قدرتنك گلزارینه پرسبزه سدره و منتها — صنعتنك دیباجه سنده برورق روی زمین

درگه تعظیم و تکریمنده عالم کامجوی — خرمن الطاف جسامتنکده آدم خوشه چین

وادی درگهنده در گشته قدم تند سیر — ملك توحیدنکده در مهر اعقل دوربین

خاکدن برذره تا یدکر جسم لطیف — آبدن برقطره توفیقنك ایله پرور ثمین

اول عظیم الفیض شعنك که فیض شأننك — رزق تقسیمنده ایتمز امتیاز کفر و دین

اقتضای قدرتنك اظهار حکمت قیلمغه — خشم اف طبع ایله ضهد اودی قلمس همتین

هیچ کیم جوبه درکاهندن اولمز ناامید — سندن ایلمز کام کرسوای کرخون نشین

سسن ایلمه ایمین معرفه عشق شوقی — عاشقی سن قیلمین معشوق شوقیله حزین

نك عقیده مجنون سروردی دردناك — برتو حسنکه وریلی جمالی نازنین

ملك عشقنك ایر قضلی طاق اولدقچه ولی — حرص ایله در روضه رضوان دیر حور عین

حور عین در روضه رضوان نقص — نقددن کچمه دراول سنده کی (؟)

بر وجود واجب اثبات برهان قاطعدر دفاعی بر وجود وجود بسیط (؟)

اتمك کرك اهل فیض پیش — تحقیق وجود آفرینش

بیلمك کرك آنی بو جوهر — نی کنج نهفتدن اوله ظاهر

نه دائره دربو دور افلاك — نه ضابطه دربو مرکز خاك

جسم عرضی کیم ایتدی قائم — نار ندن اولدی نور لازم

برحلقه که کرچه پر سبب وار — ایا سببی کیم ایتدی اظهار

رکافیه نه ندن اولدی عالم — ایا ندن اولدی کاف ونون هم

بیهوده دگل بو کارخانه — بیقانده کردش زمانه

حاشا که بو طرفه نقش غرّا / نقّاشدن اوله مبرّا

حاشا که بو بارگاه عالی / بردم اپسندن اوله خالی

فکر ایله دگورندر بو اسلوب / صانع اوله بو صنعه منسوب

هر ذرّه ده ظاهرینک وجودی / پراوزکه بغلو دور حدودی

رکعالیته اصنک تأمل / ظاهر اولور آنده مظهر کل

ویرسنک اوزنکا فنای مطلق / ثابت اولور اول فنا ایله حق

ردّ ایله معرفت مذاقی / فانی سنک ایس دیلی باقی

حقا که همین مراد پرور / پر ذاته وجود مختصر در

عکسیدر آنک وجود اغیار / معنیده یوخ اعتبار ایله وار

وار اولان خلق یوخ سانورلار / یوخ وارلقنده والده نورلار

ای عقل وار و ب رعایت ایله / انکار بزه بر کفایت ایله

عکسی وارانک وجودی اغیار / معنیده یوخ اعتبار ایله وار

تحقیق صفاته قانع اول کل / اندیشه ذاته قانع اول کل

اول پرده کیم راه بولمز / تحقیقی انی بیل که بیلک اولمز

کیم قسمه ایدی بو سرّه اوراک / دیمز ایدی رسول عرفناک

خلق اولدی بو بحر حیرته غرق / تا خلقدن اوله خالقه فرق

ممکن که ارادت ایله اول اسم / خلق ایده بلیدی اوزکه عالم

در مرحله کمال حیرت خلق / تحقیق رموزه راه مطلق

فاش اولدی که سرّ حق نهاندر / عالمده نشان بی نشاندر

بو اشعاره غزل نعتیده [illegible]

ای حکمته باخمین نظر سیر / احوال زمانه دنک خبر سیر

طعن ایتمه که چرخ بیوفادر / دایم ایشی جور ایله جفادر

شرح ایله بنکا که چرخ نه ایتدی / اندن نه جفا ظهوره یتدی

خاک وار ایدی کیم الندن الدی / نه مرتبه دن ایشاغه سالدی

دورانه کنوردی مهر و ماهی / خلق ایتدی سفیدی و سیاهی

که تشنه زجرآب ویردی / که باده غمده تراب ویردی

شمع املن منوّر ایتدی / هر نه که دیه‌نک میسّر اولدی

قبلدی سنی چیدنک برآدم / اسباب تنعمنک فراهم

چرخنک اشیدو رسنک ایله سیله — سن ایلدنک نکث ایله سویله

هر دم انی یوفا اقورسن — دوشون دیرسن عاقیلورسن

چون اول سنکا قیلدی مهربانلغ — بخشش لغمر ایمه یان لغ

ای روح که جام جهل ایدی نوش — حب وطن ایلدنک فراموش

کیم صالدی سنی بونک دامه — تا ندنک دوشدنک بو دامکاهه

سن ترک قیلوب عدم دیارن — بولدنک بو وجود اعتبارن

قلمشدی سنکا حکمت الله — اجناس خواص عقل همراه

تا عالمه کلدکنک زمانده — بازار تردد جهانده

سرمایه لرنده ایده سن سود — اول سودنده رضای معبود

حیران و مکدر و تهی دست — احوالی خراب و رتبه سی پست

اولسنک یینه کلدکنک مقامه — قالمی دوشرسن حسرت امه

البته ذلیل و خوار اولورسن — بو فعل ایله شرمسار اولورسن

ای نفس پرست جسم پرور — اولمه غم حرص ایله مکدر

جهد ایله غذای کوره لقمه — سعی ایله متاعی سوره نغمه

المدد ای ساغر می ناب — کیم غمده دیر و رسنی بوکرداب

اولمه نکران سبزه و رنک — کائینه روی نیکا دوشر زنک

دف کیمی کوکلده نغمه اویمه — نی کیمی هوای لهوه اویمه

دامان طریق شرعه دوتکل — هر نه که خلاف شرع اونتکل

تحقیق وسیله وصول ایت — تقلید شریعت رسول ایت

بو سردفتر انبیانک اوصافندن بر بر قبه رسیده در صلی الله علیه وسلم

ای پادشه رسول لولاک — مقصود وجود خاک افلاک

اولمیش افلاک خاک ره نک — چکمش افلاکه خاک جاهنک

ای راقم نسخه معانی — معموره علم و دینه بانی

شاهنشه مسند رسالت — رسام قواعد رسالت

ای عرش نواز فرش پرور — دفتر ده اولور حساب محشر

سردفتر انبیای مرسل — انلر ره هم آخر وهم اول

ای واضع اصطلاح ایمان — حقدنک سبب نزول قرآن

سن سن سلطان غیره حقنک — سندنک اوزکه سنک طفیلنک

ای خلوت قدسه شمع محفل | جبریل ترددینه منزل
حق امری سنکه خلقه جاری | قولنکه اول امرنک عیاری
ای قبله نمای اهل طاعت | کنجینه کوهر سعادت
تاج سر عرش خاک پاینک | شمع شب قدر نور راینک
ای واسطه نظام عالم | ایمان وجود صدر اعظم
عرفان صفات ذاته عارف | کیفیت کاینانه واقف
لیس صدف در صفانک | طه کل بوستان ذاتنک
ای کتب دانشه معلم | محروسه حکم شرعه حاکم
درکاهنکا اپار رجوعی | تعظیمنکا آسمان رکوعی
تحسین سنکا ای خجسته فرجام | کیم وضع قیلوب نظام اسلام
کیف حال روشن ایتدینک | خیر و شر ایشنی معین ایتدینک
احوال اوامر و نواهی | سن ایلدرونک بزه کماهی
سن ایلدرونک که کیم ورکیم | بو قدر کیم الوردی حقدنک آکاه
کمراهی ایراقه سالدنک | افتاده رنکالینی دوزنک

فانش اولدی نصیحتنک جهانه | سن قویدینک اورتادا بهانه
اما بزه یو قدر ادل سعادت | کیم حفظ قیلسنک اوله عادت
اهمال ایدرز اطاعتنکده | تقصیر ادای خدمتنکده
هرنجه که خوار و شرمسار روز | بو حیله همه ایدر واروز
کیم فرض عواطف عمیمنک | شاد ایلیه کونکلن اهل دینک
عاصیرنکه اوله سن پناهی | نومید ارنک ایده کاهی
سن سن چو شفیع هر معاصی | نه غم اکر اولسه کیمسه عاصی
سن سن چو سریر پادشاهی | بو ملکده اولمنک پناهی
هر عرصه ده بر نبی ظهوری | هر دورده بر رسول نوری
فطرت یولینی منیر ایتدی | سنک شعبه آنی روشن ایتدی
تاکلکله روشن اوله رهنک | بو دور ره رسمی بادشاهنک
خوب عدم ایچره شخص عالم | کورنیدی وجودنی مقدم
کیم لمعه نور رنکن بر فر | ایمش ویرش جهانه زیور
ییدار اولسه اول یو خودنک | کتمدی قراری آرزودنک

چون بستدی اول نیامه تعبیر — سندنک اوکا نثرده ویردی تقدیر

دنیایه پیام فیض نورنک — تنبیه سعادت ظهورنک

خلقه ویروب انتظام تقدم — اولدم کلدنک که کلدی آدم

دنیا طلبنکده اولدی قایم — روز ایله شبی ویردی دایم

بر بر یتوب اوزکه نبیایه — معراجه چقردی پایه پایه

کزمزدی سنکله سایه همراه — کویا که نهال قدنک ای ماه

بو عالمه ویرمشیدی دایه — اول عالمه سالمشدی سایه

بو شب معراج بیانیدر [illegible]

چون فیض وجودنک ایله ای پاک — رشک فلک اولدی عرصهٔ خاک

دیدارنکی کورمکه ملکلر — پابوسنکا ایرمکه فلکلر

چون ایتدیلر اضطراب پیدا — الله دنک ایتدیلر تمنا

بخشش زمان نشر نوبت — رفع اولدی دعالره اجابت

جبریل آلوب ایتوردی فرمان — کی سرور ریاض علم و عرفان

خورشیدنکی عرشنه سرق کل — معراجنه پایه قیلیب کل

ای قدر بلند پادشه دور — لطف ایت شب قدر قدرن اتور

رفع ایله حجاب ماسوانی — سیر ایله مکان لامکانی

مشتاق جمالدر ملکلر — محتاج وصالدر فلکلر

ایوان سپهرده هر ستاره — بر پر کوز اچوب در انتظاره

خوش اولکه بیوب براق خوشحال — بولدنک درجات عز و اقبال

باصدنک ایاغنک بو چار طاقه — چقدنک درجات نه رواقه

نعلینک اکا سوردی یوزینه نو — خورشید رخنکدنک الدی پرتو

کوستردی عطارد هنرمنک — خط ویردی که من سننک غلامنک

ناهید سنک ایله وب فروش سلاطین — بزم و طرب ایلهنک بساطین

اقبالنک الوب قرین خورشید — اوکرتدی مسیحه رسم تجرید

تیغنکده بولوب نظام ایام — تعلیم شجاعت ایتدی بهرام

برجیسه ساعد اولدی اقبال — فیض قدمنکدنک اولدی خوشحال

کیوان شب قدرنک ایدی روز — اولدنک اوکا شمع محفل افروز

ریخت شب ماهتاب چکدنک — اول مزرعهٔ فرخین اکدنک

قلدی کمک فلک اطلسینی رنکین	اول محفله و پردنک اوزکه تزیین
لوح و قلمی مزین ایتدنک	کرسی ایله عرشی روشن ایتدنک
جبریل قریب براقی سالدنک	توحید بولند فرد قالدنک
رفع اولدی سنکا حجاب مابین	نزدیکین اولدی قاب قوسین
کیستدنک اوریه که کیمسه اولمز	بتدنک اوریه که کیمسنک اولمز
بزدنک هله غرور بتوردنک	حقدنک بره مژده لر کتوردنک
لطف اولدی سنکا عنایت حق	توفیق بقاده امر مطلق
هم مخزن معرفت کلیدی	هم نعمت مرحمت بیدی
دریا کبی ادب غنی کهردنک	دوقیله دونده اول جوهردنک
انصاف همین اوله سیاحت	بیله سفر ایله استراحت
اولدی سنکا نو بچه فیض حاصل	بو قهوه دنک زمانه غافل
غافل لری ایلدنک خبردار	اسرار نهانی ایتدنک اظهار
آچدنک در التفات انعام	وردنک کر کنجه هر کیمه کام
چون شفقت عامنک اولدی معلوم	لطف ایله بنی هم ایتمه محروم

بیچاره فضولیم که زار رم	ذل کنه ایله شرمسار رم
نه پرده بسم سبک رای	سن ایله سن بنکا مدد وای
ای شعله طریق و تاریک	وی رهنمای راه باریک
هر کیمی هادی طریق ایت	پر فیض نظر بکا رفیق ایت
کالایش اختلافدنک پاک	هم ایله کو ربنی طربناک
گذار وجودم ایله سیراب	باران رضای ال احباب

در مناجات رسول قاضی الحاجات

یا منبع المکارم و یا معدن الوفا	یا مجمع المحاسن و یا مظهر العطا
عیسی نیرسد بتو در قدر ریشت	برچرخ اگر نهند ز سر قدر اریا
معراج یافتی تو و بر طور رشت کلیم	فرق از تو تا کلیم ز ارض است تا سما
آب تو بود کاتش نمرود نشاند	روزی که کرده بود در آتش خلیل جا
اقرار کافر است ز شرع تو انحراف	برهان کمرهیست بغیر تو اقتدا
تا منقطع نکردد اسباب اختلاف	شد بسته بر تو سلسله سلک انبیا
با انبیاست نسبت ذات تو چون الف	هم بسته اول و بحقیقت هم انتها

تقدیر جز رضای تو کاری نمیکند
پیوسته طاعت توادیکنه قضا

ای آفتاب ذاتکا هر ذره بر غی
سن شرع دین دیاریده اولدنک مقتدا

سن غایت وجودسن اولدکه بر طفیل
سن پادشاه ملکسن اولدکه کدا

جاروب کردرنک بال جبرئیل
طاق رواق درکهنک ایوان کبریا

دار الشفای حشرده بیمار معصیت
شهد شفاعتکدن اولیار شربت شفا

یا مصطفی فضولی محتاجه رحم قیل
اظهار لطف ایله قیل حاجتنک روا

در عذر عدم قدرت در وصف قدر

ار آتش صحبت ایله ساقی
ویر باده مروت ایله ساقی

پر جام ایله قیل دماغمی تر
لطف ایله بر التفات کوستر

غم مرحله سنده قالمشم فرد
نه یار نه همنشین نه همدرد

هم جنس ارم تمام کتمش
سوز ملکنه نک انتظام کتمش

بو بزمده سن قالوب سن بن
بو بزمی کل ایده ایلم مزین

سن ویر باده بن ایلیم کورش
بن نظم اوقیم سن انکا دوت کوش

بر دوره امکه بزم اولوب خوار
اشعار اولوب کساد بازار

اول رتبه ده قدر نظم ردون
کیم کفر اولور کلام موزون

پر ملکده ام که کریدوب قان
مضمون عبارته چکوب جان

تنک روضه طرفه کل اکسم
تنک روضه نار بن نظم

قیلمز انکا هیچکیم نظاره
دیرلر که خاردر لعله خاره

الحق دیدیرم که خاک بغداد
الایش نظمدن در آزاد

یوقدر پر ملک بوزمانده
کیم نظم رواجی اوله اونده

نه هندده نه فارس نه خراسان
نه روم و عجم نه شام و شیروان

اولسیدی بنده برکهر سنج
البته عیان اولوردی اول کنج

کنجینه نظم کزلو قالمز
صاحبنک کورنش اوله سایه سالمز

کانی نجه کیم نهان دوترداش
ایلر انی لعل عالمه فاش

حالا که قضای دوران
اولدر که اوله بو کنج پنهان

دوران سنه که خوار اوله نظم
بی عزت و عتبار اوله نظم

بن نظم ویرم رواجین
همار به ایلیم علاجین

دل نقی کمال حسرت ایلر
لازم بیلورم جسارت ایلر

مثنوی آقا صادق نقشی

تعمیر خرابه طالسیم سن	انشاء الله که غالبیم سن

بو سبب نظم کتاب در و موجب ابتدادر

ساقی دوشمشم که خسته حالم	غم رهگذرنده پایمالم
سن سن بن مبتلایه غمخوار	سندنک اوزکه داخی کیم وار
مشکل ایله دوشمشم مدد قیل	می خور ایله تمامی ر ردقیل
حل ایله کوروب بو مشکلاتی	لم ایتمه قولدنک تفقداتی
برکون که می سهیل تأثیر	ویرمشدی مزاج پاکه تعمیر
همرنک خزان اولوب بهارم	دوتمشدی عقیقه زعفرانم
جمع ایدی یانمده اتفاقی	ساز و مزه و شراب ساقی
پیوسته لبالب و پیاپی	نوش ایدر ایدم قدح قدح می
ذوق ویره می ارتورردی شوقم	شوق ویره زیاد اولوردی ذوقم
اول نزهه عافیت بهاری	بن بلبل زار بیقراری
برجذبه ایرشدی نشاء جامی	کیم قالمدی اصل زمره آرام
اسرار والا اولدی آشکارا	مفتوح اولوبان دررمدارا

اولمشدی

اولمشدی رفیق همزبانم	آینه طوطی روانم
سرپنجه شریف خطه روم	رومی دیدم اولدی قصه معلوم
یعنی خاموش و دقایق اهلی	هم مسئله حقایق اهلی
هم علم فنکده حکمت آثار	هم سوز روشنده درفشاز
کیم ایردی دقایق رازه	شیخندن احمدن آغاز
کیم سویردی اکوب کلامی	اوصاف خمسی نظامی
بیلمشدی که حسن گفتار	قدرم قدرینجه بنده هم وار
چون وار ایدی سوز دیکه پالافم	تا انکله نه صد قسم و خلافم
بن خسته یی ایتدی نشانه	بر ربخیله تیر امتحانه
لطف ایله دیر ایدی سخن سنج	فاش ایله جهانه بر نهان کنج
لیلی و مجنون عجمده چوقدر	اتراکده اول فسانه یوقدر
تقریره کتور بو داستانی	قیل تازه بوکسی بوستانی
بیلدم که بو قصه تنهادر	زیراکه بو بر بلای جاندر
سوداسی دراز بحری کوتاه	سعنونی فغان و ناله و آه

بر بزم مصیبت بلا در | کیم اوتی غم سونی فنا در
نه باده سینه نشاطک رنک | نه نغمه سینه وجدک آهنک
اوراکه ورر خیالی آزار | افکاری ایدر ملالی اظهار
اولسیدی توجه مناسب | توجیهه چوق اولوردی راغب
بالله که نه خوش دیمش نظامی | بو بابده ختم ایدوب کلامی
میدان سخن فراخ باید | تا طبع سواری نماید
در کرمی ریک و سختی کوه | تا چند سخن رود باندوه
بر ایشکه قیلور بهانه اسناد | شاکرده اولور رجوع استاد
کرچه سپورم بو بر ستمدر | تکلیفی بونک غم اوزره غمدر
اما چه ایتک اولور اکراه | بر واقعه که دوشدی ناکاه
یکرنکینه غمنه شرح غم | بو ایشده کرکدر جوهر غم
ای طبع لطیف و عقل والا | اوراکی ایله نطقی کویا
دوشدی سفرم دیار درده | کیمدور بکا یار بو سفرده
هر کیمده که وار استطاعت | درد و غم و محنت و قناعت

اولدر

اولدر ره بو سفرده یارم | ذوق اهلینه بو قدر عیارم
مرکب کرک اوله عزم راهه | بلدر ره خامه وسیاهه
عزم ایلیلم القلم اتمنک | منزل کسلم تغافل ایتمک

بو بندای حکایت لیلی مجنون در

دهقان حدیقه حکایت | صراف جواهر روایت
سعی ایچنده کل اکنده | سوز رشته سنه کهر چکنده
قیلمش بو روشده کنج دانع | کل ریزلق و کهر فشان نفع
کیم خیل عربده بر جوانمرد | جمعیت عز و جاه ایله فرد
امرینه عرب طبعی منقاد | که بصره مقامی کاه بغداد
بر بقعه ده اولمیوب قراری | کز کنده ایچرده روزکاری
هر لحظه اوررری اودن نشانه | سرچشمه لره سیاه خانه
سیر ایلردی سرو بی تنعم | کوزلر اوزره مثال مردم
اوضاع قیامنک غلامی | حلقه تب قدرنک کرامی
هر نزلده کیم کذار ایلردی | صحرایی بنفشه زار ایلردی

گلزارلر ایچره لاله چاقی | بکزردی اوینه لاله داغی
امو اکی جمیع خلقدن تک جوق | اما بو جهانده وارثی یوق
گر قبیله اتی تلف حوادث | یوق بر خلفی که اوله وارث
فرزندینه آدمی تلف دور | باقی ایدن آدمی خلف دور
نسل ایله اولور بقای انسان | نظم ایشبو نظام دوران
جان جوهرینه بولدر اولاد | اولاد قوین قویر سمین آد
خوش اولکه خلقدن اوله حوصله ل | دنیاده بر اوغلی اوله قابل
پیرایه سی اوله دستگاهه | سرمایه سی اوله عز و جاهه
آه ارا اوله ارشد و سرکش | اطواری کریه و خلقی ناخوش
تشنیع اقونه اولنه | بزار اوله انک آتی آنه
القصه اول افضل قبایل | اول بر حمید الخصایل
فرزنده الوب همیشه طالب | تحصیل بقای نسله راغب
جوخ ماه لقا ضمیر آلدی | جوخ طرفه زمینه تخم صالدی
جوخ نذر ایتدی هر فراره | جوخ قیلدی نیاز کردگاره

تا بر قپوب فغان و آهی | عون ایتدی عنایت الهی
بر نیجه اچلدی باب رحمت | بولدیلر دعا اجابت
مقصد شمعی منور اولدی | صندوق امل دریه دولدی
تدبیجله قیلدی کلک تقدیر | نقش عرضی رحمده تصویر
بر ویردی نهال باغ مقصود | اچلدی گل حدیقه جود
چون وعده ایرشدی دوغدی | خورشید خجله عالم آرا
شاد اولدیلر اندن آته آنه | شکرانه ویرلدی چوخ خزانه
القصه عدمدن اولدی پیدا | بر طفل نه کر نرشه کی
خورشید کبی کماله قابل | عیسی کبی طفل لیکده کامل
اولدم که بو خاکدانه دوشدی | حالی کورروب فغانه دوشدی
یعنی که وجود دام غمدور | ازاده لرنک یری عدمدور
هر کیم که اسیر اولور بوداما | صبر ایتسه کرک غم مدامه
اولمیشدی زبان حالی کویا | سویلردی که ای جفالی دنیا
بیلدم غمنکی سنک که جوقدر | غم چکمکه بر حریف یوقدور

کلدم که اولم غمک حریفی / کل تجربه قیل من ضعیفی

هر قنده غم اولسه قیلمه اهمال / جمع ایله دل خزینه صال

هم ویر بکا غمک بیک خیالی / هم عالمی غمدن ایله خالی

پیوسته بنی اسیر غم قیل / کم قیلمه تعصبی کرم قیل

ذوقیله کچیره روزکارم / فانی اولا نه یوق اعتبارم

ای عشق غریب عالم اولدم / آواره وادی غم اولدم

تدبیر غمک اولمز اولدی / کلدم کره کتمک اولمز اولدی

سندن دیرم مدد که دایم / تمکینم اوله سنکله قائم

بو بزمده کیم شراب قاندر / ساقی جلاد بی امان‌در

زمی بکا صون که شد مدهوش / دایم اوزومی قیلام فراموش

نه کلدوکمی بیلم جهانه / نه انی که نیجه در زمانه

عالم کوزمه کورنمیه هیچ / بو رشته‌ده بولیم خم و پیچ

دایم انی پاک قیلدی جاندن / قالدوردی بو تیره خاکداندن

غسل ویروب اب چشم تردن / سو ویرنه ویردی قان جکردن

ارجاع آن قوم برز که کل قیس ازشاخ سرو آورده

اقوام و قبایلی اولوب شاد / اول نورسه قیس قویدیلار آد

جانینه قیلوردی دایه اعزاز / اسباب کمال تربیت ساز

لیکن اول ایدوب همیشه ناله / خشنود دکلدی هیچ حاله

ارضاع سین ایدوب ابیله فکار / ایردی مدام ناله زار

سود ایچه بها نوردی کیم اکر ان / امجک کورونوردی انکا پیکان

برکون انی کزدوروردی دایه / دردینی بتورمکه دوایه

برایوده کرکه بر پریوش / اول طفلی کوروب بسی مشوش

رحم ایتدی الینه الدی بردم / طفل انی کورنجک اولدی خرم

حسنینه باخوب قرار دوتدی / فریاد و فغانینی اونتدی

اولدقجه الده اولدی خندان / دوشدکده الدن ایتدی افغان

ماهیتینی چو دایه بیلدی / اول ماهی اونکا انیس قیلدی

اولدی بوداخی اونکله معتاد / نه آنه نه دایه ایدیدی یاد

ذوقنده چو وار ایدی محبت / محبوب کورنجه دوتدی الفت

معلوم ایدی اهل حاله اول حال / کیم نسخه عقده وار بو تمثال

البته قیلور بو صبح تاثیر | خورشیده چقوب الور جهانگیر

عشق ایدی که اولدی حسنه مائل | حسنی نه چلوردی طفل عاقل

چون تربیت ادب اوده ایه | ویردی اثر تمام اول آیه

کون کوندن ایدوب کمال حاصل | اول ماه نو اولدی بدر کامل

کلدوکجه می وفادن ایام | هر دورده صوندی انکا جام

تا قیلدی انی تمام سرمست | اندیشه دام عشقه پابست

چون سر عشیه دو زبانه | اون یاشنه یتدی اول یگانه

باباسینه قضای عادت | فرض اولدی کیم ایده [illegible]

جمع ایتدی اهالی دیاری | هر صاحب عز و اعتباری

اول اصاف صبر پاک مشرب | بر بزمکه ایدی مرتب

کیم کوردی انی چشم ساغر | جمشیدن اورکیه میسر

انجامنه یتوب طریق مشرب | تعلیم علومه یتدی نوبت

اسباب انکا ایدوب مرتب | ویردی ونزنکله زیب مکتب

بو قیاده بلادر و تقدیر الم اولادر

مکتبده انکله اولدی همدم | بر غنچه ملک شمائلی قیز هم

بر صف قیز اوتوردی بر صف اوغلان | جمع اولدی باشنه حور و غلمان

اوغلانره قزلار السه کریار | عشقه بولونور رواج بازار

قزلر کسب ایدوب فنون خط | اوغلانه بهانه غمزه و ناز

اوغلان نیجه صبر ایده قیلیلون | ور صبری مسلم اولسه نیجه قیلسون

اول قزلر ایچنده بر پریزاد | قیس ایله محبتی یتدی بنیاد

بر طرفه صنم که عقل کامل | کوردکده انی اولوردی زائل

زلفینی مسلسل کره کیر | جان بوینینه برملولو زنجیر

ابروسی خمی بلای عشاق | هم جفت لطافت ایچره طاق

هر کیرپکی بر خدنگ خونریز | پیکان خدنکی غمزه تیز

دریای بلا جبینی پاکی | چین جنبش موج سهمناکی

چشم سیهی سرمه دن عار | هندو سینه سرمه هم گرفتار

رخسارینه رنک غازه دن ننگ | هرگز انکا غازه ویرمش رنگ

کوز مردمکنده اولسه خالی | کوز مردمکی الوردی خالی

لعلی درّی کوستردی بردم / اوراق گل چهره قطرۀ شبنم
ابواب تکلم ایتدی مفتوح / امواته ویردی مژدۀ روح
شهد و لطیفه مرکب / سیب زنخ و ترنج غبغب
شهباز باخشلو اهو کوزلو / شیرین حرکتلو شهد سوزلو
راه روشی مدام غمزه / باشدنک ایاغه تمام غمزه
ابروچه مشکل و خوش چهره بکر / باقیشیجه چشم کوزلرچه دلبر
عالم سرینک طفیلی / محبوبۀ عالم آدی لیلی
قیس انی کوروب هلاک اولدی / بنک ذوق قیله دردناک اولدی
اول ناوره هم که قیس کوردی / بنک ذوق برله ابلدین آیریدی
کوردی که براقف زمانه / شکلی داخی کلمش جهانه
بر دلبر سرو قد گل روی / سروی خوش و در گلی سمن بوی
شیرین لبی نمت لطائف / رعنا قدی دور و غنچه فت
اوصاف لطافتکده سوز چوق / الطاف ملاحتکده سوز یوق
شهلا کوزی نرگسی پرفسون / زیبا قاشی نرگس اوزره پرنون

حسن گل لاله شفق فام / زلفی حمی لاله اوزره کی لام
اغیری صفحین خود نهنک اولمز / اسرار نهانه نهمت اولمز
زلفی سوزی ذکر حلقۀ راز / لعل لبی آب چشمۀ ناز
دور رسه روی چشمۀ نور / خاک کف پای سرمۀ حور
بر غایله شمائل خوب / کیم لیلی اولا نره انکا مطلوب
برکوزکه کرا جب کوزمینی / کوزکشده کوریدی اوزیوزینی
اوز عارضینه اولوردی مایل / قیلمزدی هوای وصل لیلی
اول ایکی سبز سهی قد / پر پرینه اولدیلار مقید
اول ایکی خراب بادۀ ذوق / بر جامدن ایچدیلر می شوق
کرداب بلایه اولدیلار غرق / قالمادی آرالرنده بر فرق
اوضاع مخالف اولدی یکسان / کویا ایکی شده ایدی برجان
هرکیم هوررا اولسه قیسه برراز / لیلی دلنک انکا تیردی آواز
کر لیلیه قیله رخطابی / قیس ایدی انکا ویریک جوابی
ابرلر ایدی خط وفا شوق / آرتاردی دمادم انلر عشق

لیلی ده اوقودی خط اجابی / اولسه رخ قیسی ادبی کتابی

مشق ایتمک که اوله قیسه سرخط / لیلی قاشی ایدی انکا سرخط

خط اوزره قیلورلر ایدی گوزلر / بنک نازیله بحث ایدرلر

اما نه جدل کمال الفت / نه بحث نهایت محبت

چون بر نیجه مدت اولدی پاک / اوقات گچوردیلر طربناک

عشق آتشینه بوزدی علامت / گیم باشدی چکه شعلهٔ ملامت

عشق اولدیغی پرده مخفی اولمز / عشق ایچره اولن قراری بولمز

حسن آفت عشق اولوب دمادم / گلدکچه ارادت اولدی محکم

بر غایته یتدی نغز حال / گیم اولدی حواس عقل پامال

قالمادی زبانه تاب گفتار / گیم ایمیه رمز اظهار

کیفیت حال قلمه قاش / گلمیشدی تکلمه گوز و قاش

ایردی گوز ایله اول خطابی / قاشیله ویرردی اول جوابی

قاش و گوز ایله اولن تکلم / هم قیلمدی دفع طعن مردم

مردم دن ایدرم دیده کناره / مردم گوزی ایچره ده نه چاره

همرازی ایکن اول ایکی وفادار / دمسازی ایکن اول ایکی جگرخوار

رفع اولدی حجاب بشاهد راز / عشق اولدی ملامت ایله دمساز

عاشق ره گیرلو قالمدی حال / معلوم اولدی جمیع احوال

گردون نشاطه دوشدی / سن لعبتین حسن ابساطه دوشدی

سوینمکه اول ایکی یگانه / قالمادی سبب گریبانه

تا اولمیه راز آشکارا / دور ایله قیلدیلر مدارا

هر نوع بهانه ایله پردم / گوکلنی قیلوردی قیس خرم

قصد اتدوردی درسین اول زار / لیلیه ویردی ای وفادار

حفظ سبق ایتدی تغزی خون / سنده نگ بیلورم بیلورسن افزون

بن بیلمدوکم سنکا اوقودکل / درسم اوقونیم قولاق دوتنگ

چون لوح لر اوزره خط یازردی / عمداً خطینی غلط یازردی

یعنی که ترحم ایده ایده / گفتار ره کلوب تبسم ایده

اوله سببی تکلم یار / فهم ایتمیه مدعای اغیار

اطفالی قلنده دوربنیاد / واری [illegible] ایله بنده فریاد

اول یار ینه عرض حال ایدردی · اوزگه دوزین خیال ایدردی

قیلمزدی سوزینی معلوم · بیلمزدی ایشیینی مفهوم

مکتبده اول زمان آزاد · وهمیچون ایدردی حیله بنیاد

قصد ایله نهان ایدوب کتابن · حد دنک آنی اوزردی اضطرابن

لیلی بولینی دوب دورردی · سن کوردنک اولادیوب یزردی

یعنی بو بهانه ایله بردم · یاری کوره اوله شاد خرم

علم دخطه عمرین ایلمبوب صرف · یاد ایتمیشدی همین ایکی حرف

برصفحه ده لام و یا کر ر · یازردی انی قیلوردی ازبر

یکیم بو ایکی حرف درمرادم · روشن بولار ایله در مرادم

چون کر یله قیس بدسرانجام · بر نیجه زمان کچوردی ایام

بولیلی اناسی لیلیه عتاب ایتدوکیدر

نه پرده عشق ذوق ویرمز · تدبیر دیاره عشق کیرمز

عشقیله ریا وکل هوا فق / رسوای کرک همیشه عاشق

دیلدنک دیله دوشدی بو فسانه / فاش اولدی بو ماجرا جهانه

کیم قیس الوبن اسیر لیلی / لیلی داخی صاحب انکا میلی

تدریج ساوی ایله ناکاه / لیلینک اناسی اولدی آگاه

یازار و دالوب چکوب زبانه / اول کلرخه دیدی یانه یانه

کای شوخ نذر بو گفتگولر / قلمق سنکا طعنه عیبجولر

نیچون اوزنکا زبان ایدرسن / یاخشی آدیکی یمان ایدرسن

نیچون سنکا طعنه ایده بدگو / ناموس تعلق ایشی دور بو

نازک بدن ایله برک کل سن / اما نه دیم یمان بو کل سن

لاله کبی سنده لطف چوقدر / اما نه دیم بو رنکا چو قدر

تسکینی جنونه قیلمه تبدیل / قیز سن اوجوز اولمه قدر کنی بیل

هر هوره عکس کبی باخمه / هر کوره کوزکا سوکمی آخمه

می کرچه صفا ویرر دماغه / اخذه قاچی اچون دوشر ایاغه

کوزکو کبی قاتی یوز اولوا لمه / نرکس کبی خیره کوز اولمه

سن شمس اویله کل هوا یه / کیم شمسی هوا ویرر فنا یه

لعلکی اوزکه بزنمه / روزن کبی کوچه لرکوز تیکمه

ساغر کبی کزمکی حرام ایت / نغمه کبی پرده ده مقام ایت

سایه کبی هر ایوه بوزاورمه / هیچ کیم سنه ایله اوز دورمه

سن ساده سن اوزکه اهل نرنک / جهد ایله سنکا دیرلمسون رنک

دیرلر سنی عشقه مبتلا سن / بیکانه لر ایله آشنا سن

سن جانه نک عشقی ذوقی خاک / سن جانه نک دوست شوقی خاک

اهل ال عجب اولمز اولسه عاشق / عاشق کی اکشیسی قیزه نالایق

ای اککی کوزم یمان الورعار / ناموسیمزی ایتورمه زینهار

بز عالمده ایسنده و ینک ناموز / مشهور تمام خاص و عاموز

نرنک ایله ایده لیم داخی لاف / بز دیسه لیم سن ایله انصاف

دوت کیم سنکا قیزم بن زار / بندن اولوب بد رنک واو

نیلر سن اکر اتانک آشفته / قهریله سنکا سیاست ایتسه

سن لعبه کل ایله ترک مکتب / بس ابجدنکی همین جد وب

ایتمه قلم ایله شقه تک یاد | سوزن دوت و نقش ایله بنیاد
لطف ایله گنک ایله قطع الفت | همراز تیر باشنه بلعت
بن کمی برابر ده ایدیشه | ایله روش ایله گیم همیشه
گرچه اونک اوله دیده ده مذکور | گورمک سنی اوله غیرتقه دور
خوش اولکه قرین هیشه گیزر | خود گیزلو گرک همیشه قیزلر

بو لیلی نامه سنه جواب ویردیکیدر

لیلی بو عتابی چون ایشتدی | اوزکو گلنده مقرر ایتدی
گیم شعبده سپهر ظالم | طرح ایلدی نقش ملایم
ایام وصاله ایتدی هجران | وقت اولدی جگر اوله بریان
اما نه دمیسون نه چاره قیلسون | تدبیرینه اولدغن نه بیلسون
ناچار روتوب طریق انکار | آثار تجاهل ایتدی اظهار
گلزار عتابه آب ویردی | گریان گریان جواب ویردی
کای مونس روزگارم آنه | درج در شاهوارم آنه
سوزلر دیسن که بیلمزم من | مضمونی فهم قلمزم من
بیلمن ندر اول حدیث مضمون | سویله نیچه اولمیم دگرگون
دیرسن بشوق عشقه عاشق | بیساده ضمیر طفل صادق
عشقنک قیلمزدی کیمسه آدینک | ها سندن ایشتدم ایلدی آدینک
بالله ندر آنه عشقه مفهوم | بو سته نهانی ایله معلوم
بن مکتبه ایسه گتمن | بر شغل خلاف رنگ ایتمن

هم سن دبرسن که مکتبه وار | هم سن دبرسن که کمه زنهار
حالسی سوره عشقه دم الورن | سنکا نیجه اعتماد دم لهون
بن هم دکلم نوزجبه قابل | کیم هر دم اولیم جراغ محفل
تا جنس رایله هم سدم اولام | بر یره بیغیه غم اولام
هر دیده دن ایده ایده پرهیز | اوقات کچه کدورت آمیز
پیوسته معلم ایله جور | کاهی سبق او قدورکهی دور
بالله بکا هم بو ایدی مقصود | مکتبده الوری طفل خوشنود
ارتوق بو سوزی مکرر ایتمه | لطف ایله بنی مکدر ایتمه
چون انه ایشتدی اول جوابی | ترک ایتدی شکایت و عتابی
شک یزدا نکار روشن اولدی کولیه | عاشق لقدن دکلدر آگه
بیهوده فسوندر اول فسانه | کیم عاشقدر فلان فلانه
چون واقعه شک مجلی اولدی | اول واقعه دن تسلی اولدی
لیلی هم اتوردی ایو ده ناچار | دوزدی صدفنه در شاهوار
برجیده ثابت اولدی اختر | محبوس خزانه اولدی کوهر

لعل اولدی سیه سینه سنک | جنس اولدی کلاب شیشه تنک
غمدن سیه اولدی روزکاری | نومید دل سیه داری
آه ایرایدی ولی نه حاصل | اول ایل آچمدی غنچه دل
کوز یاشی توکردی لیک نه سوز | تسکین ویرمدی انکله نخل مقصود
زلفی کمی پیچ و تابه دوشدی | حیران قالوب اضطرابه دوشدی
اغزی کمی ضیق ایتدی غم دار | چشمی کمی جسمین ایتدی بیمار
نه دردینی ساقله قراری | نه شرح غم ایله غمکساری
هر دم چکوب اول غم ایله آه | صبر ایتدی ضرورت ایله اول ماه
در دیله ایدوب ترانه غم | بو برغزلی اوقوردی هر دم

غزل

فلک آیردی بنی جور ایله جانانمدن | حذر ایتمزمی عجب ناله افغانمدن
اوده یاندرسه رسشعله ایله فلکی | نه بتر آتش آه دل سوزانمدن
آه ایدی همنفسم آه کیم اول هم آخر | چیخدی اکراه قوب کلبه احزانمدن
جان اگرچه تندن اثری ویرمدی | اثر مهر صاقنانک کیم جقه جانمدن

غم پنهان بنی اولدردی بو هم زخمم | کارخم اولمادی اگه غم پنهاندن
سن نه حاجت که قیلم داغ نهانمنی عیان | عاقبت ظاهر اولور چاک گریباندن
لطف ایدوب سن گرای باد بگوندن سل | ویره سن بر خبر اول سرو خرامندن
ای فضولی غم هجر ایله پریشان در حال | کیمه آگاه دگل حال پریشاندن

بو مجنون مکتبده فغان ایتدوکیدر

ساقی گتور اول شراب نابی | کیم اوله دوا غم جهانی
رحم ایله که قصد جان ایدر غم | باغرم ستم ایله قان ایدر غم
فریاد که چرخ بیوفادر | دایم ایشی جور ایله جفادر
چرخ خنک ستمدن اولمه غافل | قیل عقلی باده ایله زایل
بر عادت ایله داری یوخدر | دورانی تنگ اعتباری یوخدر
گر هم نفس ایسه ایکی یاری | بر بره گتوره ایکی زاری
البته سبب صالور ارایه | انلاری اسیر ایدر بلایه
بالله نه یمان در اشنالیغ | چون واقع اولور نهایت جدالیغ
گلزار کلام باغبانی | بیله دوزر بو بوستانی

کیم سرور ریاض محنت و درد | سودازده قیس دردپرورد
هر صبح گیدردی مکتبه شاد | مکتبده اولوردی غمدن آزاد
مشق خط حسن یار ایدردی | دفع غم روزگار ایدردی
ذوقیله دوتردی طریق سابق | عادتی اوزره صبح صادق
گلدی گینه مکتبه فرحناک | تا کیم ایده ذوق اهل ادراک
گوردی که بهشته حور گلمز | گون چقدی هنوز نور گلمز
خورشیدسز اولدی روز تا شب | اولدی باشنه قرا بو مکتب
بیلدی که سپهر شعبده باز | بر شعبده ایلیوبدر آغاز
البته جفای خلق اغیار | اول گل یولینه براقدی پرخار
توتندی الوب بهانه بنیاد | دیدی نیدر ای فلک بو بیداد
نیتدم سنکا قصد جانم ایتدنک | قطع ره دل ستانم ایتدنک
کیدنک طبع غصه زا هم | بیلدورمدنک کیم ندور گناهم
اول نی ایلدنک که شرم | وصل صنم ایله شاد و خرم
دوندنک ینه بیله جور ایدرسن | احبابه تغیض دور ایدرسن

یاندوریم اوده طوقوز رده افلاک
سوزنمک سنکا چلدیریم فرقنک

نه پرفیل ای معلم پسر
ایت سحر ایله اول پرینی تسخیر

الفی بکا سانه پیدی بو غم
کیم بکا سنکا پتن بو درسم

دوش ای الف استقامتندن
شرم ایله بو قد دوتاشکدن

قدی هوسیله دم اوررسن
اول کسدی عجب که سن دوررسن

ای نون چو نهاندر ابروی یار
سن داخی نظرده دور زنهار

ای میم چو غنچه‌ی اولدی غائب
اولدی سنکا هم عدم مناسب

اولسنک نوله ایدوانت دلتنک
آیینه خاطرنک دوتوب زنک

اول طره شکبودنک آیره
هجران قرانقرنک ایلتش سو

انجامه پریشکبار اولوبسن
سرگشته و بیقرار اولوبسن

گویا کون ایمیش میسر
دوران سنکا وثبوتلر

بر نیجه کون اول اسیر هجران
مکتبده کیروب ایدردی افغان

هر روز فغان ایدردی تا شب
تعذیب جکردی اهل مکتب

شب هم قیوبن فغان و زاری
ایردی مخاطب اول نکاری

کای

کای کوز نوری کونکل سروری
سن سرکوزمنک یوق اولدی نوری

اول نه ایدی بوشتا لیغ
آخرینه ایلدنک جدالیغ

صالدنک دل زاره نار فرقت
قیلدنک کوزمی پرآب حسرت

کونکلم اودی اولده واره وارث
بر نیجه که یوق انکا کناره

اولمایه دوتوب خیالنک یاد
اوده یانه سویه دوشه ناکاه

سرمست شراب اشتیاقم
مدهوش تحیر فراقم

سررشته اختیار اولمز
مدهوشده اعتبار اولمز

جان اولدی غمنک کونیده برباد
تشویش فراقدن اولدی آزاد

گوستردی بکا غمنک مذاقی
عیش و طرب و نشاط باقی

گرگلسه اجل نه غم نم اوله
جان خود دیو خدور کم غم اوله

شمع شب محنت و ملالم
شیفته‌ء محنت خیالم

سوز دلیله توکله یاشم
تیغ غم ایله کسله باشم

جاندن چقوب هوای عشقی
ترک ایلرم فنای عشقی

گرنامه‌ء غمده کلک تقدیر
کوندردیوبن قیلورسه تحریر

ایله‌نی اول حساب یعقوبن | کیم صورت حال دردکر کون
کون شرطی دیرلر قتابی | بالله که بو نکته درحسابی
هر کون که کوررونز قتابم | بن کون دیرم بو درحسابم
بونی کیمه بو درد ولدن آگاه | بو درد ولیله نسیم آه
دردم سوزه کلدوکجه ارتر | اوو دردیله زبانه دارترم

غزل

ای خوش اول کون کو نازلر جانم ایله | نعمت وصلین کوروب نازین چکردم جانم ایله
کورمشدی کلشین عیشم خزان تعزیت | اولمشدی تیره ایامم شب هجر ایله
مهوشمدن دوستلر دوران جدا ایتدی | دشمنم درسیج چمن نتیجه‌سم دوریله
ذوقدن دیباچه باقلدی کتاب عیشه | قویدی دوران کیچه ادقانم اول عنوان ایله
تیه کر شفق‌نک فغانی افلاکه بیود | ینمک اولمز دوشیلر وصلینه افغان ایله
یا شوروب خرده‌م ایلدن واغ پنهانی کر | اینک اولسیدی مدار اودیده کریان ایله
ای فضولی اختر بختم ساعد اولمدی | کیم اوله بردم نگارن اول مه تابان ایله

بو مجنونن کندو رده لیلیه مقابل اولدیغیدر

سوز مختصر اول اسیر سودا | بو نوع ایله اولدی خلقه رسوا
کیم قیس ایکن اولدی آدی مجنون | احوالنی ایتدی غم دکرکون
برکون که بهار عالم افروز | ورشدی جهانه فیض نوروز
صالشدی نقاب چهره‌دن کل | چکلشدی سرود ناله بلبل
شبنم می باقی ایله لاله | دولدرمشدی غزال پیاله
اولمشدی کل ایله سبزه تر | فیروزه فروز لعل پرور
برنیجه مصاحب وفادار | مجنون شکستنی کوروب زار
کریان دیدیلر که ای بلاکش | کلچ قیدور اولمه کل شوخوش
بو فصلده آدمی کرک شاد | اندوه بلا و غصه‌دن آزاد
چون ابر دکلسن اولمه کریان | چون سیل دکلسن ایتمه افغان
کل کبی برقمه سینه‌کی چاک | سبزه کبی ایتمه بستر خاک
الحق اوزنکی اسیر غم قیل | لطف ایله خرامه کل کرم قیل
پاکیزه وجوده حیفدر غم | پس داخی قالمیه بو عالم
صحرا دوتیمی بهیم شاد | سن داخی اوزنکی ایله آزاد

شاد ایدی اچوب گل سراذکت — محکم قیل اس عقب ذنکت

ای غنچه دهان و سرو قامت — گل ادینه زمانی ایت غرامت

سیر اوزره بو نوبهار فصلی — شاد ایدی بولونه نگار وصلی

مجنون حزین ایاغه دوردی — صحرا اوزره سیر ایچون یوزاوردی

گریان گریان گزردی هر یان — جران جران قیلوردی سیران

که سبزه عرض راز ایدردی — که لاله کبی غبار ایدردی

چشمیه نور وردی لاله دل غین — عاشق سا قوب ایوب ایاغین

نرگس گوزینه نگاه ایدردی — یاروں گوزین اکوب آه ایدردی

بلبله شرح ایدردی رازین — قمریه محنت وبیازین

هر طرفه چیچک گوروب چوباه — منزل منزل گزردی ناگاه

بر سبزه دوشدی رهگذاری — کیم سیر ایدر ایدی اندیه یاری

بر بغچه پر زخیره همدم — مجنون گشنه دن مقدم

لیلی گندیزلش اول فضایه — صالمش گل ولاله اوزره سایه

بر سبزه یه سبز خرکه اورمش — سه صحن چمنده ماه قورمش

غنچه کمی اول لطیف خرگاه — گلبرگ کمی اچنده اولماه

مجنونه مقابل اولدی لیلی — بحجه غمه بتدی درد سیلی

لیلی دیدی جنت اچره بر حور — مجنون ویده رخنه عقلدن دور

لیلی چمن بلا نهالی — مجنون فلک وفا هلالی

لیلی ده سمان حشمت — مجنون شه کشور ملامت

لیلی صدف ایلی حسن ایری — مجنون سر کوی غم فقیری

لیلی یاشی غمزه و کرشمه — مجنون گوزی یاشی چشمه چشمه

لیلی ونشاط وحسن کامی — مجنون وبلای عشق دامی

لیلی ولطافت دل ارای — مجنون وملامت غم افزای

لیلی ده کمال حسن ایله ذوق — مجنونده جمال لیلیه شوق

لیلی صدف حیایه برذر — مجنون نه انگله بر تف خر

لیلی ده وصال ودیت — مجنون ده هم آرزوی لیلی

اول ایکی سهی قد سمنبر — بر برینه اولدیلر برابر

فولاده صبا تا شهد سنگ خاره — اوده دوشدی قرار واختیاره

بر ساره دوزلدی اول الکی یار — کرم اولدی رواج ناله زار
اول یاخدی سونکات طبولدی — بو یاخدی اونکا نقید اولدی
مجنونده قرار و دومنیوب جوش — بر دمده تحیر ایلدی جوش
بر دم یاخا چاپلدی اول آیه — دوشدی یرکه اوزره بیشل
لیلی هم اتیوردی اختیاری — بر دم کوره بیلمدی نگاری
حیرانلقی اول سقامه یتدی — کیم دوشدی یاخدن اوپکیتدی
گل بوی سیبوب روان یرینه — لیلی‌نی کتوردیلر اوزینه
کریان دیدیلر انکا که ای ماه — ناکاه اولورانانک امانک آگاه
کیم غیر ایله آشنا اولوب سن — پر دلبره مبتلا اولوب سن
دردر بوروش نتیجه خوب — شایسته دکل سنکا بو اسلوب
یخشی نظر ایلسن مبادور — جسم بزه وهم سنکا زیاندر
اندن کتوروب لب طرحگاه — اولسه القانی خواه ناخواه
اوزرجنه قیلدیلار روانه — کیم اولمیه وقف آتا آنه
سوزدیه دیرلر اماجرادن — نه گنجدن و نه اژدهادن

مجنونی هم ایتدی چشم پرآب — سولار سپا چوبن یورینه سیراب
کوردی که نگاردن نشان یوخ — بر جسم فسرده وار و جان یوخ
دیوانه قالوب پری که بدر — سالوب انی دلبری که بدر
چاک ایلدی جامه قیلدی ناله — حالی بدل اولدی اوزکه حاله
زرک ایتدی لباس لاله‌گونی — رخت اولدی تن‌شنه‌سنک خونی
که ماتم ایچون سیاه جامه — جرکنه باشه سیه عمامه
چرکندی باشنه دود آهی — یاندردی عمامه سیاهی
اکرمیله یخدی پرسندن — عار ایتدی باشنده غم کفندن
نعلینی برخدی اول جفاجو — کیم عاشقه پای بند دربو
همه طره عذرین ایتدی آغاز — کی زنجیر همنشین وهمراز
سیلاب هجوم عشقه یتدی — بن شیفته حالی غرقه ایتدی
اولمنکت بنی خسته ایله همدم — تا یاتمایه سیز بو یره سیزهم
بن رنگ قلاشه بویاندم — سودازده لیق اودنه یاندم
البته براوکه دوشدی چاهه — آخر قوتوب چیکر زبانه

دشوار يابانى سهل صانمشدك / سبزه اخى منم او ديرايانك

هندن سيره دوشسون بر جكر / جون دكمدى خيره دكسون شير

سودا سيله ايتدى روزكارم / عشق ايلدى عنان اختيارم

بن بر قوشم اوچدم آشيانه‌دن / بن خانه‌دن و عملم خانه خانه‌دن

فلكك بكا ايوجه ستابين جرخ / وادى غم اندره كتمكم يوخ

اى پرشكسته حال باش دد / تنكرى ايچون المدن اليمه داد

ديمه كه ندر بو ماجرالر / سندنك بكا يندى بونلار

بن بيلمزدم غم جهانى / تشويش زمين و آسمانى

بكوده بر اچه عدم ده / نه غصه ده ايدم و نه غمده

بيلمز ايدم خوش ايدى حالم / نه عشق و نه حسن ايدى خيالم

سن وسطه وجودم اولدنك / سن بنى قيض جودم اولدنك

اودنك كه همه اولمش د / ور دا كه اميدنك اولدى برباد

بن يوخ الوبن سن ابدى وار اول / اوزكه خلقه سنه وار اول

سعد ور دونك اى عزيز معذور / بن قصد ايله سندن اولمدم دور

جوق صدق ايله ايلدم سكا عزم / كيم دولت وصلكا ايتم جزم

ترصالدى يولمه شكك حسرت / دامانمى دوندى خار محنت

تحرير قيوب بنا بو حال / بو شعرى همان ايلدى ارسال

غزل کفتن مجنون

فنای عشقه اکوردم صلاح عقلدن دورم	بنی رسوا کوروب منع ایتمه ای ناصح که معذورم
خیال حسن زلف طاق ابرو سینه ده قومدم	صارلدی خشتیله کنجیم قدر اینه مغفورم
اکر چاک کریبان ایسم منع ایلمه کیم بن	متاع ننکدن عاری لباس عاردن دورم
بلای عشق دردین دوست ترکن قیلمزم زاهد	نه مشتاق بهشتم بن نه کیم نه طالب حورم
ثمر عقل فرماندن ایتسم دوستی بالله	بنی رابعه صانما عشق سلطانه مأمورم
غرض بر آدمش عالمده بن نام آلرم برآد	بحمد الله فضولی رند و رسوا القده مشهورم

بو مجنون حزین صفحه ده روش عشق بولدیغیدر

اول شیفتهٔ غم جهنده ماهر	قیلدقده وصیتنی آخر
قلدی کتورب طریق وحشت	احبابدن انقطاع الفت
صحرایه دوشوب کوزنش مثالی	تنها یرر اولدی لاابالی
کوز یاشنی توکدی ایسکه هر سوی	هر مرحله دن یرندی بنک جوی
برابر بلا ایدی کلالی	باران سرشک و برق آهی
باران ایله برق جسم و جاندن	بر مرتبه دن که سوندن آزدن

دریالره دوشسه لمعهٔ تاب	صحرالره دوشسه قطرهٔ آب
دریالر اولوردی جمله صحرا	صحرالر اولوردی جمله دریا
فریاد ایله ولوله بوردی	فریاده کتوردی وحش و طیری
افغانی یتوردی آسمانه	فغانیله آسمانی جانه

بو مجنون اتاسی بیابانده بولدیغیدر

کنجینه کشای کنج رفتار	اولمیش بو ادایله کهربار
کاول برنچه بقرار و محزون	ناچار قیلوب وداع مجنون
نومید دونوب شکسته و خوار	قیلدقده راه سنی جبر دار
اول برچو قتف اولدی حاله	مجنون الوب ایتدی آه و ناله
صحرالره دوشدی سیل تک یوز	وادیلره آچدی چشمه تک کوز
چرخ ارادی کزدی برمکانی	بولمدی او نجیننک نشانی
تا عاقبت اول شکسته حالی	بر کوشه ده کوردی لاابالی
دوشمش یره خاک و غمناک	احوالی خراب سینه سی چاک
دوشمش کل سرخی زعفرانه	غمش دل لطیفه سی خزانه

دل غنچه‌سی غبار روشن … رنک غم روزکار روشن

اتمش الفین ستم غمی دال … قلمیش قلنک فلک غمی نال

همصحبتی مور همدمی مار … تکیه‌کهی خاک بستری خار

خار اوزره انکا دلوک دلوک تن … اچمش غم ادینه در لو روزن

اول پرچو کوردی صورت حال … صورتکی قالدی بر زمان لال

بر لحظه‌لی تحیر الدی … حیرت کوزاینه باخه قالدی

چو کر ه یچه برتوبته‌ی فریاد … کای بلبل بوستان بیداد

حال دلنکی بکا بیان ایت … سر ارنهانکی عیان ایت

کیم الدی الکدنک ختیار رنک … کیم ایلدی تیره روزکار رنک

بالله نیه بیقرار الوب سن … اشفته روزکار الوب سن

نه سیر ده سن سنکا طلب نه … بو نالۀ زار بکا سبب نه

دریاده نیه سنکا ندور کام … سن بویله بن ایلیم سرانجام

ظلمتده الورسه شمع موجود … روشن قیل و بنکا بیته موجود

مجنون دیدی ای بکا ور نکیه … دانای سخن ورخردمند

کیم سن ندرو بو کفتکولر … یف انده باطل ارزولر

کیت دردمه سن دوا قل سن … پسکاره سن اشنا دکل سن

وربولجی ایسن اثر سلامین … کرابجی ایسن یتور پیامین

بن بیله کلامه دو تمزم کوش … لیلی سوزی سویله یوخسه خاموش

دیدی بنم ای بلاکش … بن سنک ملامتم سن اتش

دیدی ندر انکه یوخسه اننه … لیلی کرکت اوزکه درفسانه

چون کوردی چاعشکده اهمال … بیلدی که فقیره اوزکه در حال

ویردی بو فریب ایله تسلی … کیم دوکرکیده لمم چاغردی لیلی

لیلی یره کلدی بیهانه دور … لعلنک طلبنکده درفشندر

مجنون چو ایشیتدی لیلی ادین … صاندی که فلک ویرر مرادین

لیک دیونک اياغه دوردی … اول کعبه قصده یوز اوردی

پر ایله جوان دل شکسته … دوندی ایوه کلدی زار وخسته

باشنده هوای وصل لیلی … نه اته غمی نه انه میلی

بر مجنون اتاسی نصیحت ایتدوکیدر

كه اته بضعف ايتدى غاز | كه آسى اولدى بهنه پرواز
كاى رحت جان ونور ديده | فرزند يكانه نكزيده
ث نكده رياث عرب وار | ميراث شجاعت ادب وار
اطوار ملوك دوث هميشه | آئين شجاعت ايله پيشه
ابروى خم ايله كرمرادنك | سست ايتمه كمان عشق رنك
مژكان سيابدنك كوتوردل | اول ناوك جان ستانه مايل
اول سن نكران قد وقامت | قيل سبزه خوتقانه رغبت
كر زلف ايله كوركه ايسه سن جان | كورهيات نقطه سكردآل
كونكلنك كوز وقاشه اوله مفتون | كوز ديده عين وابروى نون
سن پرسن اولمكل كران بار | ازاد اوله كورمكيم كرفتار
سن لعل سن اولمكل سبك سنك | دوندرمه كونش كورب روان رنك
ايتمه اوزنكى حبابه مانند | باشنده اولانك هوايه چرسنه
كيم بو قدر اول هوايه پيناد | باشنك الور اول هواده برباد
سركرم لك ايتمه شمع نث | سوز غم عشق ايله مروث

كورشمى

كورشمى بچه دوشر بلايه | باشيني ورر كيدر فنايه
ذوق دل ودديده قبله عادت | حالمى مشاهده ارادت
محبوب دمى ايله بليلن جان | صانمه الور ايسه اهل ايمان
عقلى مى الور مدام سستونك | ايمانى الورمى بت پرستنك
شعره هوس ايتمه كيم يانذر | نخشى ديله راني يانذر
حالا قيله كور كمال حاصل | فوت ايتمه مجال كزمه غافل
اى باغ اميدمه نهالى | قيمه بزى تنك پايمالى
محبوب هم ايسه سن كيم اولمز | بركيم سنك اورسنكا غم اولمز
واردر بو عجبه پنك قبيله | هر طائفه بچه بنك جميله
بر بر قبيله لوم غرو سنكا عرض | بتسون يريبه بزه اولان فرض
برسروسهى قد وسمبر | ترو بچونكا ايده لم مقرر
يقين ايده لم سنكا بسى حال | حرف ايله كبند وكنجه احوال
سن رد ايتمه بو طريق وخت | قطع نسب ايله امانت
بزدن بو نصيحتى قبول ايت | هر لحظه بزى ملول ايت

عشاق شفاعتین قیلوب یاد | بو شعری نه خوش دیمیش استاد

غزل بزبان پدر دعیت دادن

جان ویریر هر کیم عشقده که عشق افت جاندر | عشق افت جان الدوغی قهوه رجاندر

سود ایتمه که سودای غم عشقده برکز | کیم حاصل سودای غم عشقده زیاندر

هر ابروی خم قتلونکا برخنجر خونریز | هر زلف سیه قصد نکا بر افعی پیچاندر

بخشی کور نور صورتی خوش رنکا | بخشی نظر ایله کده سرکامی بجاندر

عشق افت جان اولدوغی انم بیورم کیم | هرکیمسه که عاشقدر ایشی اه فغاندر

یادیمه قرا کوز رنک مردم چشمن | مردم دیو بدانمه که انجه گلری قاندر

کردیسه فضولی که کوزلرده وفا وار | الله انمه که شاعر سوزی البته یالاندر

بو مجنون انا سینه نصیحت جوابیدر

مجنون که ایشتدی بو خطابی | ویردی بو ادا ایله جوابی

کای روح روانم آنه آنه | کام دل و جانم آنه آنه

تحقیق ایلدوم ایشم خطادر | هر نه دیسکز بنکا روادر

الوده رنک و دود اسم | ذل کنه ایله رو سیاهم

بن هم الوبم بو ایشده اکاه | اما نه دیم نه سویلیم آه

یوقدر بو ایشده اختیارم | ضبط ده عنان اقتدارم

عقل اولدی ضعیف عشق غالب | خاطر نکران نکار جاذب

دوتمی تن و جانمی غم یار | غیر المحبوب لیس فی الدار

بنده داخی بیلیک نه اولون | بندن بنی ایستین نه بولسون

تقدیر چو چرخه دوره تره پر | تقدیرمی ایدرمی کیمسه تغییر
اولسیدی نیکارنه طوروزی | استرمی ایدم بو درد و سوزی
گر صحته قادر اولسه بیمار | درده اوزین ایلمز گرفتار
آل ویرسه گدایه پادشالق | صانمنک که قبولر داخی گدالق
قطرتده نه حالت اولسه مفهوم | رفع اولمغیدر امر معلوم
اصل همه ایمسنک تامل | کیم گل دیکن اولمز و دیکن گل
کیفیت آب و جوهر خاک | دینک اولامی قبول ادراک
یوسفله لیکندن ایرلیورمی | اودیانه دره چیمیه بیورمی
اول کون که رحمده کلک قدرت | ایچادمه ویردی زیب صورت
دولدردی هوا ایله دماغم | سودا ایله باغلدی ایاغم
دولدی بدنده کی رگ و پوست | باشدن ایاغه محبت دوست
ملک ایلدی جانمی جفایه | وقف ایلدی کوکلمی بلایه
یوق حکمنده بکا تخلف | اول ملکده وقفه بو تصرف
بن شمع سراچه فراقم | سوز جگر ایله خوش فراقم

بندن دیمه بو سوزی زایل | پیدا دیمه اولمش اوله مائل
شمعن که حیاتی اولدی آتش | جانی اوننک آتش ایله درخوش
اوننک دیمه هنک نجاتن | فانی دیمش اوله حیاتن
دشمنلغه دوستلق قیوب یاد | تدبیر نجاتم ایلمنک داد
بن غرقه بحر شوق یارم | بر همزده غم نگارم
انجق به قرارم اولدر | آرام دل فکارم اولدر
انجق اوننک بودرده مرهم | اوننک داخی اذن اوزرکه مرهم
ویرسه بکا وارلر بار | لیلی کبی چوق پری نقابلر
بالله دینک بو حرفی زنهار | عالمده بر اذن اوزرکه کیم وار
جبل گل ایچون ایدمه ناله | ویرانه‌ده داالورمی لاله
خسرو کلم بکا که دلبر | شیرین اوله گاه گاه شکر
بن کچمشم طعنه یقتمده | تغییر ایشی یوق حیاتمده
عذرینی بیان ایدوب هم اول دم | تقریره گتوردی بر غزل هم

بو غزلی مجنون اتاسنه جواب ویردی

عشق دردی ای علاج قابل دکل	جور مندن ایمک جسمی جدا آن دکل
دور جور زمندن شکایت ایمز عاشق دکل	عشق تستی و تف کیفیت دوران دکل
شهردن صحرایه فرق اولدغن هر کیم بیلور	بیلمش اولکیم عشق صحراسنده سرکردان دکل
هر کیم ادراک ایمز کیفیت جان سوز	دوست رخساریه عین نور قبله حیران دکل
جانی جانان تمام ایدی فارغ ایدر جسمدن	جسمدن اکاه اولان جان جسم خاکیدان دکل
دیر بیش دشمن که هر در رضا بن بر ایله	هر سوزی بهتان لب آتجا بو سوز بهتان دکل

بو مجنون آهنک لیلی حرفنکر الیور | لیلی آهنک مجنون بزالیوردر

ساقی کتور اول شراب نابی	کیم سیدی قضایه غم حبابی
غم دشمن جان مبتلادر	دفع ایلیه کور که بربلادر
سوز جوهرینه اولان خریدار	بو نوعیله کرم قیلدی بازار
کیم عاجز اولوب غم ایچره اولدی	مجنونه قیلدی فکر زنجیر
بیلدی که کر اوغرادی لیلی	ممکن دکل الماغی تسلی
قیلدی طلبین اوزینه لازم	جمع ایتدی اعالی و اعاظم
قصد ایله قیلدی اوپ کام	اول کعبه اوزره احرام

چون لیلی اناسی بیلدی حالی	بیلدی که نه در اول انیس اهالی
قز شور ایدوب روانه	قیلدی اول نکله عزم خانه
اهل دیوب دمادم	تنک کزدیدی اولاخیر مقدم
چون شمع صفت اولار اتوردی	اول سرو کمی ایاغه دوردی
اوریایه براخدی طرفه خوانلر	ناکام دل الا مهمانلر
اولدی کولدی کباب ایله خون	جدی وصل ایله مهمانلاری
اما عجب ارقیبه خرد سند	اوخواقری مهمانه مانند
هر کیم غرضین بولوردی خندان	بو ممکن اولوردی خانمانک
خوان کتورلر کنده اول جر	تقریب ایله وردی بیتدی تقریر
کای قدر ایله قبیله قبایل	سندنک ماعونک مرادی حاصل
اهل و نسبم سنکا عیاندر	حکم نیچه بنک ایله روانه در
مشهور قبایلم سخاده	معروف طوایفم عطاده
هم وار محبتمده تاثیر	هم وار عداوتده تشویر
سر دفتر اهل روزکارم	هرنیچه دیسیم یوز انجه وارم

نخل امم ثمر ویر بدر ‌ ‌ ایزد بخشا گهر ویر بدر

حالا دیرم بو طرفه لؤلؤ ‌ ‌ بر لعلیله اوله هم ترازو

نا لؤلؤ اولنده لعله واصل ‌ ‌ ترکیب قیلیم مفرح دل

چوق کانره تیشه دشمن اولدم ‌ ‌ چوق لعل حقیقی سورردم

هر کانده اگرچه لعل چوقدر ‌ ‌ بر لعل که لایق اوله یوخدر

بر لعل اشتهم سنک وار ‌ ‌ کیم لؤلؤسنه اودر سزاوار

لطف ایله عنایت ایت کرم قیل ‌ ‌ اول لعلی بو درّه محترم قیل

قبیل بونک کله سرو سایه پرور ‌ ‌ ادلسونک کله سرو سایه گستر

فهم ایت سوزمی تغافل ایتمه ‌ ‌ خیر ایشی در تعلل ایتمه

گر حاصل اوله بو کام سندنک ‌ ‌ هر نه که دیر سن ایسته بندنک

انجه قبیلیم روان سنکا گنج ‌ ‌ کیم ایلیه یر دوزین نهان گنج

انجه گهر ایمیشم روانه ‌ ‌ کیم بولمیه سن انکا خزانه

اول سرو سمنبرنک اتاسی ‌ ‌ اول گنج نهانونک اژدهاسی

لطفیله دیدی که ای خردمند ‌ ‌ بن کمی اسیر دام فرزند

سن خوش کلدنک صفا کتوردنک ‌ ‌ تو پیر اعلوندنک بیزی کوتوردنک

شکلکجه خطا بدر خطابنک ‌ ‌ بسلن بچه ویریم جوابنک

فرزنک سوردم بکا شرفدر ‌ ‌ اما خلفنک عجب خلف ور

مجنون دیو طعن ایدر خلایق ‌ ‌ مجنونه نه بم قیزم نه لایق

لیلی دیلسیم کنا زنیدر ‌ ‌ هر تیز کنیزه کمتر ایندر

اولمزمی کنیز جنس مردم ‌ ‌ بو قدر ری کنیزه هم ترحم

دیو ایله پری الوریمی همدم ‌ ‌ اولمز دیمه سوزی اچه ایسم

دیوانه نتایج ایلمه رنج ‌ ‌ ویرانه گرک انکا اندر گنج

تدبیر ایله دوندرب سزا جهین ‌ ‌ سوداسینک ایدینک علاجین

لیلی اینک اولونک ایلدم عهد ‌ ‌ وار ایسه دی سن ت علاجینه جهد

بو مجنون اتاسی حرمان دردینه تأسف دربیانی

اول صاحب ننک نام وناموس ‌ ‌ دوندی ایوه کلدی خار ومأیوس

مجنونه دیدی که ای بلاکش ‌ ‌ حاجت پیتر اولسل خوش

عقل ایله اچور اولسا ‌ ‌ لیلی نی سنکا ویرر ایدی

شرط اول بو کی اوله سن خردمند — ارباب خرد دکل اله سن بند

رفع اوله علامت جنونڭ — عقل اوله هیئت رهنمونڭ

مجنون دیدی ای ادیب کامل — دیوانهٔ عشق اولورمی عاقل

کر بنده بر اختیار اولیدی — تدبیره اعتبار اولیدی

اول دنک ادب شعار ایدردم — تمکینی استوار ایدردم

بندنک بو علاجه یوق مدارا — بنک کرغمم ایتدم آشکارا

اول کیم جوابدر جوابم — یوخدر بو روشده انقلابم

سن اهل خردسن ایله تدبیر — تدبیرنک ایده مکر که تأثیر

لیلینی دخی بن ایتمیم یاد — بن عاقل وقت اولیم سن آزاد

اول پرکشته حال حیران — تدبیر علاج ایدوب فراوان

هر قانده ایشتدی بر طبیبی — کزراری نک اولدی عندلیبی

اظهار ایدوب انکا احتیاجین — بیمارینک ایستدی علاجین

هر یرده که کوردی بر نظرگاه — واروب انکا اولدی خاک درگاه

چوق ال کتوروب دعا ایستدی — چوق نذر ویروب عطا ایستدی

زینده اولن ایتمکه شاد — بر یرده دنک الندی برارشاد

چون سعی اوجوب یارلدی تعوید — چوق کزره دوتلدی امید

ایدلدی نسیح برایه چاره — بر جاره قضای کردگاره

بر کون دیر انکا که ای پسر — عالمده سنکا بو قالدی تدبیر

کیم کعبه یه ایله سن سیرنک — حق اوله مکر که دستگیرنک

طوف حرم اوله اوکا حاصل — سرگشته لک ایدن اوله زایل

اوره حجر مبارکه باش — بوشنه اکر اوله قرا داش

بو مجنون بیجارنک کعبه زارو دغیدر ومناجاتندر

اول پر بو خبر ایله قیلوب جهد — مجنونه مرتب ایتدی بر مهد

الدی انی عزم راه قیلدی — عزم حرم اله قیلدی

چون کعبه یه یتدی اول نکو رو — مجنونه دیدی که ای بلا جو

دوت کعبه ده روطی غفت ایله — تمکین ادب رعایت ایله

تعظیم ایله تبعین ادا قیل — اخلاص درست ایدوب دعا قیل

اوله که قبول اوله نیازنک — حق شفقتی اوله چاره سازنک

بو پرده قبول اولور دعالر | بو بقعه‌ده بخش اولور عطالر
قیل توبه که حسن عمل دور | جهد ایله نجاته کیم محل دور
مجنون بولوب اول مقامدن ذوق | صالدی انی چرخه خنجر شوق
سوز ایله چکوب جگردن آواز | عرض ایتدی بنای کعبه‌یه راز
ای سقف بلند و قدر عالی | محراب اعاظم و اعالی
ای قبلهٔ اهل عز و اقبال | رخساره‌نه عنبرین خال
کی شعر وفای عنبرین پوش | همرنگ پلاس خانه دوش
ای گلبن غنچهٔ عبادت | حقه‌ده‌وق جواهر سعادت
ای دائم اولان نجله همدرد | امانه منم کمی جهانگرد
گوسکنه جگر کمی اودن داش | زمزم کمی گوزدن آخدن یاش
پوسته‌سیه قیس لباسن | گوگلنده نهان دوتن هواسن
بالله کیمه سن بو یولده عاشق | سویله که انیسوام موافق
اولمش سنکا فیض عشق حاصل | قیلمش سنی قبلهٔ قبائل
یارب بو حرم سرا ایچون
بو سجده پرصفا ایچون

قیس بنده بنای عشقی دائم | بنیه‌سی هاس کعبه قائم
صال گوکلمه ورد عشقدن دم | هر لحظه و هر زمان و هر دم
عشق ایچره مدام شوقم آرتور | شوقیله مدام ذوقم آرتور
بر قنده که عالم ایچره غم وار | قیل گوکلمی اول غمه گرفتار
اندیشهٔ عقلدن جدا قیل | عشقیله همیشه آشنا قیل
آرتور بنکا شوق و ذوق لیلی | دائم بنکا انده قیل تجلی
چوقدر بنی آدم ایچره بیداد | ایت گوکلمی وحشت ایله معتاد
بر ملکده ویر بنکا قراری | کیم تیمه آدمی غباری
اول زاره کعبه امانت | بهتر دی دعا قبول اجابت
طغیان بلادن تیموب فکر | بو شعر ایدی هر دم انده کی ذکر

بو غزلی مجنون مناجات قلوب اوقودی

یارب بلای عشق ایله قیل آشنا بنی | بر دم بلای عشقدن ایتمه جدا بنی
آز ایله عنایتنکی اهل دردن | یعنی که چوق بلالره قیل مبتلا بنی
اولدقجه بن گزرده بلادن ارادوم | بن استرم بلای چون استر بلا بنی

گنده وگیجه حسن ایله زیاده نکار رنگ	گلده گیجه درد ایله خبر یانسنلایی
بن قانده و طارت اعتبار وجاه	قیل قابل سعادت فقر و فنا بنی
تمکینمی بای محبتده قیلمه سست	تا دوست طعن ایده و دشمن جفا بنی
ایله ضعیف ایله تنم قسنکده کیم	وصیفه ممکن اوله بتور رنگ صبا بنی
نسخرت قالوب نصیب فضولا کمی نگار	یا رب شفیعیدایله سلطق نکابی

بو مجنون کعبه دن بر جسعی دور دونشی الله بر حصابی دور

بر بر ایشندوب سوزین اتاسی	بیلدی که قبول اولور دعاسی
افزون اولورا اول غم ملامت	ممکن دکل اول غمدن سلامت
چون قیلدی فغان و ناله زار	اول غمدن ایسه کیدی ناچار
اول پرقالوب اراده حیران	مجنون دوتوبان ره بیابان
تنها سفر اختیار قیلدی	عزم سر کوی یار قیلدی
کوندوز کوزی یاشی هادی راه	کیجه یولی شمع شعلهٔ آه
کردره یاری یاد ایدردی	که اوتوره که دوره کیدردی
قدینه لباس وهم کوتاه	پرداغه ایرشدی یولده ناکاه
سفون کهر نه لعل کانی	تیغنده عتاب چرخ فانی
منعم صفتی لباس فاخر	جیب و بغلی دولو جواهر
دریا قیلوبن انکا تضرع	ایردی ذخیره سن توقع
صحرا ادیبن اونکا تفت	ایردی بعینتن تو لا
اول چشمه لر ایلیوب روانه	اولمیشدی اولاره آتا آنه

بو مجنون

تعظیم ایله قیلمش انی خوب یاد و | قربان ده که وجمال اوتاد

مجنون انکا ایلیوب تأسف | براو دولو سرو قیلدی تأسف

اولدقده سرو وایله نوساز | اندنک هم نشسته عکس اواز

صانمک که اوزیله هم نفسدر | دیدی که بکا رفیق بسدر

یوزنک که یار غار بولدم | کزدم بو جهانی یار بولدم

عشق اودی اونکا هم بسته ی دشمن | کی کوشه نشین پاک دامن

سوز جکرمنک اولدنک آکاه | احسنت احسنت بارک الله

بر عاشق مبتلا ایمشسن | دردو اهینه آشنا ایمشسن

سن سن بکا همدم و موافق | دغیله الور همیشه عاشق

پیدا اولیه کوکسنکا اورب داغ | در دیله کوزنک اخدوب یاش

تولدی سنکا پیرمت اوبسن | غم دامنه پای بند اولوبسن

قانیه دولیسه در سن رنک | نه کلدی سنک اوله بولاله زار رنک

باغنک کوزرم اولیسه در رو | نه سرو قدنک نه اولسه در بو

کل اغیه لوم بو ماجرا ایله | بردم توشلوم صدا صدا ایله

چون بردم انکله اغلدی زار | دردو دل زارین ایتدی اظهار

بو غزلی مجنون اتاسینه مقالات ویرکیدر

عزم ایلدی خاک کوی یاره | لیلینک ادی اولن دیاره

کوردی که براوجی دام قورمش | دامینه غزال لر یوزن اورمش

اول دام جفای چرخ غدار | برآهوی ایمیش کرفتار

بوینی بورلوا ایاغسی باغلو | شهلا کوزی قانلو جانی داغلو

احوالینه رحم قیلدی مجنون | باقدی انکا توکدی اشک جیحون

کونکلنه قاتی کلوب بو بیداد | یوشتق یوشتق دیدی که صیاد

رحم ایله بو شکسته غزاله | رحم ایتمزمی کسی بو حاله

صیاد بو ناتوانه قیمه | قیل چاره نکار رحم جانه قیمه

صیاد صاقین جفا یامندر | سن بیلمزسن که قانه قاندر

صیاد سنکا بغشله قانن | یامندر نه جفا اوده نه جانن

صیاد دیدی بودر معاشم | اکچم اپاغن کیدر نه باشم

قتنده بو صیدنک شمالم احوال | اطفال و عیالمه بو لوره حال

مجنون انکا ویردی جوه رفتن | پاک ایلدی بر کدانک ور خستن
اول طرفه غزالنک اجدی بندک | شاد ایلدی جان دردمندک
بوز اوروی اوزرینه یتدی فغان | کوز سوردی کوزینه اولدی کریان
کای بادیه گرد و باد آورده | نازک بدنیله نازپرورده
سن زینت هر گل زمینسن | گل کبی لطیف و نازنینسن
ای سبزه جویبار زحمت | رعنا سمن و بهار زحمت
تنها قومیه بن زبونی | اول گل بکا دشت رهنمونی
گر بر بچه کون بنمله همراه | نه آن دیوبن گل اتمه اکراه
یاشم کبی گتمه چشم تردن | کسمه ایاغن بو سرگذردن
اولسون بنیم قرارگاهنک | سنک مژه پهلوی پناهنک
پرچشمه چشم ایله منزل | سرسبزلکدن اولمه غافل
ای چشم نکار یادگاری | سنبل ایله بکا غمنکاری
قلدقده خیال چشم لیلی | سن ورتن خسته یه تسلی
اول چون بنزرتین اوتندی | آهو هم اوتکله انس دوتدی

انک سیپه هم چوق اهو — صحراده انکا دونمز خو
برسنزیه بیدی زار و مضطر — برد امده کوردی بر کبوتر
هر روزن دامی بنک درغم — بنک غم متوجه انکا هردم
مجنون انکا باقدی یاندی جانی — یاشی کمی جوشه کلدی قانی
صیادینه ایلدی تضرع — قورتر غمین ایلدی توقع
صیاد دیدی که بن فقیرم — فقره و بوچاره نک اسیرم
حاشا که بو مرغ تیز رفتار — ازاد اوله بن قالم کرفتار
کوردی قیس ان اول قیل — اندنک بونی صوکره بس بو اقبل
اول بی ایله غصه دنک شاد — اندنک بونی دام غمدنک ازاد
دارایی قولنده بر دُرتر — شفاف چو دیده کبوتر
ویردی دُری الدی اول اسیری — افتاده نک اولدی دستکیری
اینجه که ایاغین بیتدی کلکون — سوردی قدینه چشم پرخون
هردم انکا عرض ایدر ایدی — بنک نامه چاره ساز ایدردی
کی تیز بر لبنده پرواز — ارباب وفایه محرم راز

بو رنک ایله سن خیل ما سنک
اندوه ملامت ایله امنک

اظهار قیلور نشانه غم
کیم قیلدی کاسنی اسیر ماتم

کر عاشق ایسنک سن ای جفاکرد
قاچمه که بنم سنکله همدرد

بر لحظه بنمله همنشین اول
کنجینه رازمه امین اول

باشم تو کین بشیانه قیل کل
کوزیاشمی آب و دانه قیل کل

سن چقدیغک آتشن ای جامه
بندخی هم اینک نکارهامه

کور هجر زخنده مضطر ایم
بقام اینک کتور رجا ایم

بالله سر کوینه کیدنده
هر چند کتوربن طوفایه مده

یاد ایله بنی ثوابه کیر
بر طوف ثوابی بنکا ویر

قون خاک درینه سینه ونه
قیل دانه اوز نکاهبانه

انجه دیدی انکا هم غم دل
کیم قیلدی ای همیشه مایل

باشنده اولوب شب شبانی
کوندز اولور ایدی سایه باقی

دنبنده کوروب نشانه خیر
هم وحش مطیعی اولدی هم طیر

رام اولدی بهایم اول نکاره
بر فوج نیغلدی واره واره

اول زار ایدی کلک در شاهی
خیل ددو دام انکا سپاهی

وار توب کوکه دود شعله آه
اورزسایه سین ستمزدی همراه

ساقی ستم خمارم
مشتاق شراب خوشکوارم

بو لیلی احوالندنک بر خبر در و شوق احوالندن بر اثر

فتاده لیم کوریه همال
رحم ایت برایاغیله الم ال

اظهار قیلوب صفای مشرب
بو بزمی چوایدنک مرتب

مجنونه همین شراب دونمه
لیلی که اهلید ور اونتمه

بزم اهلینه نوبت ایله ویر جام
هم خاص رعایت ایله هم عام

دهقان فصیح فارس نژاد
بو کلشنه بیله بیتکدی بنیاد

کیم اول چمن وفا نهالی
داغ غم عشق لاله زاری

یعنی روش وفاده محکم
لیلی صدف جواهر غم

کیزلندی حصاره کنج تنها
اورتندی ایاغنه پنددن بند

بیزار اولوب آنه دن آته دن
بیکانه جمیع آشنادن

نه برفرحی نه بیر نشاطی
نه کیمسه ایله بر اختلاطی

یانیغه اولوردی خوبلر جمع / پروانه صفت حوالی شمع

شاد اولمغه خاطر حزینی / الکلنکه طبع تازه ینی

بنک طرفه طرب فجه فسانه / شیرین سوزایله چوب بهانه

ابرازایدی زمان زمان یاد / توربیله لحظه لحظه بنیاد

اول ترک قیلوب نشاط رخت / برعضو ینی ایلیوب جرخت

ابردی بهانه ایله ناله / دوشردی اولار روش خیاله

قیزلار قاشه ویرسه وسمه دن رنگ / جان کوز کوسینه صالوردی ازرنگ

قزلر یوزه قویه سیه دن خال / اول سیله چکردی رخت فی الحال

قزلرده خیال نقش زیب / اول نقش خیالیله شکیب

نه اینکنده نه ایلیکده بسیلی / رخساره توکردی اشک سیلی

قزلر قیلوب ارزدی زیور / کرشته چکردی کوهر

اولدراخی چکردی ایلیوب رنک / تاریده ینه کوهر شکت

مجنونه ان ایدی جنونی افزون / لیلی دینه دیردی مجنون

دوقز که کیدوب یاندن اول جمع / برکوشه اولتوردی شمع

شسو غم دل بیان ایدردی / سوز جکرین عیان ایدردی

کای دیده کسی یاغو یاغوی داغو / باشی قره لو ایاغی یاغلو

کل اولمنی هم نفس سن سنک / راز دل زار ایله روشنک

نه ورد سنی نزار ایدبرر / شفته روزکار ایدبرر

باشدن ایاغه ندور بویانق / دوددله دمبدم بویانق

نه جنس در اصلک ای کاش / کیم اب حیاتنک اولدی آتش

شرح دل کرم و چشم تر ویر / سر رشته راز دن خبر ویر

هرلحظه دوشرسن ضطرابه / هم آتشه غرق سن وهم آبه

بن سوخته دن هم اولمه غافل / بنده داخی وار بر غم دل

بن هم سنکا بنکزرم وفاده / بلکم نیچه مرتبه زیاده

سن کیجه همین یانرسن ای زار / بن کیجه وکندوزم کرفتار

سندن اثر هوا زیاندور / نسبت بکا رخت روانه دور

خود رسنکا سروبکی توکوب یش / مجلس اربخشنده ایلک کاش

کونکلنک جوکل وفاده قایم / کونکلنده کی دردلینده دایم

بن تاب عرصه بلا یم | محبوس خزانه هوا یم
اولسن اولور او لمز ایلا دمساز | باشیم کسلورسه سویلمن راز
دیر دم سنکا سویلیم غم دل | سنده داخی تاب یوخ نه حاصل
دوزخ جگرمنک بو شرح رازه | آهیم کتوررسنی گدازه
هر پاره بو دردی ایلدم فاش | اولمادی سنکا بریولده یولداش
صبر ایلدی بو درد و داغه | قالمدی دوشدی کشی اوداغه
شمعینک چو گوردی یوق زبانی | دام اورسنه یوق یانسده جانی

بولبلینک پروانه کشف رازیده رو بروانه کشرح ایتکه نیازیدر

پروانه کشف رازایدردی | عرض ایلرایدی نیازایدردی
کای طائر آشیانه عشق | سرگشته آب و دانه عشق
سن سن ره عشق ایچنده صادق | سن عاشق اما تمام عاشق
برکور که یاری جان ویررسن | بر ذوقه ایکی جهان ویررسن
خورشید رطب فناده حالنک | گویا که فناده در وصالنک
هرنیچه که شهره جهان سن | عشق ایچره بسه آه زمان سن

مشکل که بنم کمی اولوب زار | نیچه اوله سنده ذوق دیدار
سن سیر ده سن همیشه سرمست | بن دام بلا ده درده پابست
دوزخ سنکا دوست که همنشین دوست | هجران بنکا مرتقسل قرین دور
بر شعله یه سن نثار اید جان | دشوار غمنک قبولرسن آسان
بر جان ایلیستم چکوب غمیم | بنک جان ویرم غم ایچره هر دم
نیچه سنکا بن غمیم نهانی | کرد اریمنک قانی نشانی
قانی ستمنک بلایه دوزمنک | عشقه دیشو ایچجب یه دوزمنک
پروانه هم کورردی نقصان | بولمزدی آنکله درده درمان
یارم کیچه لرکه خشنه جوب | کوزلرچیمین قیلوردی سیراب
ظلمانه دوشردی نور پرتش | آرام بولوردی آفرینش
یوخوه کیدردی یار و اغیار | درواهی همین قالوردی بیدار
صحرایه چیقودی ایودن اولماه | کانیچه قیلوردی ناله و آه
فریاد ایدوب بلندپایه | رازدلنی خبردی آیه

لیلینک ایلیه مناظره قلدقیده در و خورشیدکمی شرق اودنه یاز قیده در

کاهی کاه قدمم کمی خمیده / کاهی براولن بشال دیده

که غائب ملیس و همدم تک / که ظاهر اولن بکا غم تک

شاهد درانکا بو انقلابنک / که عاشقی سن پر افتابنک

ای محنت عشقدن خبردار / کورشکری اکون نه محنتم وار

قیل شعله آهمه نظاره / کرداره بر رحمک ایله چاره

سیر ایله قضای هر دیاری / کز جمله دشت و کوهساری

کورقنده دراول نیم نپاهم / شاهم ماهم سیدکاهم

حال دلیم انکا عرض ایله / الله ایچه کوردنک ایله بویله

تا وقت سحر بوایدی حالی / تنوزیده نک اولمزایدی خالی

مرغ سحری چکنده آواز / ایردی برادرکه نوحه آواز

کای وای تو کندی مایه عمر / خورشیده ایرشدی مایه عمر

دمدر درد وصت اولمه سبدد / مشکل کورنه جان مقصود

بن اختر برج شیدا قم / بن شمع سراپرده فراقم

دمدر اوزانه بو خودن غبار / شرح غم و دردم اوله دشوار

کوندور جسم کچه بنجام تم / کوندور موم کچه حیاتم

اولمیش کونه دوم مطابق / کون کورمز امیش الالو عاشق

بو لیلینک صبایه پیغام ایتدیکیدر و دوغمه دردی

ایردی صبایه دردن اظهار / کای باد صبا و رایدی بار

این غافل ایکن بو ماجرادنک / سلطانه سلام بتورکدادنک

کوربوس عکساری کیمدور / بزدنک که اوصانی بار کیمدور

کونکلی کبینک ایله در تسلی / یادینه کورمی سیچ لیلی

اولدم که بن اول نکاری کوردنک / برتازه و نوبهاری کوردنک

حالاکه اسیر دام دردم / مانند خزان ضعیف و زردم

سیل ایله سن بن نظاره / دوندیه ارادنک نه چاره

برشاخ خزانم اولمیشم خوار / سن تازه بهارسن طلبکار

هرنجه که خوار و خاکسارم / هم شفقت اتکل اسید وارم

ترک ایتمه عواطف عمیمی / یاد ایله مودت قدیمی

شب تا سحر اول بت سمنبر / بیدارلق اوبمشال اختر

ایردی بو نورش ایله شیون — اولدم که الوردی روز روشن

نغمه کمی پرده دار الوردی — بر پرده یچهنده زار الوردی

دائم کیجوررری اول جکر سوز — اوقاتی بو رسم ایله شب و روز

پروسنه چکردی اول کل اندام — اندیشه صبح و محنت شام

بیان کلزاره کیدیب روضه دیه بیدکیه

برکون که بهار عالم ارای — ذوق ایله اولدی رحت افزا

ائینه دوردن کیدوب زنک — دوربند ی زمین اسمان رنک

فیض شب کیمیا اثر رنک — تاثیر نمایه سحر رنک

اجلدی حم نغمه ذنک تاب — شبنم کله ساجدی لولو اب

کلزاره هوا عبیر توکدی — صحرایه غبار رنک جکدی

یاغدردی سحاب ژاله اشین — اودوشیمه یاردی غنچه باشین

زحمیله ادروب شکوفه مرسم — بنبوق نهی رانکاره مادرم

سبزه کله ویرردی حال باجین — پر سبزه سی ملکک خراجین

خوش رنک ایله تقدیر تجمل — فیروزه ولعل وسبزه وکل

ترک ایلدی غنچه رمز ایهام — کل اودینه اچدی بنک معما

مفهومی رباعی وثنا صر — فیض اولدغی اولدی خلقه ظاهر

سوسن ورغن اچوب هوایه — هر سبزه یه کیم سالوردی سایه

اول سبزه اغریب آخین جو — فولاده دکوب ویرردی هر سو

آرایش سبزه ده زمانه — بنکزردی زمین آسمانه

خورشید چراغ شمع عالم — کوک دنک بره دوشدکنده برم

تحقیق ایدوبن چقوب کمدنک — پسنزردی زمین وآسمان رنک

کلزارلر اولدی عشرت آباد — هر پرده اولندی بزم بنیاد

هر کوشه ده هر کیم آکدی برکام — هر بقعده هر کیم اچدی بر جام

لیلینک اهتسی کوردی مطلق — یوق لیلی نه توانده رونق

میل کل وسبزه وقیماز — بنک غنچه حپلدی اول احیاز

صرف ایلدی شکوفه نکند درهم — جمع ایلدی نازنین ضمر

صحرایه چقردی اول نکاری — قبلدی کله عرض نوبهاری

اول برنجه پاک داماان — همراه الوب اولدیر خرامان

تا غصه وغمده نك اوله آزاد　　بردم كه اوبنه اوله شاد

یوزدنك كتوروب آب نقابن　　رفع ایدیر حجاب حجابن

هر كیم نه بیورسه لعب یا لهو　　اظهار ایلكوردی ایمیوب سهو

كاه ایلیوبن سرود ترساز　　جبره اولدیر ترسم اواز

كه كوستروب اونمغده حالت　　شمشاده بیتوررویر خجالت

لیكن هوس ایمزدی لیلی　　اولمزدی بولعب ولهوه میل

آرتورمیدی بهار رونك　　كل ذوقی رخ نكار ورونك

بهتردی فرغت اوله بردم　　تنهادوته بربوچاغده ماتم

ابرلیوب اول پری لقالر　　آرتوردی بلاسینه بلالر

چون ایلدی كثرت انی دلتنك　　بر رنك ایله ویردی انلاره رنك

كای سروار ایمك اقامت　　تا اوده چكلمیه ندامت

دورانك قیلالم طرف طرف كشت　　سیر ایلیولم حوالی دشت

سانجوب سپه نازبن اكثر　　جمع ایلیوم كوزل چیچكلر

چوق ویریكه هركیم اوله قادر　　اولدر بوكوزل اكچره نادر

هریانه كه كتدی پریروش　　داغلری شرر توتوشدی آتش

تنها قالوب ایتدی ناله زار　　قیلدی كوزن ابرویش كهربار

بولسینك ابره اظهار نیاز ایدوب ویانشرح راز ایدر

ابر ایله تكلم ایتدی آغاز　　كای اهل ایله همیشه همراز

كریاش ایله كوكه بیتورسن　　صانمه بن زاردنك بترسن

عرض ایله رعد وبرق وباران　　سجده تهمه نمه روز هجران

فریاد قیلوب دم سحرگاه　　افلاكه چكلمیده شعله آه

سیلاب سرشك ایدوبه جاری　　كل كوربن زار بیقراری

ای ابر كه سنده سوینك　　دریاره توكمه آب رنك

آل سوی بو چشم خونفشاندنك　　دریاره بسم باغشله اندنك

ای ابروی بیكا وفا قیل　　دوشیدی سكا حاجتم روا قیل

وار اول یوزی كل نكاره بندنك　　زار غله وسویه یاره بندنك

كای طرفه نكار نازه نیمم　　وی آرزوی دل حزینم

كل كوركه غمكده نچه زارم　　سن سیز نیچه زار وبیقرارم

جان یار بدن کتورمز اولدی / کوزرنک وجودی کورمز اولدی

کل کورکه نه در غمکده حالم / رنک و رخ زرد و دشک الم

جانم جانی کوزم چراغی / رحم ایله که کلدی رحم چاغی

بن چکمزدم بلای آتش عشق / بر دردلو ماجرا اتش عشق

دیردنک که بلا یولنده هردم / عشق اهلی سکانز یکدر دردم

صالدنک بن خسته نی بو حاله / درده نیه ایدیک حواله

هر درد که وار لیلی الدی / معلوم در سنکا نه قالدی

ای مرد رهم دیدب اورنک لاف / انصاف ایله ربو قانی انصاف

دوت کیم خس و خاره رکذارم / توپراغ یولنده کورکه خارم

خورشید جمالنک ای مه نو / توپراغه نوله براقه پرتو

باران وصالنک ای دُر ناب / قیلسن خس و خاری نوله سیراب

اولمه می غنف ایله خار نوش / هم صحبتنک ایله فراموش

ای یار موافق وفادار / ای بن سنکا سن بکا سزاوار

کل ایمه کسه آشنالغ / بخشش می الور بو بیوفالغ

دیرلر سنی عاشق ای نکوروی / عاشق لره چکلمی اولور خوی

هر کیم کرک اوز اشنده کامل / عاشق نه روا کیم اوله کاهل

عاشق لرنک اولمیوب قراری / طوف ایده مدام کوی یاری

دوشمز بو یره سنک کذارنک / وار اوله کر براوزکه یارنک

یارنک بن ایسم بکا نظر قیل / کاهی بو یانکا بر نظر قیل

کرسنده اولان فراغت ایمل / بردم بکا اول سبیله حاصل

کیسوی مسلسل کره کیم / بو نیمده کر اولمیدی زنجیر

ور نعمیدی بند خلخال / قید ایله ایاغمی نه وبال

عجب چکلمیدی آدم / بالله بو ایدی سنین مرادم

کیم سایه نشانی سنده ای نور / اولدی دیجه وجودم اولمیم دور

امانه دیم اسیر قیدم / بر بوینی ایاغی بغلو صیدم

سیلدر سنکا محنت و مالم / بو شعر تر بیان حالم

بو شعر لیلی دل خسته نکدر

عشق در سنه کرفتار اولی زار اولوم / نه بلا در سونکا چپله کرفتار اولوم

دیل دیکدن کن بجان حرکتدن وکیم — کنج غمخانه ده صورت دیوارالوبم

قدرتم یوق که قیلم کیمسه یه شرح غم دل — ایله کیم عارضه هجر ایله بیمارالوبم

حذرم طعنه دن اول غایته یتشدر کیم — یاره غیب رالوب اغیار ایله یارالوبم

دیسم واخی سنکا عاشقم ای کل زیرا — سنکا عاشقلغم اظهار ایده لی خارالوبم

عقل وصبر ودل ودین کتدی بحمد الله کیم — سفر ساحل دریا یه سبکبارالوبم

یوق فضولی خبرم مطلق اوزیندن وکیم — واله نقش نکار رخ دلدارالوبم

برلیلینک کنج غمده نکحیرانلغیده ومجنون حزین عشقدنک سرکردانلغیده

زار انکار ایکن بو ریسه اول ماه — بر طرفه بهانه اشتیدی ناکاه

بر کیمه اتوردی شو مجنون — بر بکنه عبارتنده مضمون

کای زشت عشقده کت اورن دم — مجنونی صاغنمه لیلیه نک کم

مجنون ایله لیلی در برابر — هر کیمه دیرسه قیل باور

لیلیده اکرچه دردچو قدور — مجنون هر بجه دردی یوقدر

لیلی ای ایکنه ده در انکار — مجنونه قیبجر انیز کار

لیلی چو دیر که کیله غم — مجنون غمی ارتورر دمادم

مجنونده در اول لاله عذره کرفتار — لیلی کیم اولمیش اوله غمخوار

مجنونه دیرسنکنجه تب — لیلی کیمه وردطب یا رب

مجنونده در اسیر دام لیلی — لیلی کیمه صالمش اوله میلی

لیلی دتوب اول ترانه کوش — اوز نغمه سین ایدی فراموش

تحقیق ایله بیلدی بو جوابی — کیم یوق سفرنده شعله تابی

البته بلای دردی کردون — مجنونه ویره مدر انذن افزون

لیلی ابن ملامه کرفتار اولدیغیده ودرد یارندن محروم قالغیده

معمار سراچه عبارت — بیله بوادی قیلور عمارت

کیم سیردن اولمیوب تسلی — اوز منزلنده دوندی لیلی

ورمندی اوزین نکار در لو زیور — هر زیوره بن نتیجه منظر

تا محو اوله کوزدنک اخذنک خون — هم کوکلکی هم دوندی کلکون

تا کیم اوله دودآهه مانند — باغلانمش ایدی نغمه سر بند

تا کیم اوله صورت ناله یامال — قولانمش ایدی صد الو خلخال

تا اولیه شکت یوزده معلوم — رخساره لو لو ایدی منظوم

رعنا باشنده سرو بن چیچکلر — نازک پیاله ساغر بن اتمکلر
پروانه سیر ایمزدی شمعن — ایردی در رشک جمعین
رعنالغله یرردی اول ماه — بر شکله کیم تبارک الله
اول عصرده وار ایدی عدیده — بر معتبر اهلده و نسبده
منظور اکابر و اعالی — مقبول اکابر و اهالی
اقبالی بلند و حسنی دلکش — اطواری خجسته سیرتی خوش
ویرمیش غنی اولنکدر اکیک — بخت ابن سلام قومش ادیک
اول طرفه همای اوج اقبال — کوه وه همه فارغ البال
او قصدینه ایلدی پرواز — التنده عقاب اللده شهباز
بر راه کذارده اول نکاره — اوقرشدی و قیلدی بر نظاره
جان و جکرنده قالمدی تاب — محو اولدی نیته کیم اوده سیماب
ترک ایتدی غرور نکاری — کلدی ایوه کتدی اختیاری
طرح ایتدی برای رسم پیوند — تدبیر ایله بولدی بر خردمند
کیم لطفله بو قلنده تحریر — تقریری ویرردی دشته تأثیر

انعام ایدوب انکا بسی مال — لیلی طلبنه قیلدی ارسال
شرط ایلدی اول بلند اختر — کیم اولسه بو کام دل میسر
صرف ایلیه کنج و مال عالم — جانانه بولینده بلکه جان هم
چون کلدی بو راز دل میانه — اولسه انکار رخی آنه آنه
اول مشتریه ویرلدی ظهره — شایسته کورلدی ماه مهره
چون ابن سلامه یتدی پیغام — تحریک نشاط و مژده کام
دریای نشاط کلدی موجه — باشن چکدی الالن بختی اوجه
مخزن مخزن جواهر اچدی — خرمن خرمن نثار ساچدی
آچدی در کنج و کوهر و زر — فقر اهلنی ایلدی توانکر

برنوفنک مجنون ایله عقد خصم طلبه رادن جوهر بیانکه [illegible]

ساقی یینه قصد جان ایدر غم — ویر جام لبالب و دمادم
پیکسن قالوبم بن سبکدری — سن ایلیه سن بکا مددوای
بن شیفته تنک پای اولنغل — پیکسن رسیده کاهی اولنغل
جدا ایله قیل بو ایشه بر عهد — در عهده هتسنک وفایه قیل جهد

شمشیر مبارز وفا نه | بر رزمده پهله بلندی قانه
کیم وار ایدی برخجسته فرجام | اول عصرده عادل نکو نام
تیغیله مصاف مشکل حل | معروف زمانه آدی نوفل
هم عشق یولنده چوق یوگورمش | هم چوق ستم زمانه گورمش
بر بزمده بشال در مکنون | بر گون اوخوردی شعر مجنون
نمایندهکندی طرز پاکین | مضمون کلام سوزناکین
صوردی صفتین دیر ایرا شاه | شفقت قیلوب دیر انی بر ماه
رسوالغ ایدب اوزرینه پیشه | دام و دد ایله گزر همیشه
نوفل قیلوب آرزوی مجنون | صحرا چیله قیلدی عزم هامون
بر گوشه ده گوردی خار و مهجور | حالی نسق عقل حدن دور
اطرافنی وحش و طیر المیش | وحشتلنی بر حصاره صالمش
چون دائره سباع هایل | قطع ایتدی سپه گورب سلاسل
مجنونه ایتدی اول وفادار | اتمام تلطف ایتدی اظهار
کای خسته زار بو جگرکنگ رنج | ویرانه ضایع ایتدیگک گنج

وحشی نه یه بوررسنک بقاننک | هم جنس ایکن ندنک ایسته که مننک
حال اهلی سن ایسته اهل حالی | صحبت اره دوشمه لاابالی
دولت دیله سن هما دکل ایسته | گنج ایسته سن اژدها دکل ایسته
غم چکمه گل اولنجه غمخوار | یاریک سنگا عنقریب اولور یار
گر اوله زر ایله ایش سرانجام | یوک یوک توکه لم زر اللیم کام
گر اوله غرض مصافه محتاج | بیرقان توکلیم سن ایله تاراج
انجق اوله گور یمله همدم | بن کیم سنک ایم سنکده اول هم

بو مجنون زفونه نصحی ویردکیدر

مجنون دیدی ای نکو عهد | تدبیرله چوق قیلور ایتدیر جهد
چوق اهل عزایم ایتدی تدبیر | اولمادی پری بو دیوه تسخیر
ذر اغزه توکلدی چوق زر | اولمادی بو کیمیا میسر
سرسه بیورم که ارقورر زور | نه فائده گور کیم اوله کر کور
اقباله بو قدر و اعتمادم | مشکل گوررور نصیب مرادم
اه ارقیله سن بو نشه اقدام | رانجه اوله بو ایش سرانجام

کیم یزده جنون علاجی یوقدور | دیوانه احتیاجی یوقدور
کج دورره ایلمه تفاخر | بدر یزده کچمزده کی دور
لا فیله قلیچه تک اوزن دم | کیم وار قلیچمز برم سم

بر نوفلک رزم ایله وکیله و لیلی خستیله دیلی اسیر اولدوغیدور

نوفل که ایشتدی اول جوابی | ترک ایلدی شاه و شرابی
چالدوردی نفیر چکدی رایت | جمع ایتدی سپاه بی نهایت
اول قوم ستم اولدیلر خبردار | جمع ایلدیلر سپاه خونخوار
رخ اولدی ایکی طرفدن آزرم | هنگامه رزمی قیلدیلر گرم
برصبح که قیلدی خسرو روم | شام اهلینه هندوقتی نرم
سیاره دمک ایتدی مهر کیوان | چالدی قلیچ و کتوردی قلقان
کوکل خنجری اولدی اشکاره | گردون زره سنی ایتدی پاره
شطرنج صف اولدی ایکی لشکر | بربر بینه دوردیلر برابر
کهنه نیزه قیلوردی جان ستانلق | که ناوک ایدردی خون فشانلق
اول نیزه لر ایدی قد نگاره | بو غمزه دلفریب یاره

ابروی زبان طعن شمشیر | احوال عدم وجوده تقریر
احوالینه خلق اغلیوب زار | چشم زره اولمشدی خونبار
گرز ایله اولوردی خورد هر سر | جوشنده استخوان و پیکر
رزم اولدی بلایی قتل بر میغ | رعد و برق و تفنگ ایله تیغ
گوستردی گراز گرز و پیکان | قلعه ده زره زره ده قلقان
مجنون اولار قریب نظاره | چکمشدی اوزینی بر کناره
دوریشدی علم مثال بی باک | بر عرصه ده مشرسار و غمناک
چکمشدی بولشکر ایچره رایت | اول لشکر ایچون دیلردی قربت
مولا ایله هامی دهری ایدردی | فتح اوله ره جستجو ایدردی
بو لشکر انکا معین و غمخوار | اول طالب فتح لشکر یار
گر اوزره سپهنده کورسه مقتول | شکر ایله که اولوردی مشغول
گر کورسه قتل قومه دلدار | دردیله قیلوردی ناله زار
سبزه کمی اوله گر لیمه | اوزلشکرینه اوردردی خنجر
بر کیمه دیردی که ای سیه روز | خصمی دیرمی کیمه فیروز

جان برقیور روز بولنده پامال — سن دشمن ایچون ویرسن اقبال

عقله بو ایش ایمز دلالت — ور عاقل سنک ندور بو حالت

مجنون دیدی بن فدای یارم — وصلینه انک امیدوارم

چون یار در کون قیس رزم — اول رزمه خلایق ایلیک عزم

چون دوست سپاهیدر ایدنک جنگ — دشمنده خوش دکلدر آهنگ

خوشدر که بولم وصاله فرصت — یارم طرفنه نک اوله نصرت

جانم اوله دوست دلپذیری — یا کشته سی اوله یا اسیری

بو سعر که دشمن نشاط اندم — اول سلسله ده اسیر بندم

شکل ایت اولمیشم گرفتار — غبارم یار یارم اغیار

گر قتله دوست چکه شمشیر — یوق بنده رضادنک اوزگه تدبیر

خوشنود دکلمیم بو حاله — کیم جان ویرم ویتم وصاله

کلدو کجه الوب زیاده آشوب — آزقالدی که نوفل اوله مغلوب

چون بیله جواب ایشتدی سائل — اول فضل وکماله اولدی قائل

القصه مبر اولمیوب کام — اول کون جدل اولدی صبح تا شام

چون اولدی عیان لطیفه شب — میدان سپهری دوندی کوکب

پایانه خلاص اولدی فرصت — جان المغه ورک ویردی مهلت

هر صف پراکنده دوندی منزل — هر پرینه قوندی بر مقابل

هدمرده رازن آچدی نوفل — کیم مشکل حالمی قیلنک حل

بن اشجع اهل روزکارم — خورشید سپهر کارزارم

یوق کیمسه ده تاب تیغ تیزم — اندیشه طاقت ستیزم

بورزمده بیلمزم ندر حال — کیم فتحمه نصرت ایر اقبال

بیلمندی که صاحب نظر دور — البته دعاسی معتبر دور

بیلدی که میسر اولمز اول کام — تا ترقیبور دعا سر انجام

چون امر دکلدی حکمه تقدیر — مشکل که اثر ویرایدی تدبیر

وهم ایتدی که منعکس اوله حال — رزمنده مبارک اولمیه فال

کرد ارنی گوردی مناسب — نذر ایتدی که کر الور سه غالب

ذکر ایده داخی لیلی ادین — ترک ایده بو امر ایچون مرادین

بو نوفل ایکنجی نوبت غالب اولدیغیدر

چون تیغ چکوب سپاه روم   شام اهلنی ایتدی امره محکوم
فتح اولدی سپاه ترکه منسوب   اولدی عربک سپاهی مغلوب
عاد نجه نه اول ایکی لشکر   رزم ایتمکی ایتدیلر مقرر
تیغ الدی الینه پهلوانلر   باش کسوب توکلدی قانلر
جان ایلدی ترک خانهٔ تن   جان چیغمه آچدی تیر روزن
باشلرده بلائی چون کورب عقل   پروازکه نقاسه ایلدی نقل
پیکان سوکک ایچره اولدی پیوند   کل شاخ خزنه غنچه مانند
القصه خلاف رسم اول   اعدایه ظفر اولدی نوفل
هم ایتدی قبول حکم طاعت   باشلندی تضرع و شکایت
لیلی نک اتاسی اچدی باشین   دولدردی کوزینه قانلو یاشین
عجز ایله دیدی که ای خداوند   شاهنشه عادل و خردمند
گر لیلی ایچوندر اضطرابن   اکرامیله ویرمزم جوابن
اماره رسم در بقدر   برعور نه عیب در اکی ار
لیلی چو چشمده نامزد در   عقد ایله تقید ایدر در

چون جنگ ایدر بو رسمی پامال   باری اتی غیره ویررسن آل
کلبرک مزی هوایه ویرمه   ناموسمزی فنایه ویرمه
نوفل دیدی ای کزین اشراف   یوق بنده خلاف عدل و انصاف
بن محض مروت و فایم   کنجینهٔ کوهر عطایم
پیدا او ستم دکل شعارم   عدل ایچره تمامدر عیارم
بن هم خجلم بو ماجرادن   عاجز لره قیلدو غم جفادن
حقا بو دکلدی عقتقادم   کیم حاصل ایدم بن اوز مرادم
کوردم کورنور بو امر مشکل   پیمار دکل علاجه قابل
بر سنه بوپا دیر دم   پرخسته ایچون شفا دیردم
پیدا ادون اولمیشم پشیمان   عفو ایده کر بو سهوی سبحان
کلمز کوزمه عیال و مالنک   مالنک سنک اولسون وعیالنک
وار ایدی بن سن اول خطر دنک   سن لیعه توهم ایتمه شرد نک
سوفی دیدی اچدی الف رزم   اوز مملکتینه ایلدی عزم
مجنون دره اعتراض ایدوب بذ   اول سروه که طعنه ایتدی آغاز

بیهوده وقولنک وقار رنک | عهد نه بو بیدی عتبار رنک
نه فائده سکه سیز درهم تنک | نه سود نتیجه سیز کرد تنک
شانک لوداروی نه حاصل | کیم فیض دنند اولدی زایل
هر نچه که یتسه بر مراعات | کیم ایلیه لوم مونکا مکافات
اندنک یکین ایده لوم سنکا یار | سان لشنکی کل ایتمه و شوار
مطلق اثر یتسه الکا تیشه | زنجیر بیرا قچن دور تیشه
افغان چکوب یتهدی خرقه سین چاک | صحراره دوشدی زار و غمناک

بو مجنون اوزرینک تقیید ایلدکه بر بلا ایله زنجیره گیردکیدر

بر گون سحر اول مجاور دشت | ایردی گروه وحش ایله گشت
بر پیری حزینی گوردی ناگاه | زنجیرلو بر اسیری همراه
مجنون تنک اسیره باقدی جانی | اول پیر حزینه صوردی آنی
بو بنجه اسیر در بیان ایت | جرمین بنی مجرمه عیان ایت
شهر دلن بندی پر روشن | کی سرو ریاض درد و گلشن
بن خسته بسته عالم | فقر ایله بسی شکسته حالم
بو همبن زار و دن بتر در | اواره و خوار و دربدر در
بر روزی ایچون اولوب فسون ساز | هردم قیلور اوز فنون آغاز
تا حاصل اوله معاش اطفال | پر شعبده در بو گوردگک حال
بو تقالوله قیلوبدر قهر ار | بن ایلیشم بونی گرفتار
صاحب دیتم بن دبو خونی | کوروجه معاش ایچون فسونی
تاکیم گزوب ایله گدالق | اوزینه قیله گوره کشتلق
هر نه قزانور گزنده ایو | تقسیم ایده روزار اده جو جو

قسمده هم تمنوز قراری | بن یاریم دبو شخص یاری
مجنون دیدی سهو ایدوب سن ای پیر | دیوانه در کرک بو زنجیر
گل حاجتی بسم روا قیل | بند ایله بنی سونی رها قیل
سالک نک اولم سنکله هم سیر | بن اهل کرمدن ایتیوم خیر
هر نه قبول رسه بیش و یا کم | وارن سنکا ایلدم مسلم

قصدم بو که ایلیم بن زار — ایردن ایوه سیری شتری وار

شاید که اوله برایوده حکمن — اول زهره یه اولسم مقارن

پر اولدی سبب نفع ایدی شاد — اول کی اسیری ایتدی ازاد

زنجیره گیردی رسیده مجنون — ارباب جنونه ویردی قانون

او سلسله اولوب بسم اواز — اغلدی که ای خجسته همراز

بو مجنونک زنجیر کشف راز ایدور

سن گنج بلایه اژدهاسن — سررشتهٔ محنت و بلاسن

شرح غمه وار بیک دهانک — ترندکچه جو غرفه تنک

باشدنک ایاغه دلوک سن — کونکلنده کی رازنک ایتدی روشن

ای منتظر نظاره یار — نظاره یاره بیک کوزنک وار

کرنک هر سیر خانه خانه — اول پرایه اولدیلر روانه

توفیق اولوب انکله همراه — لیلی حشمی کوردی ناگاه

مجنون رسنی النده اول پر — ایو ایو حشمی کزردی پر پر

لیلی اوینه ایرشدی نوبت — اول خسته یه غالب اولدی غربت

سرگشتهٔ عالم اولدی پایت — بیچاره اوکنده دوشدی ترت

چون چکدی پرخته بار سیز آه — لیلی ایوینچه اولدی آکاه

پر امیله قیلدی خیمه سین چاک — منظورنه آچدی چشم غمناک

کوردی که کورونمز اولمش اول یار — اولمش غم ایله ضعیف و بیمار

قاشی کمی قامتی بوکولمش — یاشی کمی پیکری توکلمش

چشمی غم بحنده قان تشبیهی — دریک نظری غم بدیهی

دیدار ایله اول شاه لطافت — مهمانینه ایلدی ضیافت

راز دل زارن ایتدی فاش — بو شعری بدیهه ایتدی انشا

غزل

یار رحم ایتدی کر ناله و افغانمزه — که قدم باصدی بو کون کلبهٔ احزانمزه

اشک بارانی کر قیلدی اثر کیم که — بندی بر شاخ گل تازه گلستانمزه

یره آه آتشنک یاندیغن ایدن جلوه رو — که چراغ ایلدی روشن شب هجرانمزه

بو وصاله بو تو احوالی دیک حکم ایدی — اگر اولسیدی بو قوت دیدهٔ گریانمزه

یار مهمانمز اولدی کلک ای جان کرکلی — قیلهلم صرف نه وار ایسه مهمانمزه

دلبرنک جانی ایتش قصدی قضونکا کیم | جان ویروب دلبره تنقیتم چاره

مجنوننک لیلیه اظهار نیازیدر

مجنونکه اول نظاره قیلدی | رازو دلن آشکاره قیلدی

جسکدی فلکه فغان واهی | سلطاننک اولیدی دادخواهی

کای قدرتبه پادشاهم | بیلدرنبکا کیم ندورکناهم

فرمانه مخالفت می قیلدم | اعدایه موافقت می قیلدم

بدخواهلرنیک سیه ربوتمه پیر | غمازلرنیک سیه ربوتزویر

بن معتقدم بو آستانه | ایل طعنی نی یتوردی جانه

کیمدور اوله سنکا بو حیله | کیم اولدی اوله بونکا وسیله

تا خاکدرنک اولمیشم دور | شفقته وخسته حال رنجور

کاهی چکرم شکنجه وغم | کاهی الورم بلایه همدم

سن خود کوزلم غمیم نه رسن | اول شیفته خانه در دیرسن

سندن بوتغافلنک عجب دور | کویا که نه غضب دور

بن بیله بچون زبون وخارم | رنجورم اکر کناه کارم

چونکه دم بره کردنده زنجیر | بسم الله کر اورسه تغییر

فرمان سندن قبول سندن | اولمه کوزه لیم ملول سندن

زلف وطره خنجر ورسن بس | حکمنکی یرث هم آسن وهم کس

گل آراوه سن غبار قویمه	اولدور بنی تیر بار قویمه
تقدیره ایتمک تعلل	لازم بنی اولدورور تغافل
ای لاله عذار و عنبرین موی	گنجینهٔ جمال و مار گیسوی
تا زلفکا اولمیشم گرفتار	زنجیر جنونه رغبتم وار
قم سلسلهٔ سینه‌یی بندم	دیوانه احجره سربندم

سودایه دوتوب زبان دسودم	بو نسنه بو شعر و سر و دوم

غزل بزبان مجنون گوید

کهر دو زلفنک حالمی رخنه رایجانمزه	کافر اغیار بزم احوال پریشانمزه
سنی گورنک تحذر گوز نوریکه آنکه	سنکا باقد قده دولر دیده گریانمزه
جوری چوق ایله کیم اولمیه که ترکنه	آزایه دوب جوری جفا ایله بس قالمزه
اگوک اولمز غمز ونجه که بزدن الیمن	هر گلن غم کیدرث دکوب بانمزه
وار هر حلقه زنجیر مزنک براغزی	متریص قیلمنف تا غم پنهانمزه
غمی ایامی فضولی بزه پیدا دیکله	کلمتوز عجز ایله داد ایتکه سلطانمزه

مجنون کدانغ بهانه سیله دلدار زنک جمالنک گورد کیدر

هر لحظه قیلوب بو رسمه بنیاد	سلطانی ضمیر عشقیدن داد
زنجیرینی ایستدی پاره پاره	دوتدی کنه خلقدن کناره
اندامی شکسته چشمی نمناک	رسوا و خراب و مست و بیباک
اردنجه قونون قونون اوشاغلر	احوالینه کیم گورر کیم اغلر

دیده ئنه و مجنون بنله لیلی یه برسنه ایرشد کیدر

بركون داخی اول بهانه پرداز	براوزكه بهانه قيلدی آغاز
باغلدی ايكی كوزن كه كورم	احوال جهانه بی شعورم
عرض ايدی ضعف بی‌قوائق	ايوايوكزوب ايدی گدالق
تقريله عزم يار قيلدی	ليلی اوينه گذار قيلدی
اول دوستنه ظاهر ايدی راز	يا دوست ديوب يتوردی آواز
ليلی كه ايشتدی اول صدانی	بيلدی ايشكنده كی گدانی
ايو دكمك چيقوب ايتدی عرض ايثار	قيلدی صدقه زكوة ديدار
پنهانی باخوب اول قفا به	مجنون ينه كلدی بو عتابه
كای خال سياهی كوز قرادی	جان آرزوسی كوكل مرادی
كر باقميه كوزم روا دور	هر چشمه بكا بلا دور
بند اليمم اوكن دادم	سن بركيمه سن تمام عالم
كوزكيم سنی ايليوب نظاره	ربو قيلور ايل بروز كاره
تحقيق ايدوبن كه دشمنندر	بن قيدم الكا رضا سكدر
دركاهنكا باغلدم كوكل دم	هش اوزره اياغنكا يتوردم

دركاهنكا كلدی كدی ای حور	سرمايه ايدی كوزمده كی نور
ای غمزه ولعل شهد وشمشير	خواه عفو ايله خواه ايله تقدير
اوكرتدی بنكا غمنك تجارت	يوز شكر كه قيلمادم خسارت

کوزنوری خاک پایه ویردم	آز جسمی چوق بهایه ویردم
شاهم نظرایت بن گدایه	پیکانه تیغ اجمه آشنایه
جان باغچه غم نهالی تیکدنک	تن ملکینه درد تخمی اکدنک
اول تخم نهال درد حاصل	اولدی غم رشک وشورش دل
کل ملکنکا غمنکا گذر قیل	محصول شنافه نظر قیل
سوفی دیوب اول غریب حیران	دوتدی ره بادیه پریشان

بر ابن سلامنک لیلی وصلینک تکیدر

ساقی پره رحت روان ویر	جانسزلره همت ایله جان ویر
قیل ستیزی لامی سنافذنک	اول خوش وخرم ایله جانک
صور کیم بجه در شباب عالم	انجام فرح نهایت غم
دنیا ایشی عتبار سیز دور	چرخک روشی قرارسیز دور
چوق کیمه بو گنج ایچون جگر رنج	غیر نه کیم نصیب اولور گنج
کوران که هر نهال سرکش	سوز دل حرفن ایدر آتش
تقدیر در اصل امر مسوب	خوش شدور بو که طالب اوله مطلوب

چون ابن سلام بیلدی حالی	بیدان مرادی کوردی خالی
جمع ایتدی اکابرین دیارنک	اعیاننی اهل روزگارنک
کوندردی نکار ایچون لیبی ال	شرط ایتدکین شیربها جهه ارسال
بن جاریه وغلام زیبا	پیرایه‌لری جواهر و زیب
بیک زرین نعل رخش تازی	مصری و عراق و حجازی
بیک نافه نبات وقند یوکلو	نسرین ودر و بنفشه تر کلو
بیک طبله عبیر و عنبر و مشک	یوز بیوک گوهر تر و زر خشک
اسباب نکاح الوب روانه	کامینی گسلدی نقد جانه
لیلی بو خبر دنک اولدی آگاه	گیم بولدی بهار ینه خزان راه
امید گوزینه توکدی توپراق	مقصود نهالی توکدی یاپراق
عکس غرض اولدی صورت حال	ادباره مبدل اولدی اقبال
گل بستر ایکن صاشندی خاره	نور بصر ایکن توتوشدی تیره
افغان ایله ماتم ایتدی صوری	ماتمکده محفل سروری
شانه سپردی زلف و خالین	ارتو زمعه زیب ایله جمالین

اول عجب ایتدی دمادم | خالی گبی ایتدی زلفنی هم
اکمزدی هلالی وسمه قاشی | گوزدن گیدرردی سرمه ياشی
گیسوسی چکردی شانه دک سر | بر مار ایدی کردنده گوهر
کوزگویه کدورت ایتدی آهی | ظلمات خطی ایستمزدی ماهی
پابوسنه بولمدی حنا دست | قیلمزدی نقاره‌نک ادین پست
انکلیکا رخی اورردی آتش | بوی خوش انکا گلوردی ناخوش
طعنه کمند ایتمیوب پاک | گل گبی قیلوردی گیدوکین چاک
هر لحظه قیلوردی آه و فریاد | دیردی که الکدن ای فلک داد
سندن بو ایدی بنم مرادم | دوران ایله بغلو عشقه دم
وصلین توقع ایتسه وکم یار | باشد بود گل بالکلّه زنهار
او نقش صحیفهٔ وفادور | بو طرهٔ جریدهٔ قفادور
اول غرقهٔ بحر ذوق جاندر | بو محو تنعم جهاندر
اول خیر رلبنه راه بردور | بو باشده دیکی طریق شردور
جانانه سی ایچون اول ویرر جان | او جانی ایچون دیر بو جانان

بنک انکا اَم اول بنم ازلدنک | سا خلیه بو علاقه خللدنک
ایچسرخ بو عقد اولنده محکم | پس گیم یوخ ایدن اراده سن هم
گل ترک تغلب و ستم قیل | تنکری‌یی آرزاده کور کرم قیل
ویرسه قویه ضعیف مالنک | دو شمنزه دوستر حلالنک
مجنونی جانه گمیدنک کم | پر هر دره بلادر اول هم
مجنونه تویید ورآد لیلی | ایدرسنی آدیله تسلی
سن کام دل ایسته بن بلایم | سن گنج دیله بن اژدهایم
ای ابن سلام بی سر انجام | چلسن سنکا کر ایده دور ایام
اما دیرم ایشنک خطادر | نسبت بکا غایت عطادر
قورتربی اتادنک انادنک | برغم یک اولور ایچی بلادنک
ور دیده قیلوردی ناله و آه | اسباب تجلدنک اکراه
دورانه نک ایدوب فغان و فریاد | بو شعری اوقوردی اول پریزاد

بر وصف حال لیلی در

خلاف ایکه ای فلک مدار ایتدنک | بن گل ایسترایکن بتلای خار ایتدنک

مدار عمره ده پرو ونده نکه مرادم ایله | و و ینه ده دوزنه بکا ظلم تمکی شعار ایتدنک

اما تنده مدور بسلم مرادم کیمی | عزیز عالم ایکن خار و کم بهار ایتدنک

امید وار ایدیم اول که پرتو شاه کرم | بنا محکمی تشیندی استوار ایتدنک

جفا ایله قیلوب چاک پرده حرم | نهان اولنک غمی خلقه آشکار ایتدنک

وفاده بولمکه جان ویرمنک بنکا | نبی بو عهده وفا سنده شرمسار ایتدنک

براورکه نی بنکا یار ایتمکده سن کوها | منی یار اولنی اوز که ایله یار ایتدنک

مکر بیلمدی فضولی سنکا فلک حالی | که وار ایرمنک بو جهانده یوق قرار ایتدنک

تمام سخن از جانب لیلی گوید

اول نوع کورنه ضطرابنک | تزیین و جلادکت جتسنابنک

ابرل ابدی کان که اول یار | پر اوزکه بلا به در کرفتار

قیلمشدر اول افتابی مضطر | هجر پدر و فراق مادر

دیرلردی حقیقت درای سن بو | دوتمشدنک آنک لرایله سن خو

حالا که اولار دونک ابرلوسن | غربت ستم الده غن بیلورسن

افغانکا هیچ منع یوقدور | سنک کبی یانک فراقه چوقدور

اما بر ایمش چو خلقه عادت | سن هم جزع ایله زیاده دت

قیزدایم اتا ایونده قالمز / پیوسته اتا به مهر سالمز

لازم می غفلت ایلیوب نوازش / ایرسن اتانک اتانک نوازش

لیلی بو سوزه قیلوردی اقرار / دیرردی پر اوزکه خواهشم وار

کورمزدی اوزینه اونی لایق / کیم طعنه ایده بنکا خلایق

قیز هر نچه اوله یاره طالب / البته کرک حیاسی غالب

ایل طعنه سنی ایله خواه ناخواه / تکلیفه دونوب بزندی اول ماه

پراولدی چو بنک اهل ابرام / عصیان بنه اولمز ایش سرانجام

اول زینت زیب زیب زینت / پر تکلیله ویردی زیب صورت

کیم انی کورنده ویردی کردون / انصاف کمال صبر مجنون

برایسز اولمه ایدی آفت / پرایه ذکت ارتوروب لطافت

پرحه ده ایرشدی افتابی / کیم اولدی نقابی حسن تابی

چون دوندی عروس خورشام / تمکین ایله خوشتنده آرام

ظلماتی شب به اولدی غالب / یاندوردی مشاعل کواکب

انجم کبی اولوب شب افروز / قیلدی شب تاری غیرت روز

کلچهره صنملر اولدیلر جمع / هر بر صنمک الینده بر شمع

رسم طرب ایتدیلر مرتب / پستن بوزنک کلرخ شکرلب

بر غنچه دهن ماه پاره / کل کبی سپردی ره گذاره

بر ماه لقا اولوب غناساز / قوشمزدی صدای سازه آواز

بر نرکس الینده کردورب جام / احبابه ویرردی جام گلفام

بر کل تبسی اوزره بر طبقلر / اولمیشدی نثار انجمن فر

بر تخت روان چکنده لیلی / نه شوکته نه شکوهه میلی

سرکشته و مضطرب کیدردی / هر لحظه فغان و آه ایدردی

اندیشه ذوق عیشنک پاک / سیل انچره ساعت کیدردی خاشاک

چون یتیدی حرم سرایه اول ماه / داخلدی اولنک قرینی و همراه

کل خرقی اولدی صحن کلزار / دور اولدی بساطنک خس و خار

بخت ابن سلامی قیلدی آگاه / کیم اولدی مسکا سلم اول ماه

اول طالب گوهر یگانه / گوهر موسیقه کیردی کانه

نه کوردی نقاب چکنده پر حور / کورزدنک رخ دل فروزی مستور

کرم اولدی مجنونک مذاقی / تیز ایدی وصاله اشتیاقی

ال اوردی که اچه اول نقابی / رفع ایلیدی اورتادنک حجابی

لیلی دیدی کای حریف قابل / سن سن سر و سرور قبایل

اوصافنک ایشتدم زیاده / کلی سن اوبده و حیاده

معلوم ایدوم که قاف تا قاف / انصافکا ایل ویریر انصاف

بن کیم دکلم غمنی حقیرم / جهان و سیم سنکا اسیرم

فهم ایلمک اتمه بن حقیره / اظهار ترحم ایت اسیره

کورجان و تنمده اضطرابم / صور حال دلم ایشت جوابم

بن غصه کیده دکم زمانلر / ضبط سبق ایتده کم زمانلر

پرستش سنکا کوروندی ناکاه / اولدم پری اولدوغندنک اکاه

جنی ز چشمده پریزاد / الف بغصه دوندی فریاد

هر لحظه سنکا دوروب برابر / وبر کیم نی ادم اتمه تز هر

بو رقه قیلورم و سنده قانی / پرضربله هم سنی هم انی

چوق کز قلندی اولدی تدبیر / بوینمدنک انمدی بو زنجیر

رفع اولمادی بو بلایه هرکز / هسم آنه هم آنه اولدی عاجز

چون چکلدی کیمسه چاره کار / بندن آنه آنه اولدی بیزار

نوزت قیلور اولدی یار و یولدش / شیدالغم اولدی عالمه فاش

سن هم که بزم دیاره یتدنک / البته بو قصه نی ایشتدنک

حالا که سنکله دوشدی بازار / اولدنک در عقده یه خریدار

قارشومده هم اول پری دوربدر / غیرتدن قیجه اول اروبدر

ترک ایت که بو دوش ترک جاندر / هم اوزنکا هم سنکا زیاندر

بر نیچه زمان تحمل ایله / درمانی نی بسته توکل ایله

اوله که میسر اوله مقصود / سنده نک اچه بو باب بسته دور

قطع ایله زبان طعن دشمن / هم سن بنه سن مراده هم بن

اول ساده ضمیر اونکا اینانمدی / حتی خبرین صحیح صاندی

وهم ایتدی که اوله پاره وصل / نقصان اوله جان و جاه و اهل

جانانه یولنده عز و جاهی / اول نا قضنک اولدی سدراهی

پر رسم قدیمه رجا نده / سور یستنک یسمونک زیاده

کنج بستین اژدها بر دوزنک	جهان ومین جفا به دوزنک

اول انی امتحان ایدر یار	عشق اهل محبت اسنه زنهار

گسر ننک ایدر تمام جبرین	گر کورسه ننک جفا به جبرین
صالمز اوننکا سایه وصالنک	ور کورسه جور هجرانلنک
اول وصله روزی ایتمدی هجران	جون ابن سلام زیم نقصان
هرگز انکا قیلمدی نظاره	میل ایتمدی مطلق اول نکاره
دردینه دوا صورردی ایم	نه پر علاجه دورردی قایم
دیوانه قیلوردی تدبیر	هر قانده کورردی اهل تسخیر

زید نکه مجنونه پند گیدور و لیلینک ابن کلامه یوزلنکیدور

پر طرز ابله قیلیدی قصه پرداز	صاحب خبر وفسانه پرداز
زید آدلو وفای عهده قادر	کیم وار ایدی بر ندیم و نادر
معروف ایدی حسن وجمال	مشهور ایدی فضل وکمال
کورمشدی حالتنک بالسین	چکمشدی مجنین جفاسین
ایلردی همیشه میل مجنون	اول عاشق مستمند محزون
استادینه کوسترردی شفقن	سوبردی انکا کمال عشقنک
تحقیقیله اولدی چون خبردار	لیلی ابوه کیده وکننه نک اول ار

مجنونه اوزین یتوردی فی الحال … رنک رخ زردی اشکدنک آل

طولمیش کوزی بکری پوزلمیش … نقشنده تکلمی دوتولمیش

مجنون دیدی ای وفالو یارم … غم مرحله سنده غمکسارم

عادتجه کوروبمز اخشام طکنک … هرکونکیه بنکزمز نت طکنک

تولدی سنکا بهله زار الوب سن … بی طاقت و بی قرار الوب سن

عقربده ایدی مکر بوکون ماه … کاتبدنک بو ینکا عزیمت راه

قاذنک بوکدورت اولدی حاصل … بولدنک سبب ملالت دل

زید اول خس خشکه اوردی آتش … سوزیله دیدی که ای بلاکش

دون خنجر بختنکا اولدی تیره … دوران ستم ایتدی سن فقیره

یارابن سلا نه روزی اولدی … روز سنکا دردوسوزی اولدی

یاراوزکیه اولدی شمع محفل … قالدی سنکا تاب آتش دل

اغیار ایله اولدی یار لیلی … وار ایدی سن انذنک اول قبلی

ضایع سننک اول فغان و انکت … سوز شب و آه صبحکاهنک

مجنون که خبردنک اولدی آکاه … کردونه یتوردی شعلهٔ آه

وحشیر ایچینده اول کرفتار … بنک دردیله قیلدی ناله زار

افغانه کتوردی مار و موری … اغلاندی دوحوشی و طیوری

خامه کبی یاش توکوب دمادم … نامه کبی قاشنین قیلوب خم

یازدی اکوین الینه خامه … دلدارینه پرعتاب نامه

مجنوننک لیلییه نازوعتاب انکیز و پیغام شکایت آمیزی

دیباجهٔ نامه نام معبود … قیوم و قدیم و حی موجود

اول پرده کش حجاب اسرار … کیم عالمی برقدن ایبن وار

گون گوزگوسین ابین مجلس — ودن طرب سین ابین مطرب

جون پنجه حد تحسین ایکدی — دردلنی پاره چکدی

شکایت مجنون

کیم بو تحمل بنا دکمت — سرگشته زار و مبتلا دنگ

بو نامه که محض درد و غمدر — اظهار شکایت و ستمدر

اول دلبره کیم وفاسی یوقدر — عاشقلرینه جفاسی چوقدر

ای عهدی وفاسی اولمین یار — اغیار ایله گل اولن بنکا خار

نولدی سنکا نقض عهد قیلدکمت — سند رسوه عهدی جهد قیلدنک

تنها لمه کوزرمدنک تاب — کیم ایلدنک آرزوی هم خواب

تار اولدیمی اولدیغنک نشیمن — کیم ایلدنک انده شمع روشن

انجدمی دردل مزاجنک — کیم اولدی طبیبه حسیا جنک

یژمرده می اولدی سرو دلجو — کیم جهد ایله ویرمک ایستدنک سو

بدخواه می ایتدی قصد گلزار — کیم سیله اولوردی رخنه خار

نه بیم ایله حفظ گوهر ایتدنک — کیم بسته عقد گوهر ایتدنک

موجب نه ایدی بنی اونوتمنک — ترکیم قیلوب اوزگه یار دوتمنک

هرلحظه اولوب گواه حالم — خاک درنکا سرشک آلم

سطلوب کذر ایتزمی اولدنک — بندنک حضر ایلرمی اولدنک

ایا نه ایدی بو بیوفالغ — بیکانه لر ایله آشنالغ

چکلدنک تازه یار کی کناره — رخصت بیده ورتهدی آشکاره

بندن ایدی محنت و ملالنک — خوش اولدی اوله انکله حالنک

بن عهد و وفا یه الدانوردم — عهدکده وفا اوله صانوردم

بیلمزدم اوله ضعیف رایتک — نقصانی اوله تمام نهنک

گفتارنک اوله نه بیله دایم — گوکلنک اوله اوزگه ایله قایم

ظاهرده نه بیله اولدنس یار — باطنده دوشمن اوزگه دلدار

سندنک بن اولم جهانده بدنام — پرنام و نشانی عشق آنکله کام

معذورسن ای نگار معذور — بو دور ایله در زمانه مشهور

گل غنچه لغنده خار ایلندر — اوچنده پر اوزگه یار ایلندر

صلنده تیکن جگر عذابن — فصلنده حکیم الور گلابن

ای آرزوی دل فکارم — قهری چوق و مهری آز نگارم

ای آدی اولن وفاده مذکور — جسمم‌ده کی جان گوزمدکی نور

سودای دماغمنک علاجی — بازار جنونمنک رواجی

سن مهر و جمال دبه جبین سن — غایتده لطیف و نازنین سن

بن خار مزاج و خاک خویم — بس تند زبان و هرزه گویم

سن چال دلیله ایموب عار — دیرسن که سنکا نه نسبتم وار

بن هم سنکا سویرم موافق — کیم بن سنکا سن بکا نه لایق

بن خود الوبم خیاله قانع — سنک لایقنک ایسه تسن مانع

اما سنه نیدنک اوزکه چو قدر — کیم بزره سیزدن اوزکه یوقدر

گوردکده بن ایلین وفانی — بیلدکده سن ایلین جفانی

کیمنک ایشنی خطا دیرلر — ایاکمی پوفا دیرلر

بختی سیه ایمنک بیان آد — کیم اتمیه کیمه خبر ایله یاد

سن گرچه دو تورب خلاف عادت — بر اوزگیه باغلدنک ارادت

چو قدر سنکا بنم کبی جگر خون — هر کیمه که باقدنک اولدی مجنون

بن هم

بن هم کیمه ویریم سلامی — سندن چکیم بو انتقامی

دوتمق دیرم سنک کبی یار — اما عجبا سنک کبی وار

پیوندنکی غیر ایله اشتیدم — بالله که بسی تعجب ایتدم

ای چشمهٔ آب زندگانی — سن جانم ایچنده سن نهانی

بر لحظه گوزمدنک اولمدنک دور — وصلنک نیجه اولدی غیره مقدور

گر ابن سلام غرق لیلی — بر وجه ایله ایلمیش تسلی

لیلیدن اولان خیالی گورمش — اوز واهمه سیله عیش سورمش

لیلی دیه نیک انکا قرینه دور — کیم انکا خیالی همنشیندور

مجنون ونک ایدرمی اولجه الغ — کیم غیره ایله ایده اشتنالغ

ای گوهر تاج و تاج تارک — مقصود نکاینده وکنک مبارک

اصحاب نغوب طرب قیلوب شاد — بو خیر ایشی ایلینده بنی یاد

چوخ ذوقیله چکدم انتظاری — کیم یاد ایده سن بن فکاری

سن خود دیدنک که بر قولیم وار — بو نیکده طریق ایله یولم وار

گر صادقنک ایسه که بی حضورم — شایسته نشدت و سرورم

شرط ایدی سنکا هم ایتمک اعلام
تا بن هم المم بو یزدن کام

الحمد المده کل وار
جان کمی المده قدر قیمت وار

هم شرط ایدی عذر قیلمق آل
ایتمک بنی بر سوز ایله خوشحال

نه چاره ایدب نه ایله ای کل
بخشیده ور ایتمک تغافل

ای جانم ایچنده جانه دشمن
هر نچه که دشمنم سنکا بن

آئین قدیمنکی اونتمه
بنک یار دکل اوزکه یار دوتمه

غیر ایله اولنمه شاد و خرم
تغیره دخیل بزی هم

کورانی بزی کستور ضمیره
نقش ایت بو مربی حریره

مربع ترکیب

غیر ایله هر دم نه سیر گلستان ایتدوکنگ
بزم ایدوب خلوت قیوب لطف احسان ایتدوکنگ

عهد و پیمانی مروت شرطنی ویران ایتدوکنگ
خانی ای ظالم بزیله عهد و پیمان ایتدوکنگ

لحظه لحظه مدعی پندینی در گوش ایلدوکنگ
قانه قانه غیر جامن ذوقیله نوش ایلدوکنگ

وار واره عهد و پیمانی فراموش ایلدوکنگ
خانی ای ظالم بزیله عهد و پیمان ایتدوکنگ

غیره صالدنک مهرکی بزدن جدا دوندک قفا
ترک مهر ایتدنک طریق ظلم دوتدنک قفا

عهد و پیماننکه ایتمشدنک اونوتدنک عاقبت
خانی ای ظالم بزیله عهد و پیمان ایتدوکنگ

جرممز نولدی که بزدن ایلدنک پرهیز آنی
بزغنک چکدک سن ایتمدنک اوزکه غمخوارلنی

سیزده عادت بر سیدیله اولمش ایدی
خانی ای ظالم بزیله عهد و پیمان ایتدوکنگ

چرخ تک بد مهرلق رسمنی بنیاد ایلدنک
بخششی ادنک وار ایکن دوننه یکسان ایلدنک

دونه دونه بزی غمگین اوزکه‌نی شاد ایلدنک
خانی ای ظالم بزیله عهد و پیمان ایتدوکنگ

کونکلمز بن بعد زلفنک تک پریشان اولسون
بغرمز لعلینک کبی قان ایله دولوقان اولسون

بو قاسن چشمم یادنکله کریان اولسون
خانی ای ظالم بزیله عهدکدن ایتدوکنگ

وعده وصلیله الدنک صبرمز آرامز
اولماوی بر کون وصالکدنک میسر کاممز

کیجدی هجر ایله حضور لیسدن بتر ایامز
خانی ای ظالم بزیله عهدکدن ایتدوکنگ

تمام سخن کوید از زبان مجنون

تسلیم اولندی زید نامه
یا یانه چو یتدی سسی خامه

مکتوبله زید الوب سبک پر
غم ایلدی ایله کیم کبوتر

چون یتدی نکار اولن دیاره
گر ایله وصاله قیلدی چاره

افسون ایله اوردی سحردن دم
تا این سلامه اولدی همدم

لیلینک یازدی وصف حالنک — کیفیت محنت و ملالنک

دیدی بیلورم ندور دواسی — اوشن یازیو بنده درد خاصی

تعلیندی آنک بوزینه اخلاص — خلوتکه قربنه قیلدی خاص

چون لیلیه زید اولدی واصل — مقصودینی بخت قیلدی حاصل

بردم اوتورب کلور قبا مه — ال اوردی روان چخاردی نامه

تعویذ دیدی و قیلدی تعظیم — اول ایوب اندن ایتدی تسلیم

چون نامه آلدی لیلی زار — اول نامه دن الدی بوی دلدار

بیلدی که براوزکه قیددر بو — نه نسخهٔ عمرو زیددر بو

چون نامه قیلدی بر نظاره — جان کوزینک ایتدی پاره پاره

اول فرصتی بیلوب اوزینه اقبال — کوز مردمینه بیوردی فی الحال

کیمدور اله بحر چشم تردن — لعل آله خزانهٔ جکردن

اول نامه نک ایلیه نثارن — افزون ایده قدر و اعتبارن

چون دُرجدن الدی دُرّ مکنون — مکتوبی اوقیدی بیلدی مضمون

فهم ایتدی معانی و عبارت — بیلدی که ندر اونک اشارت

جانانه قیلوب عتاب تأثیر — اول نامه جوابن ایتدی تحریر

لیلینک مجنونه پیغام جوابی روعذر خواهیدر

بو طرز ایله کلکی اولدی جاری — کیم اول نامهٔ نام باری

معمار بنای عقد و پیوند — وهاب عطای مال و فرزند

اظهار وجود ایدن عدمدن — ایجاد حدیث ایدن قدمدن

شاطر شادی زمانه — سلطان عبد استانه

بونامه که برنگارد ندر — یعنی بن چقرار دندر

بر صاحب عز و اعتباره — یعنی مجنون دل فکاره

ای خاک بساط و خاربستر — کام دل تنگ و دیده تر

هر طعنه که ایلسنک روادر — سندنک جملم بوزم قرادر

بدبر نکا چکه دکم جفالت — شرمنده لکده کی ملامت

چون حسرتم که وارکن هم — اور لطفنکی ایده عذرخواهم

بن کوهرم اوزکه ار خریدار — بنده دکل اختیار بازار

دوران که بنی بازاره صالدی — بهمنده کیم ایرساتن کیم الدی

اولسیدی المده اختیار م — اولمازایدی سندنک اوزکه یارم

گرتهمت اولیشم گرفتار — اکراه ایله سندن اوله بیزار

بردر دکلم که اله حکاک — الدغده بصر قیده چالاک

شمع شب و افتاب روزم — که ابن سلامه دلفروزم

قانغدرار قدن اله برنور — اول سنکدن بن انکدنک اولمدور

فکر ایتمه که بن نشاط ندم — پردام غم ایچره پای بندم

دورایله کورر فروغ تابم — اولدغده یا قون جکر عذابم

نه زهره سبر کوچه و کوی — زناب چناپچه و سر و روی

کاهی هوس ایدرم فنا یه — اوول انکا ایسترم بهانه

باالته یااکه ایدرم یاد — یا صحبت همنشین و همزاد

گر حتمی نمک ایستم چاک — خیاطنه اولورم غضبناک

کیم عیب لو دربودامن جیب — جهد ایله که ظاهرا اولمیوب عیب

کاهی طلب ایلسم هوالنک — پسلمک دیلمیم که تولدی خانک

برچشمه الورم روانه — غسل بدن ایدرم بهانه

تنها الورم اراده عریان — موی سرم ایدرم پریشان

ایمسه ایدرم نکاهی — حالنک کورورم سنک کاهی

بونیمده یوق اوزکه طوفدیغ — لعلمده بولنمز اوزکه گفتار

بونیم قولنکی دیلر هوادن — لعلم لبنکی صوره بادن

جانده غمناک چهره نا امیدم — تسخیر جف ایله شهیدم

قانمو کفنمم ور آل پر ده
بن کورده ام صاغمه ارده

کل شمع مزارم ایله آهنک
زیب لحد ایت غبار رآهنک

بن بلبل باغ فرقتم زار
اما قفس اچره ام کرفتار

پیلمن بو قفسده نوله حالم
سندر روی لاپرایه بالم

بر وحشی ایله کرایتسم خو
سن توجب نزرنش وکل بو

ای عاشق مستمند مهجور
دو تکل بن مستمنده معذور

صبر ایت نیچه کون که اوله کردون
بر کون لری اییه دکرکون

انجق اوزنکی نزار صانمه
سرکشته روزکار صانمه

بو شعری کرا اقوسن دمادم
معلوم سنک اولور بنم غمم هم

مربع ترکیب

کریبان اولدی ریزان الم ایله چاک دامن هم
بکا زیر الغمده دوشت رطن تیه ی تن هم

رهٔ عشق اچره جانقیلدوم کرفتار بلا بن هم
بو تیغ زمی که بر درد آر توررسن دردرسن هم

اکر دوستم غم ایلدن نهان صبر و قرارم
وکر شرح غم پنهانم ایتسم تنگ رم یوق

اسیر بند و زندانم الهده ختیارم یوق
بو تیغ زمی که بر درد آر توررسن دردرسن هم

الوبدر رشک خونابه گلگون چهره زردم
یانوبدر آتش هجرانه جان دردپروردم

جفای چرخ کجرفتار الدنک وارینک دردم
بو تیغ زمی که بر درد ار توررسن دردرسن هم

کهی شوق وصال ورکه بلای هجر ایلهزارم
اونرم هم الم دردم نه بن نیچه بیمارم

غم عشق اچره بر درمانی یوق درده کرفتارم
بو تیغ زمی که بر درد ار توررسن دردرسن هم

جدا سندن بلای درد هجران ایله دوقم خو
قیلور هر دم بکا بیداد درد آیرو بلا آیرو

بلادن درده دوشدم روزکارم بیله حالم بو
بو تیغ زمی که بر درد ار توررسن دردرسن هم

طبیب عقله چون اظهار قیلدم درد پنهانی
سن بیچاره مطلق اولمدی پر صحت امکانی

ازلدن وار ایکن اول دردکه یوقدر هیچ درمانی
بو تیغ زمی که بر درد ار توررسن دردرسن هم

فضولی هر زمان بر طعن ایله باغرم قیلورسن قان
عجب بیلمزسن کیم عشقدنک کچمک دکل آسان

بیلورسن دوشمشم بر درده کیم یوقدر آنکا درمان
بو تیغ زمی که بر درد ار توررسن دردرسن هم

تمام سخن کوید

یازلدی چو نامهٔ غم دل
دیدی انکا ای حکیم کامل

تعویذ نک ایله خوش اولدی حالم
زایل اولدی غم و ملالم

خط نک نکا نسخهٔ شفادور
تعویذ نک اثر قیلور دعادور

هر کون کل و یاز پیله تقوید / تا صحت دوتمق اوله امید

پر بازلو نسخه وار بنده / یا لله پیله آل ای کیمده

گرچه پیلورم ای که خطادر / بیلمن که صحیح یا غلطدر

اصل قینه ویر کمال اصلاح / گر وار ایسه سهو ایله اصلاح

تقریبیله ویردی زیده مکتوب / پیله گرکت اهل عقله اسلوب

مجنونه چو نامه اولدی واصل / در گوردی عقیقه مقابل

مفهومی سدنکت بیتدی که مقصود / لیلی طرفندنک اولدی خوشنود

بو مجنون اتمی صحراده بولدغیدر [illegible]

تحریر قلنده اهل نن / پیله بو شاره چکدی طغرا

کیم طعنه دهر بیتماسی / مجنون شکسته نک اناسی

قالمشدی ملالت اچره دون کون / نه کون کون ایدی نه دون دون

کتمشدی النده نک اختیاری / کتدی ز صبری کیجه قراری

قیلمزدی تردد نده تقصیر / بولمزدی بو درده هیچ تدبیر

هرکون ای بیننده بی خبردار / کاه پرشکسته دل افکار

دون بیلی اناسی اول سیه دل / اول شعم سفله پرجاهل

سرخیل یاننده داد ایدردی / مجنون خبرنی یاد ایدردی

کیم بو ولوجکه اولمدی رام / خلقه یری ایراولدی بدنام

پیوسته بره بیتر بلاسی / نوفل غضبنه نک ایت قیاسی

چون محض شر اولدی ذات افعی / واجب کورنور مدام دفعی

هرنیچه تمکنده جانی واردر / ناموسنره زیانی واردر

ناموس بزم دکل سننک دور / رفع ایلمیه کورکه دشمندور

چو کیم ضرر نیه کور دیر نفع / عزم ایله دیرکه ایده رد فع

یاد کت دکل ایله اوغوتکی یاد / قیل چاره که دشمن اولیش داد

اول پرده خوب بنک ضطرابه / ناچار دیروب اوزینک عذابه

صحراره دوندی سیل تک رو / جهد ایله بو کوردی کزدی هرسو

منزل منزل زرشک قان / رهبر قیلوب ایستدی نشان

چون کیجه و کوندوز اولدی تغییر / اولدی کیجه ظلمت جهانگیر

رفع اولدی علامت نزل / اول پرده تره ده اولدی مشکل

سرکشته کذرکن یتشدی راه ۔ پرشعله انکا کورندی ناکاه

اول پرنک اولوب کسیل راهی ۔ روز ایلدی اول شب سیاهی

صاندی اوی یاندرن عوبدر ۔ خیل وحشم اول اوده سبدر

پروانه کبی یوزاوردی ناره ۔ چون یتدی وایلدی نظاره

کوردی که بو شعله پرنفد ور ۔ زنشعله جرم خار وخدور

مجنون اوددی در بواه کرش ۔ چکمیش اورتیش جهانه آتش

قطع نظر ایلمیش جهاندنک ۔ کچمیش سر وچشم وجسم وجاندنک

نه ملک ونه مال حشم وجوسی ۔ نه آته نه آنه آرزوسی

کتمیش جمله برک اعتباری ۔ اول قالمیش ومرک انتظاری

اول پرچو کوردی اوغلی حالنک ۔ توکدی رخ زرده اشک آلنک

یانینده اوتوردی زار وغمناک ۔ ال اوردی که چهره سین ایده پاک

اول شیفته اچدی چشم پرنم ۔ کیم سن دیدی ای خجسته همدم

کرایلی اسین بهوزپسانک ۔ وبرفرده سن اول سه تمامنک

وریولی سن اتورسه غافل ۔ عزم ایله کوزنت پراوزکه منزل

اول

اول پر تضرع ایتدی اغاز ۔ کای نقد حیاته کیسه پرداز

بن دردجم وسن وژشب افروز ۔ یعنی اناکام بن سیه روز

ای حاصل مزرع وجودم ۔ وی عمر خرابزنکده بودم

ای جوهر جانسنک هواسی ۔ وی دیده بختمنک ضیاسی

دیردم اولدسن بنم پناهم ۔ فخرم شرفم امید کاهم

جندن بوسریر اولنده خالی ۔ سن اوله سن اهل ملکه والی

حق ایده سنی کورنده یا دم ۔ باقی سنک ایله اوله ادم

کر طفلکنده بیت وبی باک ۔ صحرایه دوشوب ایتدنک قیدوب چاک

اولدنک ره عشق ایچنده مشهور ۔ معذور ایدنک اول زمانده معذور

هر وقتده ودر بیر امر غالب ۔ هر عهده دربر ایش مناسب

نورسه ره عشق پرشر دور ۔ ظلمتده کاه راهبر دور

حالا که مقام عقل بولدنک ۔ تحصیل کماله قابل اولدنک

سندنک نه روا ایرما جوار ۔ سرمایه عیب اولن صدالر

کر غافل ایدنک اول ایدی عاقل ۔ صحراله دوشمه کز نه غافل

دولتلو بوزینه اولدی مایل پرفکر ایتدی که اوله عاقل

ترک ایله آرزوی دلدار عشقه داخی اولیه گرفتار

اما نه عشق شهریاری فرمانه چکدی اول فکاری

کای وارسی بن اولن جهانده تن وار سنک بو جسم و جانه

جانه طمع ایتمه کیم بمندور ترک ایله تنی که سکندور

بندن کچ و جان و تندنک ایرل کس وار الکنک اوزنکنله سل

کلبن کبی قانی جوشه کلدی بلبل صفتی خروشه کلدی

کای حبّ صلاح اولنک پیانی وعظی بنکا عافیت نشانی

بن هم سنکا قایلیم کیدنک سفون کلام سویلدنک

نسبت بنکا خیر در دکل شر کر اوله ایشتمکی میسر

کرچه بوزنکا قولاغ دوتدم نه سودیلیتدم و انونتدم

سن دیه که دوت خبر بوزدنک کیم یوق خبرم بنم اوزمدنک

عشق الدی دروتم و برونم کتدی یه صبرم و سکونم

بن عقله توجه ایلرم چوق سودا یولی دونر که یوق یوق

وحشیلر ایله ندر بو برلیک انسان ایله خوش دکلمی دیرلیک

کور دشته وحش طیر ایله طیر هم جنس ایله خوش ایلک سیر

رحم ایت بن زار نامراده قویمه بو شفق و بلاده

کافوروش اولدی سنک نایم بو صفحه ده سن افتابم

اولمق القم قرینه دال میلیم سنکا اولمغ ایله دردال

دوران ستمیله جانه یتدم بن اوزکه دیاره عزم قیلدم

کل تا ابتوریم سنکا مقامم ضبط ایله بساط احترامم

نه سود میته سن لغیدنک نه فایده بت پرستلغیدنک

ای سن کال حد تسکدنک بو قدر جبر نک قباحتسکدنک

اول لحظه که هوشیار اولورسن البته که شرمسار اولورسن

قورقرم بو که اوزکه اوله حالم دنیاده نه سن قالم نه مالم

بیکس لیک اوله سنکا مقرر بیکس اوله سن مدام بردر

عاقل کشی دوربین کرک دور دنیایه سیه برکرک دور

جون بیندنی توکدی اول خردمند مجنونه نه تفاوت ایتدی اول پند

دگلو دادر

بن قالدن ترک عشق قالدن / عشق ازلی چغروب چب ندن

ظلمتکده سینه جانه بیتدم / ترک ایله بنی که ترککنک اتدم

طفیلیه زمان زمان ویروب پند / سهل ایسه اولسه آرزومند

آرتر الم بو ماجرا دنک / آتش کمی جنبش هوا دنک

پرسشنه که اولدی پاره پاره / بو مدینه وارمی هیچ چاره

تکلیفمی قیلمه خان و مانه / کور سرعت گردش زمانه

چون سن همانی قیوب کیدرسن / انده بنی سیتوب ندرسن

انجی بشکا عرض ملک و مال ایت / اوغلنکی اوزنک کمی خیال ایت

فرض ایله کاله اولدی والی / کندی بیر غیره قویدی مالی

اول کشور عشق پادشاهی / اول اوج بلا و درد ماهی

حد ربنی قیلوردی ایبوب آه / باباسینه شرح غم که ناگاه

لرزان اولوبن تن حزینی / قان طولدی تولنسدن آتینی

ال ویردی اتاسینه تحیر / مجنون دیدی ایله تفکر

قصد ایلدی اول بت پرزاد / نیش اوردی هنک تو ریدی فصاد

اول زخم اثری کورندی تنده / پر روح دوراول ایکی بدنده

یزده ایکی لیک نشانی یوقدر / هر برینک اونک که جانی یوقدر

صانعمه که اولدر اول نسم بن / بر جانیله زنده در ایکی تن

خرم اولورم اول اولسه خرم / غم یته انکا بکا یتر غم

اول پر چو وقف اولدی حاله / انصاف کتوردی اول کاله

بسلدی که دکل بو نقش باطل / اولمز جیل ایله عشق زایل

سن لعبة نصحت ایتز اولدی	طعن ایله فضیحت ایتز اولدی
ترک ایتدی طریقهٔ نزاعین	توبه الوب ایلدی وداعین

بو مجنون اناسی مجنونه وصیت ایتدیکیدر

کای رشتهٔ گوهر مرادم	آیینهٔ حسن عشق دادم
هر لحظه بنکا ترحم ایله	گفتارمه رغبت تکلم ایله
پروای من شکسته حال ایت	عزم سفر ایلدم حلال ایت
ناخوش سنکا بنده نک ایدی احوال	بن کتمز اولدم ایدی خوش قال
زینهار شکایت ایتمه بندن	انجلو حکایت ایتمه بندن
دیرلکده چو سندن الدم کام	تو خلوتکده دوشتمک اولدی آرام
بو در کرکن التماسم	کیم سن دوتماسنک اولومه یاسم
هر لحظه ایدوب فغان و زاری	توپراغمه ایده سن گذاری
تکلیف نشاط و عیش قیلسنک	کیم سن دیه سن بوریسی چلین
فریاد و فغان ز رحلتم	سن خود بوره دوشدکس سلم
اوزعار دتنک ایله ناله ایله	اجرینی بنکا حواله ایله

بو درد غمکه دوست دشمن	اوستمده دورب قلنده شیون
بیکس کیم اولیه بنکا یار	معلوم ایده لرکه دارغم وار
چون قیلدی وصیت اول پریشان	دوندی ایوه کلدی زار و گریان
درد و الم ایتدی انی رنجور	قالمادی حیاتی شمعنه نور
درد ینه بولنمز اولدی درمان	مجنون دیدی ویردی عاقبت جان
دنیایه بقا دوتق اولمز	هرگز اولمی اوتمق اولمز

بر مجنونک بابی دار بقایه نقل ایتدیکیدن و زینب دایی قاپیدن کتدیکیدر

خوش خانهٔ عیش ایدی بو عالم ... دردا که دکل اساس محکم

ساقی می لعل فام یوقمی ... دورنده بو خماره جام یوقمی

اولدردی بنی غم نهانی ... یوقمیدر می شراب ارغوانی

غم دفعنه دور ایله تدبیر ... الدنک کلمی کل ایتمه تقصیر

دنیا که نکار دلربا دور ... زنهار اینانمه بیوفا دور

سن کرچه اولوبسن انکا مفتون ... اولدر طلبنکده سندن افزون

سن سن انکا جهل ایله طلبکار ... اولدر سنکا عالمی هوادار

هر نیچه انکا که مهمان سن ... عیش و طرب ایله کامران سن

اندنک سفر اختیار ایدنده ... قرب حقه یوز دوتوب کیدنده

بولسکده اوزنک ویروب فنایه ... صاقن سنی تا بشور بقایه

هر کیم که بو نکته دندر اکاه ... دوران فلکدنک ایتمز اکراه

هم درکده عذابی اولمز ... هم سوندنک حسابی اولمز

برکون اخذوب رشک کلکون ... نجد اوزره اوتورمشدی مجنون

اول زار و غمیشدی قیلدی فریاد ... هنکامهٔ طعن ایله بر خجابچی صیاد

کای عار دمک ایل ایچنده عاری ... وی ناقص اولنک عیار کاری

یوق سنده نشان نام و ناموس ... افسوس که عار سنسن افسوس

انصافدکل ستمده اسراف ... انصاف سیز اولدیغنکه الفاف

درکده اتانکی ایتمدنک شاد ... بابری انی قیل اولنده پرباد

جان ویردی مجنونکده اول پیر ... یاد ایلمدنک ندر بو تقصیر

مجنونه براقدی اول صدا سوز ... ارتوردی فغانک اول سیه روز

یوقدر می جهتنکده ازرم ... الله دن ایلمزمی سن شرم

باران کمی دشت اوردی باشین ... می کمی ایاغه توکدی یاشین

قبرینک صورت ایستدی نشانه ... اولدی کوزی یاشی کبی روانه

چون کوردی اتاسنک مزارین ... شمع ایلدی انکا جسم زارین

تاری تنه وردی تاب ویردی ... دل اتش و دیده اب ویردی

لوح ایلدی کوکسنی مزاره ... ورناغیله قیلدی پاره پاره

باغرینه باصوب مزار پاکین ... کل پیراقی ایتدی لوح خاکین

افغان ایله تازه قیلدی ماتم / افغانی ایچینده ویردی هردم

کای بانی عیش و جودم / عصیان زبان رضاسی سودم

ارشادکی بیلدم غنیمت / یوزوای که فوت اولدی فرصت

فیضکنک بنکا اولمدی میسر / سن خیر ویدنک بن ایلدم شر

یوز حیف که دوتمدم طریقنک / برنچه کون اولمدم رفیقنک

جور ایله سنکا جفا ارتدم / یانکلش واردم خطا ارتدم

اولسم غم عالمه گرفتار / انجق سن ایدنک انیس و غمخوار

ای دولتم اولمه دور سندن / وی شمع کتورمه نور سندن

همرازم ایدنک سنکا تیمده / دمسازم ایدنک سنکا تیمده

تولدی غم کتوردنک تاب / قورخوتدی کورسنی بو سیلاب

تولدی سب ایلدنک عزیمت / سنزن می ایدی سنکا غربت

ای بنشا جوهر حیاتم / خوشنود قیلنکره دررنجتم

بیلدم ایشیمی گناه کارم / کلدم سنکا خوار و شرمسارم

دنیاده سنی بن ایلدم زار / عقباده بنی سن ایله خوار

یا قدنک بنی آتش جفایه / سالدنک غم و محنت و بلایه

سن سیل فراغ ورخنه تنک / پر کنج دوتوب فراغت تنک

کیم ایلدی حسن مشکلاتنک / کیم ویردی بو غصه ونک نجاتنک

شب تا سحر اول اسیر هجران / ماتم دوتوب ایتدی آه و افغان

چون شکنه توکدی کرد کافور / ظلمات بر قیدی پرتو نور

احباب قیلوبن مراسم وجد / دوتدی ره کورخانه نجد

تمام سخن گوید

ارباب کماله اول عیاندور / کیم حسن ایله عشق توامان دور

عشق آینه جهان نما دور / کیفیت حسن انکا جلا دور

حسن اولمه عشقدن نه حاصل / معشوق ایدر اهل عشقی کامل

حسن اولمه عشق ظاهر اولمز / عشق اولمه حسن باهر اولمز

عشق اولمه حسن اولور خار / عشقیله در اهل حسنه بازار

نه سبز الور سونکت سروری / نه سونسیز الور انک سروری

مجنون ایدی شمع محنت افروز / لیلی انکا آتش جگرسوز

مجنون ایدی جام رحت افزا	لیلی انکا باده مصفا
لیلیدن ایدی کمال مجنون	حسن ایله اولوردی عشق افزون
مجنوندن ایدی جمال لیلی	عشق ایدی ایدن جماله میلی
پرکون مجنون دل شکسته	صحراده کزردی زار و خسته
پر صفحه ده کوردی ایکی پیکر	مجنون ایله لیلی مصور
محو ایلدی نقش دلستانک	قویدی اوزنک همان نشانک
صورردی انکا حقیقت حال	کیم نیشه پر اولدی ایکی تمثال
دیدی بزه پرورر حقیقت	پرلکده یارشنز ایکی صورت
اولمق کرک اهل دانش اکه	کیم بز ایکی لیکده نک اوز منزه
سایل دیدی بو دکلمه در عار	کیم یار اوله یوق سن اوله سن وار
سن نیشه قالورسن اول الور حک	باری انی قوی سنکا قلم چک
دیدی ره عشقده نک نه لایق	معشوقه اوله نقاب عاشق
عاشق تن و جیب جاندور	تن ظاهرده تنده جان نهاندور
معشوقه نه باک اولور سه مستور	عاشق کرک عشق اچنده مشهور

کیم عالم عشق در آچیدنک پیش	معشوقه کیم اولدغن قیلور فاش

بو مجنون وحشی لر له الفت دوکیدر

مجنون ایدی ملک درد شاهی	خیل و ددو دام انک سپاهی
پرسرور ایدی کریم و عادل	خیلی ددو دام عدلی شامل
خون جکرندنک اول وفادار	خونخوارلری قیلوردی خونخوار
خوناب جکر توکوب دمادم	قیلمزدی سباع رزقنی کم
دورنده درنده لر اولوب رام	دوتمیشدی بری پرچله ارام
شیر اولمیشدی انیس نخچیر	نخچیر امردی شیر دکنک تیر
کورر اولمیشدی پلنکه همراز	کرک اولمش ایدی کوزنه دمساز
باشنده دوتردی مورخانه	کوز یاشی یغردی دانه دانه
کر اوزینی تند و تاب ایدردی	بنک جانوری کباب ایدردی
کاهی اولوب اشکی سیل قایم	سیلابه کیدردی بنک بهایم
پس اولمیشدی النده دزق	یر و منک ساوردی باشنه توپراق
رسنده غبار اولوب فراسم	اشکیله چکوب زمان زمان نم

اهوبره سبزه زار اولدی — گلزار جشنون بهار اولدی
گردونه ایدی گوزن ایرخو — آخوری گوزندن اول قدرسو
کاول بوزرنگ الوردی تازه‌تر — هم برگ سیه‌ی شاخی هم بر

هر لحظه اگوب ایلینه برمار — خرسند اولوبن ویردی اول زار
کاول سنبل مشکبوی دوتدم — کام دل آرزوی دوتدم
قپلان کمی جانه اوردی بنگ داغ — قپلان صفتی اوزاندی درداغ
اصلانه رنگ اولدی نخچیراسی — قاپلان رنگ اولدی نقداسی

مجنون صدقیله مناجات ایتدیکیدر و اجابته یتدیکیدر

برگیجه که ظلمت ضیاسوز — زلف شبی بستدی برقع روز
پرلعل ایدوب سپهر نایاب — گوستردی پرنیه پیک درناب
پرشعشعه ایلیوب گوهر — پیک ماه جبینی ایتدی اظهار
قطره قطره حکیم افلاک — خشخاشی نشر ایدوب دوتدی تریاک
دانه دانه عروس گردون — افغانینه توکدی در مکنون
گردابه دوشوب سفینهٔ ماه — قیلدی اوزینه مجره‌دن راه
صاف اولدی عطاردک مدادی — ارتوردی بو صفحه‌ده سوادی
اوزدی داغدن سیاه گیسو — گیسوسی پیچنده گیزلدی رو
خورشید اولوب نهان ستاره — گوزر آچدی طریق انتظاره

پر زندی سر سنان بهرام — فتح اولدی انکا ولانبشام
برجیس کوروب سپهر پاسه — خورشید غمکده باتدی یاسه
آئینه الوب سپهر گردون — باقدی انکا عکس صالدی کیوان
گردونه ثوابت اولدی سیار — تا دونیه دون بساطی برکار
کوکده حمل اولدی شکاره — اهو بره چیقدی سبزه زاره
گاو فلک اولدی گاو عنبر — دولدردی جهانه عنبر تر
جوزا مگری ترصیع اولدی — گردون بدنی ملمع اولدی
چرخنک قیلوب تحرّین دفع — خاصیتنی ویردی ظلمته نفع
اولدی اسد افق بنده دور — پر دود شای شمع بی نور
برانی ایدوب فلک ترازو — صراف زمینه چیکدی لؤلؤ
عقرب براخوب بکند پرخشم — دیو شبی قیلدی قید محکم
قوسینی قوروب سپهر لاعب — اقدی خدنک زخمه باتوب
دلوه دولوب آفت زمانه — بنک قطره سا چلدی آسمانه
بر غاله توروب دری وتوب بو — کوک صفحه سین ایدی سیه رو

حوت ایدی حبس یونس روز — برق شفق اولدی آسمان سوز
عرض ایلدی خیمه جناسین — جبهه داخی جبهه سین رضا سین
هم سنبه جمال ویردی انور — هم هقعه مکحل ایتدی زیور
نوربتدی بر اسمانه تحویل — شرطین وبطین کال اکلیل
ویردی رئوس سپهر اخضر — ترتیب مقدم ومؤخر
مجنون متحیر و پریشان — قالمیشدی سپهر ایتمکده حیران
گردونه اچیلدی دیده تر — هر دیده یه دولدرردی اخکر
هر اختره عرض حال ایدردی — بنک ارزوی محال ایدردی
اول الوب آسمانه مایل — شرح ایتدی عطارده غم دل
کای اهل جهانه کار فرمای — مستوفی عقل و دانش ورای
ای نسخ نسخه معانی — فهرست رموز آسمانی
قائم مقاصد و مطالب — رسام مناسب و مراتب
دو دولمنک فراق جوقدور — سندنک اوزکه دبیر یوقدور
برنامه ویردی رقم قیل — سلطانه عرض قیل کرم قیل

شاید اثر ایده فیض عامنک / تعویذ جنونم اوله نامنک

کوردیکه عطارد انجمن راز / پرواز که ترنم ایتدی آغاز

دوندردی یوزن املادن اول راز / مرثیه تضرع ایتدی آغاز

کای والی مسند شجاعت / شمشیرنکه عالم اهل طاعت

سن صاحب نصرت و ظفرسن / ارباب صلاحه تاج سرسن

بن عاجزم و فقیر و بیزار / بن بیکس و خصمم ستمکار

عاجزلره لطف ایدوب مدد قیل / بیکسلردن بلانی رد قیل

چکسون تیغنک ایله رنج دشمن / تا دوستمه همنشین اولم بن

چون کوردی جلند پرده درکام / نه تیر بتر انکا نه بهرام

تیغ ایله قیلدنک اولدی نومید / دوندی ره بارگاه توحید

درگاهه دوتوب رخ نیازنک / معبودینه عرض قیلدی رازنک

کای تیغه معین و کلکه رهبر / بهرامه غلام و تیغه چاکر

ای فرق اهل کلاه دوزی / صاحب رقم برات روزی

رحم ایت بن زار بینوایه / دردو ولی یتور دوایه

لیلی سن ایدوک پری وش / کیم جانه جمالی اوردی آتش

سن قیلدنک انی بنای عالم / اول قیلدی بنی شکسته غم

ویردنک انکا حسن عالم افروز / صالدی بنکا آتش جگرسوز

دردیله بنی سن ایدنک زار / بن خانده ولیلی جفاکار

یوقدر دروشنکده اختیارم / کیم دوندره اولدی قرارم

بیچاره دراوز ایشنده اول هم / سندنک بولور بوردرده مرهم

هم سن کرمنکدن ایت علاجم / کس غیر ایشلکدن احتیاجم

ای درده قیلان بنی گرفتار / کیمدر بنکا سندنک اوزکه غمخوار

بن خسته حکیمه سویلدم حال / تشخیص مرضده اولدی بر لال

بیلدم که حکیم و فرد سن سن / دانای جمیع دردسن سن

گر درد و اگر دوا سنکدر / حاکم سن سن رضا سنکدر

رحم ایله قیل دوای دردم / پیدا ایله سینه ویرمه گردم

یعنی که بتور کماله ذوقم / کوزمنک کوز قیل زیاده شوقم

صال کوکلمه لیلینک خیالنک / ویر طبعمه جستجوی جمالنک

دایم انی بنده ظاهر ایله	لطف ایت بنی انکا ماهر ایله
قدرم غمی ایچره ستبر قیل	دردینک بنکا روزی و کریم قیل

هیچ کیمده

هیچ کیمده اولیه سیر	کیمه بنکا اولیه برابر
کوررک رخین اولمازایه مقدور	خوبان ارکوزمده اولمسون نور
ذوق المی الورسه نایاب	مجروح تمنده اولمسون تاب

غزل بزبان معشوق

یارب کمال یار که مصطفی حق	صدر صفای سلسلهٔ انبیا حق
سنده نک یتردلیره تا پیدا قتدا	سن مقتدای عالم ایدنک اولیا حق
دشمن حریم قربنکا پیکانز بولی	اول یار که محرم اولوب آشنا حق
قهر ایلدکی سیاست و بیب خوف جون	لطف ایلدکی لطافت خوف و رجا حق
عاشقه یار قیلدوغی جور و جفا ایچون	معشوقه عاشق ایتدوکی مهر و وفا حق
لیلی ده ظاهر ایلدکنک فیض عشقیچون	مجنونه ویردکنک غم و درد بلا حق
فقر و فنا سعادتی ویردنک فضولیه	انده اولان سعادت و فقر و فنا حق

تمام سخن

ایردی بو برزخ ایله مناجات	محشره یتیشوب مکافات
کاجلدی کل حدیقه روز	کوستردی کونشن جمال فیروز

مرغ دم صبح چکدی آواز ‌‌— زاغ شب تیره قیلدی پرواز

هم صفحهٔ عالم اولدی روشن — هم دانهٔ انجم اولدی خرمن

کون آئینه‌داری اولدی کردون — توکدی قدحینه درّ مکنون

صبح اوردی صفای صد قد نکدم — چالدی ورنشاط عالم

تا بزم صفای جام وخورشید — کورک کلشننک اتدی بزم جمشید

لاله کبی داغه دوشدی مجنون — نظاره یه اچدی چشم پرخون

کوردی که کلور ندیم کامل — همراز قدیم زید قابل

رخساره‌ده نشاطنک نور — بهجت کوزینه جالی منظور

یوق زره جه غصه وملالی — مجنونه عجب کورندی حالی

صوردی که ندور بو نشاطنک — عادتجه کورونمیر نشاطنک

مقصود انکا وصلت رسمی بولدنک — دلداره همنفس می بولدنک

نه قدر ایله سربلند اولوبسن — تولدی که نشاطمند اولوبسن

زید اچدی درخزانه رراز — کای طرفه همای اوج اعزاز

دون طوف دیار یار قیلدم — اول سروینه کذار قیلدم

کوردم نه عارضین ضیا سیز — آیینه صیقلتین جلا سیز

نه لعل لبنکده قطرهٔ آب — نه ماه رخنکده ذرهٔ تاب

لعل تره اشکی کوهر انجمنه — برک کلنه نرکسی کهر ریز

کوردی بنی ایتدی ناله زار — راز اچدی بنکا که ای وفادار

دوشدی اوله بجده رنکذارنک — کوروب نک اوله حالنک اول نکارنک

نجه کیجه اوله ماه وسالی — کیم اوله رفیقی نوله حالی

بالله کذر ایتسنک اول دیاره — رحم ایت بن زار وبینوایه

بندنک انکا شرح دردحال ایت — حالینک بن خسته دنک سوال ایت

سویله نجه سن هجوم غمدنک — طغیان شعف وستمدنک

ماتم زده اوله دخنک ایشتدم — قیلدم یقه چاک شیون ایتدم

اول سروکه چقدی بو چمندنک — نبدنک کتدی دکل بو سندنک

انجمن برا اولایدی کیم چکوب غم — بهتردی بنی سنکا یتشدم

چوق کوردی بزه سپهر غدار — یوز بینک غیب راکنده بریار

برظلم دروبن فکاره — الدنک نه کلور بو نکا نه چاره

بو دردکه از دکل بوکندر | هم صبر ایده لم که صبر خوشدر
سن دوت که سعید جهانم | سایه‌ڭ الوب بنگ خرام
ور سایه‌سوینم غم دل | شمعنگ حدی کلور مقابل
نه یاز نغه نامه اختیارم | نه انگه عرض راز دارم
غنچه کبی ام بن پریشان | اغزم دو تولو ایچیم دولوقان
سن کیم سنه گنور رضا سن | هر کیمه دیر سن شناسن
یوخ حکمی سنه چو خامه غیرنگ | اوز باشنکا در همیشه سیرنگ
امانه ایچون قبول سن اهمال | حال و بیننگ ایمز سن ارسال
اول نظم لطیف و دلکشنکدن | مضمون عبارت خوشنکدن
لطف ایده قیلوب همیشه تحریر | کوندرمدنگک دکلی تقصیر
سندنگ دکلم بو باتده راضی | حالا کرم ایت خلاف ماضی
نظم ایلیوبنگ بیان حالنگ | شرح رخ زرد و بنگ النگ
ارسال ایده کور بن خزینه | کاول جوهر جان ویرم خزینه
الفاظنگ الوب همیشه ذکرم | بو کار که یا بچره فکر و ذکرم

طرز غم ایدنده خامه تصویر | اول نقش دن اوله چاشنی گیر
هم حال دلینگ قیلاردی اظهار | هم بو غزلی دیشده تکرار

غزل

بچون اول شمع کافر او زر کلبن بنکی یا ایتم | یا زوب پر رقعه لطف ایله پری شهرای دار ایتم
بزمه دوست لطفنگ ازایه وب حچه مین دن دشمن | بچون لطف ایلیوب دشمن لری بر زر شار ایتم
کل ای کوز یا خطنی مرده ده یازتن بو رقعه | که خط و نامه دفع درد و هجر خط یار ایتم
کبوتر دک اولماردم نارسین بو منعه جا ایتم | کوروب آنم او دینک بندن بکانه اوکن ازار ایتم
فضولی منه دلدار بر تعویذ دکو یا | که نهیر خسته دلار خاطری بردم قرار ایتم

تمام سخن

مجنون که بیشتدی اول پیامی | بخت متمرداولدی رامی
اقبالینه اعتمادی اولدی | دلدارینه اعتقادی اولدی
خوبا رشکنگ جکوب نم | گلزار سهیدی اولدی چشم پرنم
هم کولدی یوزی چراغ ترنگ | هم کوکلی اچیلدی داغ ترنگ
زیره ویدی ای حریف صادق | بن خسته یه همدم و موافق

چون قرده مرحمت بتوردنک — یارم خبرنک بنکا کنزردنک

بندنک هم انکا بتور شالر — عرض ایدر درود ل دعالر

خاک درینه بتور نیازم — درکاهنه عرض ایده رازم

کای جانمه داغ ودرد وداغی — کونکلم فرحی کوزم چراغی

لله الحمد که یاربلمش سن — بن لیسته وکیجه واربلمش سن

عهد کده وفا بولندی آخر — شه‌هد کده شفا بولندی آخر

بیلدم که بنی بوسن ای ماه — حنت حنت بارک الله

لطفنک خبری قرارم الدی — شیرینک سوزینک اختیارم الدی

آه ارقجوب اوزکه رسم بیداد — ناکه دوته سن طریق بیداد

تیغ اوله یوزنک نشانه اده — لطف اولمیه قهر اوله زیاده

خوبرلیشی جور ایده جفا دور — سندنک کورنک بنکا وفادور

قربان سنکا اوزکه نازنین لر — جانکا یوزینک آفرین لر

کیمه چو سنکا وفاده یتمز — جانک سنکا ویره کیمه ایتمز

معشوق ایدنک ای بت وفادار — عاشقلیقنکی هم ابدینک اظهار

عاشق ویرمیش بنکا خلایق — عاشقلق ایشی بنکا نه لایق

بن برناقصم ای حریف قابل — سن سن ره عشق اچنده کامل

تحسین که بکا نه زمان سن — جان ویرمک الور سنکا که جان سن

هر شوخ ده کر اولیدی بو طور — سن اوطر ایدنک یکانه دور

یا دایله وکندنک اولمشم شاد — سن شاد اوله سن همیشه بن شاد

ناهپ بن خبرینی یاد ایت — که کام ترحم ایده شاد ایت

ای سرو ومنبر کل اندام — تاراج متاع صبر وارام

ای خسرو کشور ملاحت — مهتاب شب ونشاط راحت

چون بنده رحمت ایرا اولدنک — الطاف رحمت ایرا اولدنک

سن لعبه طریق مهرد وش کل — اول کی طریقنکی اوزت کل

یسن بن زار بیقرار ایت — کاهی بو بنکا گذار ایت

همدردم ایشنک بنمه یار اول — همدردلیغنک یوقیه وار اول

سن ایله مقیم مسند ناز — بن بیله بلا و درده دمساز

سن محفل عیش وکامکاری — بن کوشه درد ودل فکاری

عیش ایچره کیم روسیه ربو / راه روش وفا سیه ور بو

کردو غرویه وفاده رنبک / نبذنک نه ایچو نذر عنز اخنک

کل دفع ایده لیم غم فراق / یاندوره لیم اوده اشتیاق

اولسونک دون کون بنمه رنبک / چون بنک سنک ام سنک اویه غمک

کر ابن سلام مانع اولسه / سدّ ره وصله واقع اولسه

بیلدورقالیم سیاه بختن / برایه تارومار تختنک

چون راز دلینک توکندی اول زار / زید ایلدی عزم کوی دلدار

ببل خبر نک یتوردی باغه / پروانه برینک دیوب چراغه

بو ابن سلام کیفیت وفاتیده ویرلینک اول مادنکا تیدور

ساقی فلکنک کور انقلابنک / کوستر قدح ایچره می حبابنک

می ایمنه جهان نما دور / خاکی زراید نک بو کیمیا دور

بو فانده لبس دکلی اندنک / کیم فارغ ایدر غم جهاندنک

بر خواب و خیالدر بو عالم / بو خواب و خیاله اولمه همدم

احوال زمانه منقلبدور / اندنک خرد اهلی مجتنبدور

غم ماتمنی ایدنده بنیاد / نواحه بو نوع چیکدی فریاد

کیم ابن سلامی یتدی کردون / اماج خدنک اه مجنون

اول سندی کتوررکه ارادنک / سنک یتدی روان ایچی یکادنک

اول نورس نوجوان رهادم / توقیله چیکردی محنت وغم

حسرت المی نهان المدور / غم بر قنزره عدم دور

درد و غم و حسرت نهانی / سرو قدنک یتدی خیزرانی

یوز ویردی یوز لمحه ظلمی / بر غایه یتدی ضعف جسمی

کیم پیکری نقش بستر اولدی / رعنا قدی بستر بستر اولدی

کرن کوندنک اولوب خراب حالی / قالمادی صاغلماق احتمالی

دردینه دوا بولنمز اولدی / رنجینه شفا بولنمز اولدی

اندیشه عمری اولدی باطل / جان ویردی و اولدی حقه واصل

کیمدور که کلوب جهانه گتمه / کیم کامل اولوب زواله یتمز

بودر ره رسمی روزگارنک / کیم اوله خزانه هر بهارنک

لیلینی گورکه فغانه / اول واقعه اولدی بر بهانه

ماتم دوتوب ایتدی اول گرفتار / درناغیله سینه سینی افگار

چاک ایتدی فرغت ایله جامه / فاش ایتدی فغانی خاص و عامه

باغردی ایوب قوپاردی تختین / تاراج فنایه ویردی رختین

گیسوی عنبر ایتدی برباد / افلاکه یتوردی آه و فریاد

گردونکی رخت نیله اوردی / تنش کبی باشه کول ساوردی

ویرلر بو ایدی عرب عادت / کیم ار اکر اوله قاله عورت

پرسیل ایکی سل توتاردی ماتم / فریاد و فغان ایدوب دمادم

خوش گلدی بو عادت اول نگاره / فریاد و فغانه بولدی چاره

بر نیچه گون انده اغلیوب زار / همراه ایوینه دوندی ناچار

فریاد کلنده گاه و بیگاه / اوز کوکلنده دیردی اول ماه

کیم ابن سلامه رحمت حق / عشقم روشینه ویردی رونق

رفع ایلدی پرده مدارا / پنهان غمم ایتدی آشکارا

اول واقعه دنک اولوب خبردار / دوتدی ره دشت زید غمخوار

کوردی که شکسته حال مجنون / دوتمیش دد و دام یخیه محزون

چون ویردی سلام قیلدی اعلام / کیم ابن سلامه یتدی ایام

ویردی چو بو قصه دنک بشارت / کیم قیلدی بحارضنک خسارت

دهر ابن سلامی قیلدی پامال / لیلی اوز ایوینه دوندی خوشحال

مجنون چکوب آه قیلدی ناله / افغان ایدوب اغلادی بو حاله

حیرتده دوشدی زید غافل / بو حالت انکا کورندی مشکل

کیم فوت رقیب ایتدی عاشق / کوکلنک گرک اغلماق نه لایق

تحقیق بیان حال قیلدی / اول واقعه دنک سوال قیلدی

مجنون دیدی ای وفالو یارم / یوقدر می یانده اعتبارم

جانانته جان ویرنک تبو بدور
اولدوسته هم دکلدی دشمن

جان ویرمن اراده ایتوبدر
هم اول انکا عاشق ایدی هم بن

اوجانی ویردی وصل اولدیا
اوز مرتبه سنده کامل اولدی

تقصیم بنم ایردی کاله
منع ایله اعلاسم بو حاله

غزل

عاشق اولدر کیم قیلور جاننک فدا جانانته
مین جانان تیموتن هرکیم که قیمز جانته

جانی جانانه ویرمکدر کمال عاشقنک
ویرمین جان اعتراف ایتمک کرک نقصانته

وصل ایامی ویرنک جانانه جان حیرت اولان
یکدر آنذنک کیم سالور جان غم هجرانته

عشق رسمنک عاشق اوکرنمک کرک پروانه دک
کیم بانار کوردوکجه شمعنک آتش سوزانته

عشق دردینک دوا سی ترک جان ایتمکدرر
ترک جان ویرلر بو دردینک معتبر درمانته

هیچکیم جانان ایچون جان ویرکه لایق اولمسون
کیم کلسه در بو صفت انجق فضولی شانته

بولسیننک ابن سلامدن صوکره ماجراسیدر

چون آته ایوینه دوندی لیلی
افغانه اولوب همیشه میلی

دوتمیشدی طریق اهل ماتم
تجدید عزا قیلوب دمادم

هرقانده پلوردی وار بر زار
اندوه مصیبته کرفتار

جمع ایدوب اولوردی انجمن ساز
ایردی سرود ناله غماز

کر ابن سلام ایدی بهانه
مجنون ایدی باعث بهانه

اغزنده ایدی براو زکه ذکری
کوکلنده ایدی براو زکه فکری

اظهار قیلاردی اوزکه آدین
پنهان دوترایدی اوزکه یادین

سوز دلیله کتور مهیب تاب
بر کیجه داغلدی یار و احباب

انجق انکا شمع قالدی همدم
سوندردی پر ایله انی هم

یعنی نه روا شب سیاهم
شمع ایتیه برق سوز و آهم

تنها قالوب ایتدی ناله زار
درد غمه عجزین ایتدی اظهار

کای درد و غم زمانه بردم
اولمانک بن خسته ایله همدم

تنهالق ایله بن ایلدم خو
بر اوزکه مصاحبه دوتنک رو

کوردی غم و درده یوق نهایت
قیلدی شب تیره دنک شکایت

کای بخت سیاهمنک نظیری
آشفته قیلان بن فقیری

اول یوخ ایدی سننک قرارنک
کرکده کیجردی روزکارنک

حالا نه ایچون قرار ایدوب سن
ترک روش اختیار ایدوب سن

بر نیز رو سن اوزنک یتوردنک
یا ظلمت بخته یول ایتوردنک

ماتم زده سن سیه لباسنک
کیمدر اولونک ندر بو یاسنک

درد و المم دنکزی دشدی
سیلاب بلا باشندنک اشدی

تیر فلکنک نه اولدی دم
طاوس چرخه دانه اولدم

ماتم زده در بو کیجه عالم
بن بخت قرایه اهل ماتم

نه صبر قالیبدر و نه آرام
بیلمن که نوله بنکا سرانجام

اولمیش بو کیجه تمام کوکب
آزارم ایچون فلکده عقرب

صبح آینه سینی زنک دوتمیش
فیض سحری فلک اونوتمیش

ای صبح سننک نه اولدی حالنک
دم اورماغه قالمادی مجالنک

کونکلنک خوش ایسه تبسم ایله
مهرنک وار ایسه ترحم ایله

فریاده همدم ایت خروسی
آوازه قوش صدای کوسی

مرغ سحری کتور زبانه
کوستر بنکا صبحدن نشانه

چوخ اغلادی ایتدی ناله زار
درد دل زارین ایتدی اظهار

کوردی مددینه صبح ایتمز
شب درد دلینه چاره ایتمز

یوز دوتدی دنکا که فیض عامی
چکمیش بو مداره صبح و شامی

راز دل زارین ایتدی آغاز
کای واقف حال عارف راز

بو قدر غم و درده نهایت
عهدنک کیمه ایلیم شکایت

غم بچه دین بسی ضعیفم | بن بیله غمه قاچان حریفم
یا وبرنکا محنتیمه طاقت | یا طاقتم اوله غصه محنت
کرچه صبرم ایسم چاک | طاقتم اولدی کیم نور خطر ناک
ورکو نکه ویرسم استمالت | طاقتجه دکول غم و ملالت
نا مرسدنک ایسم جدالنغ | مجنونه قیلیم اشتنالیغ
قورخوم بوکه عصمت اوله پامال | فرمانه برانق اولمیه حال
قیلسم بو هوا ده خطّ ناموس | معموره وهمیم اوله محروس
قورخوم بو که دود آه مجنون | احوالمی ایلیه دکرکون
صاد قزنک آهی معتبر در | اندنک خطر اتمک خطر در
اول ایله بو بیله بیلیم آه | چیلنک بن عاجزه ندور راه
یا رب متحیرم بن زار | محنتره اولمیشم کرفتار
پر منزل امنه راه چیلنک | سندنک اوزکه پناه چیلنک
پرده غفلت ایله مدهوش | قیل پرده لطفنکی خطا پوش
دیرلر که ستم رسیده مجنون | اولمیش بن مبتلایه مفتون

بن بی سر و پا انکا نه لایق | کیم حسنه اوله کیمه عاشق
بر زره خوار و خاک رم | کرد ره خاک وره کذارم
روحم که بدنده در سنکدور | هر نسنه که منده دور سنکدور
کنجینه حسنکا ایسنم | سن سن سببم که نازنینم
یا رب مدد ایت که بو امانت | محفوظ اوله تا دم قیامت
تا قربه توجه ایتدکم چاغ | انکلوم آچوغ اوله ویوزم آغ

مناجات غزل

یا رب کال بارکه کبریا حق | یعنی فروغ نور رخ مصطفی حق
قیل غرق بحر عشقه وجودم سفینه سن | زمان خضره موسی ایدنک قیدحق
صبح وصاله ایله بدل شام هجرمی | صبحک دمنده کی نفس ولکث حق
درد وبلای راه محبتده قیلمه کم | راه محبتنده کی درد وبلا حق
اهل ضلالتم بنکا کوستر هدایتنک | اهدای راه قیلان راهنما حق
اندوه دور دوه کونکلمی صاحب تحمل ایت | درده تحمل ایلیین اهل رضا حق
اخلاصم ایت دعایه فضولی کی درست | درکاهده اجابته لایق دعا حق

تمام سخن

عجز ایله دعا قیلوردی اول ماه — اظهار نیاز ایدوب که ناگاه

چکدی جرس رحیل آواز — رسم حدی ایتدی ساربان ساز

کوچ اولدی چالندی بارگهلر — بختی لره مهد چیکدی سرلر

پر محمل کیردی لیلی زار — کوه غمینگ ایتدی ناقه بار

افغانی ایدوب جرس الوس — ذوق حدی ایتدی ناقه نی مست

چون ناقه ده کوردی نشه حال — قیلدی هم الکابیان لوال

کای غالیه بوی عنبرین موی — گلچهره و خوار خوار و خوشبوی

ای باشی اچوق ایاغی بالین — بولمیش بچه کز مرم وصالین

سودازده دریغ چون دماغینگ — کونگلنگده مدد بوشاکی داغینگ

هر لحظه مدد فغان و فریاد — کیمدن سنکا ایتدی ظلم و بیداد

عاشق طریقیده ورطریقنک — کر عاشقنک ایسهنک نیم رفیقنک

نالان غم عشق یار دینک سن — سن داغی بزم قطاردین سن

بن کبی یوخ الله جستیار نک — پر اوزکه الله دره رنک

چون دوشدی سنکا اتفاقم — رحم ایله منکا کوز ریشتیاقم

لطف ایله بنای کارخیرایت — مجنونم اولان دیاره سیرایت

بو شیفتنی هم یتور اول آیه — بو دردی یتوشدر اول دوایه

ناگاه کیمدرکن اولدی بیهوش — مطلق اوزینک ایلدی فراموش

بیهوشلقنده دوشدی اول حر — همراه اولنک کروه تک دور

اول نوع ایدی ظلمت شب تار — کیم اولمدی ساربان خبردار

چون کلدی اوزینه اول پریوش — اولدی بو قضیه دین مشوش

درد اوزره ضعف اولدی دری — تیرمدی ایمون ره نوردی

چوق جهد ایله ایلدی تک و پو — چوق یول ارایوب توکردی برکو

نه راه و نه راهبر بولندی — نه قافله دنک اثر بولندی

تنها یر اولدی اول سمنبر — ظلمتده مثال ماه انور

چون سیر قیلکده لیلی ماه — شب قافله سین یتوردی ناگاه

لیلی صفتنکده کون چوب فرد — جاز پیچکدی محمل زرد

دوشدی کذر اول سمن عذاره — مجنون حزین اولنک دیاره

هر یان نگران گزردی اول ماه / پرسش حسرتین گوزردی ناگاه

سور ماغه علامت منازل / اول شخص حزینه اولدی مایل

لطف ایله تکلم ایتدی آغاز / کیمسن نه بوبن بتوردی آواز

بشن قالدروب اول اسیر محزون / ویندردی جواب انکا که مجنون

لیلی دیدی ای اوزینه مغرور / حاشا دیه اژدها سوزنی سور

حاشا دیه زاغ عندلیبم من / یا لاف اوره خار کیم گلم من

مجنون دیدی ای دریگانه / مجنونه نه یوز ویرمین نشانه

اول شیفته‌نگ نه درنشانی / گوردکده ندن بیلورسن انی

لیلی دیدی اول پری لقادر / رخساریله قد دلربادر

سن شیفته سن اسیر ماتم / سن بی سر و پاسن اول مکرم

مجنون دیدی اهل عشق اوز خوار / حسن ایله نه وصفه سزاوار

لیلی دیدی ای بهانه پرداز / قید دل زاره نه فون ساز

بکر دوتم یوزلدی غمدن گل / یا قدمنک اولدی خم ستمدنک

مجنونی ویرلر اهل ادراک / اشعاری لطیف لهجه سی پاک

سنده قانی اول ادای دلسوز / اشعار و حکایت دل افروز

مجنون دیدی اهل حال الولال / بلدرمز انگ شکسته حال

ترتیب عبارت و فصاحت / عشق ایله نه در دلیل راحت

رحتندنگ اولان نظم کی دور / گر صحت اوله دگلی معذور

لیلی دیدی چون سنگ اکم وار / مجنون لیسنگ ایله حالنگ اظهار

لیلی یوزنی سن ایله بنب د / هر شعر که یز نه مانکه ایت یاد

بو مجنونک لیلی ایله خطابیدر

مجنون حزین ایشتدی بو کند / کوردی انی شعره آرزومند

تفصیل غمنه وردی اجمال / قیلدی انی عرض صورت حال

کاکی سبزه دررسه ویرنگ آب / سررشته عشقدنگ آچین تاب

صورمه نیچه کچدی روزکارم / عشق ایچره نه اولدی حال زارم

دلدار غمینی سویلیم آه / یا جور رقیب طعن بدخواه

چکدم نیچه گون جفای مکتب / هر روز مشقت ایله تا شب

آخر که جوخ اولدی طعن اغیار / آیرلدی بن شکسته دن یار

فاش اولدی چو عالمه فغانم — تدبیره دوشدی اتم آنم

که دغدغه طبیب کوردم — که سعی ایله کعبه یه کوتوردم

آچهادی هیچ بادنک باب — تدبیره عاجز اولدی احباب

که نوقدر ایلدم تضرع — فیضنده بولنادی توقع

گر ابن سلامه یار اولوب یار — ویردی بن بستلیه آزار

که زید بیانمه بهانه ایدم — هر وعده که ویردی دروغ وصانم

ایسه ایله عمرم اولدی ضایع — عالم تبه ایتدی ضعف طالع

القصه وجودم اولدی برباد — بر لحظه فلکده کمت اولمدم شاد

کوکلمه قیلوب فراق تأثیر — بر طرفه غزل هم ایتدی تحریر

غزل گفتن مجنون

آه کیم بردم فلک رایجه دوران ایتمدی — وصل دردمانمه دفع درد هجران ایتمدی

یار دنک بکتاره دل کم بوتم رودرلکم — بیلدی بنک دردو دلم پردرده درمان ایتمدی

وادی غربتده جان ویردم بن شاخ کل — برکیچه خوان وصالی اوزره مهمان ایتمدی

دوستر چاک گریبانم کوروب عیب ایلمک — اول کلی کیم کوردی کیم چاک گریبان ایتمدی

شرح عشقمک ایتدی انجق فضول آشکار — بو مبارک ایشی هر کیم ایتدی پنهان ایتمدی

بو لیلی مجنونی تا بوب تکلم ایتدوکیدر

چون ایتدی کیم اوله غنی لیلی — رخسارینه توکدی اشک سیلی

کریان ویدی ای کوزم چراغی — وحشی له ایل نجه یا غی

سن بن دیدیکم حبیبمش سن — دردولره طبیب ایمش سن

سن سن دون و کون دلده فکرم — کونکلده اولن خیال و فکرم

کرتابنه ایچمدم روا دور — ستم بن و سنک ایشی خطادر

کیمسه که اوزندنک اوله غافل — براوزکه نی ایچمکه نه قابل

اولدکه دماغه یتدی بو نینک — کوزر کوردی شعاع ماه رونک

جان بیچبر اولدی عقل شیدا — تن قیلدی بنک اضطراب پیدا

دریای تحیره الوب غرق — اغیار دونک ایتمدم سنی فرق

معذور دوت ای صنم بو حالم — طعن ایله دیرسه نفع المم

سن سن بزبن ایدم شکسته خاطر — یوز شکر سنکا ایرشدم اخر

کلزار سیدم اولدی سیراب — یارب بو خیالدرمی یا خواب

عیش و طربم چراغی یاندی — بختم بو قودنک مکر اویاندی

ایل کیم ایدر دنک آه و ناله — دایم کران الوب وصاله

ها دولت ذوق وصل دیدار — بالله داخی ایتمه ناله زار

ای دیده توکوب سرشک کلکون — دایم دیردنک که قانی مجنون

منظور نک اولوبدر اول سمنبر — قیل نقدینه نثار گوهر

ای جان که جکردنک انتظاری — کورنک دیمیوب همیشه یاری

ییندنکا نکا کل حج ایدی تندنک — کیت یاره کس خیال ایلی بدنک

وردینی دیرکن اول پریزاد — سوز ایله بو شعری یتدی بنیاد

غزل مجنون لیلی بجون

ایجادی کو نکلم فلک تا باغرمی قان ایتمدی — قیلمدی خرم بنی تا زار و گریان ایتمدی

قیلمدی نیک یوز جور ایله صد پاره پرخون کونکلمی — بو چمنده گل کبی پر لحظه خندان ایتمدی

شکر کیم ویردی فلک کامم بنی نو میدایدوب — شیوه مهر و محبتده پشیمان ایتمدی

درد یوقدر کیم دوچو قسمت فیض عشق — کیمده کوردی دردکیم اول دردی درمان ایتمدی

صبر یوقدر دردم عالمده یوقدر روزگار — تا نسی تنگلدورکه تدبیر بیله آسان ایتمدی

دوتمدی سیل آب چشمم پر یوز نیکا اوخرم — کیم بناسین غم رنگ کبی سیل ویران ایتمدی

عشق یولد سنده بوز ایسه دم متاع وصل دوست — ای فضولی جان ویرن جانا نقصان ایتمدی

بو مجنوننک خبر الدغیدر

مجنون دیدی ای بنکا آچن راز — قید دل زار به فون ز

کیمس بنکا ظاهر ایله ادنک — بو باد یه ده نه دور مرادنک

جان تازه لنور فصاحتنکدنک — بو لهجه خوش ملاحتنکدنک

خلق خوش و لفظ جانفزاسن — بیله کورنورکه آشناسن

بالله نه دیار دنک کلورسن — نه راه گذار دنک کلورسن

کر لاله لیسنک نه داغدنکسن — در سوسن لیسنک نه باغدنکسن

شیرین سنیرین تکلمنک وار — حال دلمه ترحمنک وار

بیهوده دکل بو کو تکلم الق — کلمک بنسم اوزره سایه پالماق

عقل اولسه ایدی بنکا همراه — احوالنگ اولوردم آگاه

غفلت خلفندنک ایرولوردم — البته کیم اولدغنک بیلوردم

غزل گفتن مجنون بلیلی

ایله مستم که وارنک ایتزم دنیا نذر | بن کم ساقی اولنک کیمد ور می صهبا نذر

گرچه جانانذنک دل شیدا ایچون کلکیم آرام | سوره جانان بیزم کام دل شیدا نذر

وصلذنک چون عاشقی مستغنی ایردی وصال | عاشقه معشوقذنک هردم بو استغنا نذر

حکمت دنیا و مافیها چون عارف کل | عارف اولدور کیم دنیا و مافیها نذر

او جه فریادنک فضولی انجه بدر عالمی | گر بلای عشق ایله خوشنود سن غوغا نذر

بولبلنک جواب ویرکیدر

لیلی ویدی ای قرینه روح | کام دل مبتلای مجروح

مژده که زمانه ویردی کامنک | دولدی می عشرتیله جامنک

مژده که میسر اولدی مقصود | سودا ایله اخر ایلدنک سود

مژده که مرادنک اولدی حاصل | مقصوده سنی حق ایتدی واصل

لیلی بیم آرزوی جانک | کام دل زار ناتوانک

حالا که میسر اولدی دیدار | تقصیر و تعلل ایتمه زینهار

کور دولت وصلنکی غنیمت | گل نه خوش قیلمه فرصت

دل ندر وصال قاشنکده دور | در جانیم لب امانتنک دور

چون دوشدی جمالنک ایتمه اهمال | گل ندر وکی دوت امانتنک آل

گرخسته لبنک بیم طبیبنک | ور عاشق لبنک بیم حبیبنک

گل زرم وصاله محرم اول گل | هر لحظه بیمله همدم اول گل

ویرزکه لاله ایله رونق | ریحان تر ایله زیب زنبق

بیوند گل ایله ارغوانی | خضره بیتور آب زنده گانی

فیروزه نی ایت قرین یاقوت | ویر طوطیه قند نابدنک قوت

ور عاشق مبتلا دکل سن | مجروح غمیم و با دکل سن

تقلید ایله کوستروب محابات | قبله او زنکی بنی ملامت

بر عقل و فراست ایله پیدا | انجق بیزی ایله خلقه رسوا

ای گل چو بکا دکلیده رنک | کیم اولیه سنک بیم همرنک

بنک جام دوتام دیم که گل آل | سن دور ربیه سن ایاغه و اهمال

بنک عزم ایدم افتاب خار زر | سن قیلیه سن خرامه اظهار

چوخ تجربه قیلمشم الور آز | معشوقه عاشق ایمک ناز

اظهار حجاب لنک ایمک گل | بلبل کورب ایمک تغافل

تقریبله اولدی بت دل آرا
بر طرفه غزل هم ابتدی نث

غزل

ای قیلان شیدا بنی هردم بو استغنا ندر
نیشه بورمزسن که احوال دل شیدا ندر

گر بنکا خلق ایچره پروا قیلمیک عمدا درسنک
بو که تنهالغده قیلمزسن بنکا پروا ندر

سهو در که بیلمیوب حالم ترحم قیلمدک
حالی بیلمک تغافل ایتمک عمدا ندر

گل تماشاسنده دیر بلبلنک غوغاسنک
چون گلی کوردکده قیلمز میل بو غوغا ندر

اول پری عشقی بنی رسوا قیلمز القصه
ای فضولی بیلمزم جرمم بن رسوا ندر

بو مجنونک لیلیه اظهار عجز و نیازیدر

مجنون دیدی ای بت پریوش
خاشاک ضعیفه اورمه آتش

بر ذره ایکیم وجودی یوقدر
اودنک انکا سودی یوقدر

یا ذره نه چون یترخیالنک
یوقدر بنکا طاقت وصالنک

اول که گوزمده وار ایدی نور
گوزدنک یوزنکی یاشوردنک ایدی دور

حالا که نظاره اولدی مشکل
دور رتبه نه ایچون بنکا تقابل

رخ اولدی چو عشقبازه صورت
حاشاکیم اولم بنکا ز صورت

لذت رخ یار دل ستاننک
جان در بولنک ایدر ربغ جاننک

جانم گیده لی بسی زماندور
جسمم کی سنمدی اوزکه جاندور

حالا سن سن تنمده جانم
گوزده نورم جگرده قانم

بندنک بری ایدنک بنی سن
عرضه کیمه ایلیم سنی بن

بنده اولنک اشکار سن سن
بن خود یوغم اولکه وار سن سن

دایم بنکا سنده در تجلی
بن غیر دکک اولیشم تسلی

گر بن بنیسم نه سن سن ای یار
ور سن سن ایسنک نیم بن زار

چون بن اولوبم سنکا ممثل
وحدت روشنده خوش دکل بو

کیم دیشه دوبیتیم ثنانک
بر اوزکه مکان بیلم مکاننک

اول بولیشی قیصنده بنیاد
بن طفل ایدم و زمانه استاد

ایتمش می بنی سنکا مقید
گویا اوقور دوردی درس ابجد

حالا قیلوبم کمال حاصل
ابجد سبقین اوقورمی کامل

چون بیتدی کمال سرخط عشق
سرخط گورب انجق ایدرم مشق

رسوا انی ایله بن ایتمشم آد
سن هم بو سوگی قیلمه بنیاد

دوت پرده عصمتی چهره ارام — رسوای بنم سن اول نیکونام
مجنون سنکا دیرلر اهل عالم — انجق سنکا درجنون مسلّم
سن اولمه فسانه خلایق — مجنون لشی لیلیه نه لایق
مجنون بنم ای وفالو دلدار — دیوانه لیغه بنم سزاوار
غمزار لیسنک ای بت پریزاد — غمزار لغینک یتر همین آد
کیم پرده نشین اولوب همیشه — دایم قیله سن حجاب پیشه
کونلکی چقوب مدام سیره — کوسترمیه سن جمال غیره
هر کمده اوله رسم عادت — اطوارسه در بنم شهادت
بن عشق کذر که نده خاکم — ایل جمله بنی چیورکه پاکم
رحم ایت سنکا ای بت وفادار — طعن اهلینک اغزین اچمه زنهار
چون بن ره و رسم عشق دوتدم — ناموس طریقینکی اونتدم
سن عقل انکلینی قویه الدنکت — ناموسنکی ساخله هرخللدنکت
سن ایله حالنی دکرکون — لیلی نه روا که اوله مجنون
تقریب ایله اول اسیر مهجور — بو نادره شعری ایتدی مذکور

غزل

خیال اهلنه تسلیم ایدر کونکل میل وصال ایتمز — کونکلدنکت دشره پرکار الدوغین جایش خیال ایتمز
حقیقی عشق چون مستوجب نقصان دکل عشق — اوزینکت اهل حقیقت واله حسن جمال ایتمز
کونکلده دوست کیتمین اوله بولمز کوزده جولانی — محبت ثابت اوله اوزین ذهنکت انتقال ایتمز
ارادت صانع ایتمز اهل معنی صورته هرکز — حقیقت جوهرین هرکز مجازی پایمال ایتمز
مقید اولمز اهل صورتنکت رنکینه حال اهلی — فضولی کیم مقید درکر ادراک جمال ایتمز

بولیلینک قطع سینه وصالیدر

لیلی دیدی ای وجود کامل — قرب حقه عصمت ایله قابل
معراج کمالنکی سزدم — کیفیت حالنکی سزدم
اولدم بیحه اولدغنکی اکاه — خوش مرتبه در بو بارک الله
احسنت که ذات پاک ممتش سن — پاکیزه وجود خاک ممتش سن
انصاف همین اوله قناعت — تسکین هوایه استطاعت
عشقنکده ریاکمان ایدردم — اطوارنکی امتحان ایدردم
المنة لله اولدی معلوم — وصل اولدغی شرتکده مفهوم

پر غافل خودپرست ایدم بن — جهل ایله مدام مست ایدم بن
اریاش زلف و خال ایدردم — پیوسته بونی خیال ایدردم
کیم سن طلب وصال ایدرسن — نظاره زلف و خال ایدرسن
حالا بکا روشن اولدی حالنک — کیفیت محنت و ملالنک
بن بیلدکم بو زلف و خالی — چشم سیه و عذار آلی
اوزجانم ایچونک دکل دل افروز — مذ نظر نکدرای دل افروز
تا ایده سن دمی نظاره — تسکین ویره سن دل فکاره
هم سن اوله سن مراده واصل — هم اوله بکا ثواب حاصل
یوقدور چو نظاره میلی سنده — نیر بو جمال خوب بنده
تن ورجنده ذره وار انم — کنج بدنمده دربوجانم
ویردم اوله صرف رهکذارنک — کوردکده روان قیلام نثارنک
توفیق وصالنک ایدم ادراک — اندیشه هجرونک اولم پاک
حالا که میسر اولمز اول کام — اولمق نه روا اراده بدنام
نسخ خط عتبار قیلدم — راه عدم اختیار قیلدم

تا اینچه ویره غبار صورت — آئینه ذاتمه کدورت
وقت اولدی که روشن اوله مرآت — مستغنی اوله صفاتدنک ذات
خوناب غمیله دولدی کونکلم — غنچه صفتی دوتدی کونکلم
وقت اولدی بو غنچه اوله خندان — تاثیر ایده فیض صبح جانان
فرض اولدی که طی قیلم بساطم — قطع ایدم اوزمدنک ختلاطم
ستر ایدم عدم حجابنک — رخساره چکم خف نقابنک
تا حسن رخم که پستر یار — اولمایه نصیب چشم اغیار
زیرا که نشان حسن قابل — اولدر سنکا عاشق اوله مایل
جسمنده چو یوق قبول عاشق — نقصان ایله اولمغم نه لایق
بو حاله مناسب اولن برزاد — فی الحال بو شعری ایتدی بنیاد

غزل

نه دلبر کیم دمادم عاشقه عرض جمال ایتمز — قالور ناقص بولوب فیض نظر کسب جمال ایتمز
دکل جذب ایتمین عاشقی شوق اولنتوتابل — نه حاصل حسن صورتده که جذب اهل حال ایتمز
هوای جلوه کیم خوبرو صفت طالبدر — وکرنه عشق کامل فرق هجران وصال ایتمز

مجاز آیینه خوبرجلوه‌ناز ایدیور کیم — اوزین اهل حقیقت واله حسن وجمال ایتمز
نظرل عالم صورتده سرکردان کیم ایتمز — زهی غافل بو سوداینک سرانجام خیال ایتمز

در ختم سخن کوید

ختم ایدیجک سوزینی اولماه — پرناقه نشین کوردی ناکاه
ناقه ایله پرسبک خیمه — کوردی که کوزر نسیم تک تیز

پسلدی بت کلرخ وسمن بو — کیم اوزی ایچوندر اول اکک دیو
اولماه وش اولدی غمکده غایب — اولمیش اوتکار عشقیه طالب
کلزاره همین یتشدی پرخار — کل قیلدی وداع صحن کلزار
اول حالته وقف اولمین خبر — تیز ایتدی جمازه سبک سیر
جوینده کوربا اول افتابی — ترک ایتدی شتاب واضطرابی
توفیق مراده اولدی خوشدل — دوشدی یوله قیلدی عزم منزل
شهبازی یتوردی آشیانه — تا ایلتوردی نهالی باغچانه
مجنون بینه قالدی زار ومهجور — هم صحبتی مار ومسعدی مور
نه دورنغه طاقت وقراری — نه کزمکه الده اختیاری

بولیننک دنیادن کتدوکیدر

ساقی کوزه کلدی نشأه می — ویر جام لبالب وپیاپی
عزم طرب ایتدمک اتمام ایت — ذوقنک طرب ایلهنک تمام ایت
بزم ایچینه جام لاله کون ایت — امابنکا جمله رنک فزون دوت
زیراکه هنوز خمار مستم — غم سلسله سینه پای بستم

خوشدر طرب ایلینک بو زمی | داغلنمه اولمیدی غمی
تاریخ نولیس حال ایام | بو غصه یه سپه ویردی اعلام
کیم وصلنک اولیوب تسلی | اوز نیز غنه دونده لیلی
کچمدی تعلقی جهاننک | قطع نظر ایلمدی جهاننک
بر فصلی که دست غارت دی | کلزار بساطینی ایلمش طی
ماتمکده اولدی عرصهٔ باغ | ماتنده سرود ناله زاغ
لیلی کبی اولدی لاله مستور | مجنون کبی شاخ ارغوان عور
رنج یره قاننک اولدی اشجار | لرزان وضعیف وزار وبیمار
سوندی کل ولاله نک چراغی | صرصر ظلمت بیتدی باغی
کل بیم تعرض هوادنک | لاله ستم دم صبادنک
رخشنی باتوردی باغ دره | نعلینی اتوردی داغ دره
بر مارشانی اولدی هر نهر | هر نهر ده کوشانیه زهر
ابن آب حیاتی آتش اولدی | آتش ابل بخنده سرکش اولدی
کویا که بتوردی باغ دهر داد | کیم شعبدهٔ تحرک باد

کوکدنک

کوکدنک یره اندکنده باران | هر قطره اولوب مثال پیکان
بر سحر ایله آنی اهنک بیتدی | اندنک تن باغه جوشن بیتدی
هر کون بو هواده لیلی زار | غم وغصه یه بیتدی بیس کلزار
کوردی کل ولاله دنک اثر یوخ | انواع شجرده برک وبر یوخ
صحن چمننک صفاسی کتمیش | نقصان صفا کماله یتمیش
نه سبزه تشنکده تاب قالمیش | نه لاله رخنکده آب قالمیش
ماتمکده کوردی بوستانی | فرقت اودینه توتشدی جانی
سوز جکر ایله یانه یانه | عرض ایتدی غمینی بوستانه
کای باغ نه در بو آه پر درنک | بن خسته یه ظاهر ایله دردنک
بن داغی سننک کبی نزارم | بر کلدنک ایراغ ذلیل زارم
نه دولت قبرینه قبولم | نه روضه کوینه وصولم
سن کرچه خزانه سن کرفتار | البته بهاره یتمنک وار
امید وصال بنده یوقدر | سندنک غم وغصه بنده چوقدر
ارتوردی غم اغلادوغمه دردنک | کریان کوکه دوندی روی زردنک

بولبلنك وصیت ایتدیکی رحمتیله دنیادن گتدیکی

معبودینه عرض قیلدی رازنك / بولدی روی كوڭلده كی نیازنك
كای حاكم عرصهٔ قیامت / سلطان سریر سهدت
زنبیدیك تشنه‌یه یاندوم / باللّه بو وجودونك اوساندم
چون دوست یانده‌ده ناقبولم / باللّه بو حیاتدنك ملولم
بن شمع شب فراق یارم / سوزان سیاه روزگارم
یاندوردی بنی جفای عالم / دكلمزم اولمنیجه بردم
دیردم كه وجودم اوله باقی / شاید روشنه وصل اتفاق
پرتو بر جنده افتابم / بیلدم كه وجود ایشن حجابم
یارب بنی ایت فنایه ملحق / كیم راه فنا ایشن ره حق
پاك ایدی دعاسی ایتدی تاثیر / درحال مزاجی اولدی تغییر
تاثیر هوای نامناسب / تركیبنه ضعف قیلدی غالب
كلدی گیجه زیاده اولدی دردی / تب لرزه فرقتنك كیدردی
سه اولدی تب ایچره اول پریوش / پرشمع كبی كه كوره آتش

اكسلدی عرقده جسمی تابی / پر گل كبی كیم كیدر گلابی
ضعف تنی اول بقاسه یتدی / كیم بستر اچینده جسمی یتدی
بسترده طلب قیلین نشانك / كورمزدی وجودی تاوانك
رفع اولدی نشانه سلامت / سونته كورندی بنك علامت
عزم ایلدی اولماغه مسافر / رحلت اثری چو اولدی ظاهر
رفع ایتدی حجاب احترازنك / فاش ایتدی انایه كیزلو رازنك
كای مونس روزگارم انه / غمخوارم غمگسارم آنه
غم كیزلمك ایله جانه یتدم / ناممكن ایدی تحمل ایتدم
اولسون سكا ای ضعیفه روشن / كیم تیغ جفا الاكیم بن
جسمده یوخ اوزكه دردتابی / الا غم عشق اضطرابی
بن عاشق زار و بینوایم / بر ماه لقایه مبتلایم
سوزسیله یوخ اولدی وارم / كیچدی بو سیله روزگارم
چوخ آرزو ایلدم جمالینك / بردم كوره بیلدم وصالنك
حالا كیدرم كوڭلده سوزی / الدنك نه كلور بو ایدی روزی

انجق دکلم بن پریشان — اول غمکده زار و کریان

اول هم بن زار دنک بتر دور — آواره و خوار و در بدر دور

بندن در اینک جنونی افزون — قیس الکن اولدی مجنون

رسوای زمانه اولدی بندنک — آفاق جهانه اولدی بندنک

بیهوده دکل فغان و آهی — یا قزمی بنی انک کناهی

بن کیم کیده رم بو خاکدن انکدنک — دردم بوکه ترسارم اندنک

بن دار فنایه غم ایدنده — دنیایه وداع ایدوب کیدنده

بن سیر چکوب ابر فغانز — صحرالره دوشدکک زمانه

دوشسه یولنک اول اولنک دیاره — عرض غمم ایله اول نکاره

دوشش ایاغنه رضاسین استه — بن مجرمم ایچون دعاسین استه

عرض ایله که ای وفالو دلدار — جان ویردی یولنکده لیلی زار

عشقنکده دریغه یتدی لافی — دعواسنک اولمادی خلافی

سویله بن زار بیدلنک — کالی عشقده لاف ادرک وفادنک

خلوتکه غمنه محرم اولدم — آزاده و شاد و خرم اولدم

سن هم کله کور تغافل ایتمه — بن منتظرم تغافل ایتمه

کر صادق ایسه نک بو یولده سن هم — صبر ایتمه ایله ترک عالم

کلکام دل ایله اوله لوم یار — بر پرده که یوقدر انده اغیار

خوش منزل انه بولمشم راه — ز طعنه دوست طعن بدخواه

سندنک سنی ایلمک خبردار — بسم الله اکر ارادتنک وار

چون قیلدی وصیتینی آخر
عزم سفر ایتدی اول مسافر

گیتدی ور که جهانه فانی اولمز
دور فلکک امانی اولمز

دنیایدی بشر ازدها در
اندیشه الفتی خطا در

دوران اوزره زنده در زمانه
البته کلنک گیدر جهانه

ارباب زمانه ویرب پند
بو شعری نه خوش دمیش خردمند

غزل

بو عالمه کیم کونکل قیدین نه چکرسن محنت و غم در
فناسز منزلنک سیر ایده کیم بر خوشجه عالمدر

انکوبت نهالینی قبر ایچره نفرت قیلما اولکمان
طریق انس دوت

دکل محکم جهان ملکنده هر بنیاد کیم قیلسنک
بقا ملکنده دوت منزل کیم اول بنیاد محکمدر

اجل ایلاشی خوف خطر دنک قورتارینی
بو جوهر کیمیای دولت اکبر اعظمدر

کان عشق ن ان موت ایلنده ر راه حکمتده
بی هجرانین چکنک مثال نقش خاتمدر

بهار ایامی کیرسن لاله زاره خاک خرسندر
مطهر گورسه کیم هر ذره بر جا بله پرچمدر

اسیر نقشدر اهل جهان بیمز فنا در نک
فضولی ترک توفیق سنکا انجی مسلمدر

بولبینک آتاسی لیلی ایچون یاس دوتیقدر

لیلی کل گلشن لطافت
چون گوردی خزان مهلکت

پامال خزان اولوب بهاری
انجامه یتشدی روزگاری

بیچاره انسی اچدی بالشین
دولدردی گوزینه قانلو یاشین

کافوریمی زکدی زعفرانه
سوزدل ایله کلوب فغانه

چوخ اغلادی ایتدی آه و ناله
اغلارکیم اولورسه بیله حاله

القصه دوتوب طریق ماتم
اول واقعه یه تعلدی عالم

تعظیم ایله و تدبیر عداسین
قبرین دوزوب اوردیلر بناسین

تن اولدی مقیم عرصه خاک
روح اولدی قرین اوج افلاک

شوق ایلنه قربی حاصل اولدی
دریا سینه قطره واصل اولدی

بو زیده وفادار لیلی وفاتندن مجنونه خبر ویره دکیدر

محنت چمنکده کل درزر
عالمده بیان خبر ویرنر

غم نسخه سین ایلینده تحریر
ویرنش رانکا بو نوع تشویر

کیم زید ستم رسیده زار
اول واقعه دن اولوب خبردار

فی الحال قیلوب عزیمت راه
مجنونی خبرمینی قیلدی آگاه

کای شیفتهٔ شکسته طالع — افسوس که سعینک اولدی ضایع

ارباب طلسمنک ایتدی باطل — بو شغلده نک داخی نه حاصل

بازار پوزولدی یغ بساطنک — بو سلسله دن کسل ارتباطنک

لیلی سنکا دیردی زندگانی — سن اولدیغک و اول اولدی فانی

جان صدقه سین ایتدوکنک پریوش — اولدی سنکا صدقه ای بلاکش

مجنون که خبر دنک اولدی آگاه — سوز جگر ایله چکدی بر آه

کیم غلغله سین هم اول زمانده — جانانی ایشتدی اول جهانده

آز قالدی که ناله سیله دلدار — اول خواب اجلدنک اوله بیدار

بر لحظه لبنه الوب خروشنی — دوشدی یره گیتدی عقل و هوشی

چون کلدی اوزینه چکدی ناله — حالی بدل اولدی اوزکه حاله

طعنه سوزینه ایتدی بنیاد — کای ساقی بزم ظلم و بیداد

ایتدنک بنی زار و بینوا ایو — یا خود نکت بو شغله بنا یه

زهر ایدی کر بو ویردوکنک جام — کیم مرگ بیانینک ایتدنک اعلام

بر سور چیه نذر بو کیسنه — فولاده دوزرمی آیکینه

تأثیر ستمنک اجتناب ایت — باری بوکنا هه پر ثواب ایت

ایلت بنی یار اولنک دیاره — شمع ایله بنی مزار یاره

دوشدی یوله زید اولدی همراه — بر حاله کیم نعوذ بالله

چون کوردی مزار گلعذارینک — دوشدی و قوجاغلدی مزارینک

کوکسینی قیلوب لحد کبی چاک — مرقدکبی ساچدی باشنه خاک

قبر اوزره اختدی قانلو یاشین — لعل ایلدی یاشی قبر داشین

بر یوزینک ایدوب سرشکی محو — کچدی یره اول سرشکنک سو

اولدی در اشک بیشماری — قبر اوزره نگارینک نثاری

کوز یاشینی ایلدی محیط — کای تیره شب فراقه کوکب

جقوق سنکا اولدی ایمدی دجب — کیم اولدی اول آفتاب غایب

بر برج که دوتمش اوله اول ماه — کیم بولماز انکا نسیم همراه

سنک دورینه اگر ملنک وار — کیر براغدانی ایسنه زنهار

گورخانه در اول گوریکانه — تمیش انکا آفت زمانه

یا برسین ایدوب تبور نیازم — بسلد ربو تضرع ایله زارم

کای شمع ندور بو تجسسانکنک
بن بخت سیاهدین که حالنک

جام می غم دو تنده عالم
سنک هم ایچدنک بو جامی بن هم

ست ایلدی کرسنی بو باده
کیم بزده دورمدنک زیاده

برنا در شمع ایدنک بو افروز
دوشدی سنکا ذوق عشقدکی بز

برینچه زمان اکرچه یاندنک
بز دلیله سنک اوصاندنک

پیدا ارلغه کتورمدنک تاب
سنهالکو زنک اولدی هل خوب

هم ازمدنک بو یولده ایماه
همرای قویوب کیدر می همراه

افلاکه تفاخر ایله ای خاک
کیم اولدی رفیقنک اول دریاب

زلفینه معارض اولمه ای مار
کیم انده یقیمدر دل زار

خالینه تعرض ایتمه ای مور
کیم باغودر انده جان رنجور

ای عمر کیت ایدی بسنکه هم
کیم چشمه تیره اولدی عالم

عالم خوش ایدی که وار ایدی یار
چون یار یوخ اولمون نکیم وار

مشتاقنک ام ای اجل کرم قیل
دفع المم ایله رفع غم قیل

اینه نی اید زکه نک پاک
قیل پرده اعتبار رفع چاک

رفع ایت بو ریشه که اوله حاصل
ایله بنی اول نکاره واصل

تکلیف وصال ایدر بنکا یار
بر پرده که بو خدر انده غبار

بن کیمک اسم خطا دور
سندنک بنکا بر مدد روا در

بالله مدد ده قیلمه اهمال	کرکشتگی یوز ویربدر اقبال
یا رب بکا جسم و جان کرکمز	جانانسزه جهان کرکمز
سن بعد ذلیل و خوار قیلمه	سرکشته روزکار قیلمه

غزل

یاندی جانم هجر ایله وصل رخ یار ایسترم	درد منده فرقتم درمان دیدار ایسترم
بلبل زارم دکل بیهوده فغان ایتدوکم	قالمیشم نالان قفس قیدینده گلزار ایسترم
فانی اولمق ایسترم یعنی بقای دهر دنک	راحت جسم ضعیف و جان بیمار ایسترم
دهر بازارنده کاسد در متاع محنتم	بو متاعی ساتمغه بر اوزکه بازار ایسترم
نوله کر قیلسم شب هجران نمازی ای اجل	نیلیم بو قدر غم دفینه تیمار ایسترم
چون بقا بزمنده دردلدار بن همدم ایم	بو فنا ملکنده بن همدم وصل دلدار ایسترم
ای فضولی ایسترم کیمسه رضا سیز فنا	بنکه بو ملک اوزکه سیم چاره یا چار ایسترم

بو مجنون لیلینک قبری اوستنه گلدکیدر

چون راز دلنی ایتدی تقریر	رابنه موافق اولدی تقدیر
امداد قیلوب عنایت حق	قیلدی انی مقصودینه ملحق

گل ویردی حدیقه امیدنک	می ایچدی صراحی اجلنک
قبرینی قوجاغلدی نکار رنک	جان صدقه سین ایتدی اول فرازنک
لیلی دیدی ویردی جان شیرین	اول عاشق بی قرار مسکین
انصاف همین اوله محبت	بو دایره ده مقام حیرت
کویا که النده ایدی جانی	دایم کوزه دردی اولزمانی
هرنچه که وار ایدی نکاری	عالمده ایدی انک قراری
چون قیلدی حبیبی ترک عالم	بو عالمی ترک قیلدی اول هم
فریاد ایله قیلدی نوحه ساز	اوج فلکه یتوردی آواز
ایل جمع اولوب ایتدیلر نظاره	مجنون سیاه روزکاره
قبر اوستنه کوردیلر تجلیش	جانانینه جان نثار قیلمش
احوالینه اغلیوب سراسر	دفن ایتمکه ایتدیلر مقرر
غسل ایلیوبنک تن نزارنک	دلدارینک ایچدیلر مزارنک
قویدیلر انی همان اول مزاره	غمناک ایتدی غمکساره
روح اولدی ملکده روحه همراز	تن اولدی تن ایله کورده دمساز

دفع اولدی تعقلات حایل — مطلوبنه طالب اولدی واصل

بر بزم ایکی شاه محفل اولدی — بر برج ایکی ماه منزل اولدی

قبر اوستنه قویدیلر نشانه — فاش اولدی بو ماجرا جهانه

کیجه وکیجه زمان کرم اولدی — حاجتگه اهل عالم اولدی

بورور اثر محبت پاک — خوش مرتبه در بو قیلینک ادراک

اول مشهده زید اولوب مجاور — آثار صداقت ایتدی ظاهر

تعمیر ایچون ایتدی چوخ عطالر — تدریجله اوردی چوخ بنالر

پیوسته حرارت جگردنک — قندیل مزارنک ایتدی روشن

جاروب ایله اب الندن مطلوب — آب ایدی سرشک آهی جاروب

هر لحظه قیلوردی تازه ماتم — قیلوردی فغان وناله بیش کم

اول یونس شفق وموافق — برکیجه قریب صبح صادق

یمار تغینه قالیوب تاب — قیلمندی مزاره یاسده خوب

خواب ایچره کورندی اول نظاره — برباغده ایکی ماه پاره

رخسارلرنده ذوقدنک نور — بهجت کوزینه جمال منظور

خوش وقت ونشاط مند ودلشاد — اغیار تعرضندن یکسر آزاد

هر وهوشه بین فرشته صورت — اخلاصیله اولیش اهل خدمت

صوردی که بولارنه ماهلردور — نه زیب بو پادشاهلر دور

بو روضه نه روضه برینددور — بو قوم نه قوم نازنین دور

بو دور ودیر ریاض رضوان — بو قوم خجسته حور وغلمان

بو ایکی مه خجسته رخسار — مجنون ایله لیلی وفادار

چون وادی عشقه کیردیلر پاک — اول پاک نغ ایله اولدیلر خاک

منزللری اولدی باغ رضوان — چاکرلری اولدی حور وغلمان

چون بونده رضا ویروب قضایه — صبر ایلدیلر غم وبلایه

کیجه وکیجه جهان بیوفادنک — قورتولدیلر اول غم وجفادنک

چون زید بو خوابدنک اولدی بیدار — بو نکته نی ایتدی خلقه اظهار

خلقنک اولوب عشقی دی افزون — اول قبره زیارت اولدی قانون

بو قصه لیناک شعری زنک تمامی ایدر وکیدنک کویدیر

ساقی سحر اولدی حالم — غم چکمکه قالمدی مجالم

سن بعد زیاده ویرمه باده
رحم ایله که سرخوشم زیاده

سر منزل عمر کچدی الدنک
سودا ایچنده م بیته کم غمکده نک

فریاد بو جور دنک که کردون
احوالمی ایلدی دکرکون

دون دیده تر قیلوب کهربار
کردونه دیدم که ای جفاکار

هرکز روشنکدن اولدم شاد
وام غم و محنتکدن آزاد

احبابه نقیض دور ایدرسن
ارباب کماله جور ایدرسن

مجنون اکر اولسیدی جاهل
اولمزدی انک غمنکده کامل

فرمانه انقیاد ایدردنک
کونکلنی مدام شاد ایدردنک

اهل هنز اولدغی سببدنک
صاحب نظر اولدغی سببدنک

افزایش غصه و خوار قیلدنک
بی عزت و اعتبار قیلدنک

لیلی کر اولیدی بی حیا سیر
یاسن کبی مهر سبز و فا سیر

اولمزدی انکا همیشه جورنک
کامنجه مدام اولوردی سیرنک

فیض ایلیه مایل اولدغنه تنک
اوراکیله قابل اولدغنه تنک

دایم غم الده زار ایدوبسن
شفقته روزکار ایدوبسن

کردون ایشدوب بو نظم عتابم
ویردی بو ادایله جوابم

کای صورت حالدنک خبرسیز
هر حکمته عیب ایدنک هنرسیز

بن امره مرافق ایدرم دور
حکمتده هنز دریشه و کم جور

اما سن ایدنک عمل خطادر
کیم بر طرف نقشنک هوادر

شاعر لیغه فخر ایدوبسن
کذب اوزنکا شعار ایدوبسن

[illegible]

[illegible]

ولە ایضا

ولە ایضا

ولە ایضا

ولە ایضا

ولە ایضا

ردیف

ردیف

ردیف

قطعه

ردیف

ردیف

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بیا ساقی آن جام گیتی فروز
بمن ده که از فتح فیروز روز
غم از دل جهان کاهد و عیش فزاید
بیا ساقی آن گوهر ناب ریز
بیا ساقی آن گون به شبگون [illegible]
ز روی نوای از ... [illegible]
چو جام کیانی [illegible]
ده در ... [illegible]

بیا ساقی از می ندارم گریز
بیا ساقی آن ... [illegible]
یکی جام ده تا جهان آدمم
که از جور گردون بکیوان آدمم
روان سوی ... آدمم
بیا ساقی آن می که از جام جم
زند لاف ... ز افسانه عدم
بده ساقیا می ... جام جم
[illegible]

بیا ساقی آن ... [illegible]
بیا ساقی آن ... [illegible]
[illegible]

بگذار ایوان شاه گشتش
بگلشیده ز داد کجا گشتش
نشانه شد ایوان و قصر شد باد
که کس در جهان ... باد
بیا ساقی آن ... شاهی
بیا ساقی ... دل
بده ساقی ... [illegible]
[illegible]

بیا ساقی آن می که جان پرورد
دل خسته را همچو جان پرورد
نشان از ره و رسم جم می دهد
[illegible]
[illegible]
بیا ساقی آن می [illegible]
[illegible]
بده کز جهان [illegible]
سراپرده بالای گردون زنم
[illegible]
بیا ساقی آن جام چون مهر و ماه
بده تا زنم [illegible]
[illegible]

[illegible]
دل از می [illegible]
[illegible]
بیا ساقی از [illegible]
[illegible]
بیا ساقی آن [illegible]
[illegible]
[illegible]

باقبال ابراهیم و داراب بخت
معین سپهر خسرو اورنگ و تخت
خدیو زمین پادشاه زمان
سپهر مه جاهت شه کامران

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

هو الله

[illegible]

[illegible]

و جهانی را نشئه [illegible] آزاده
دل بیدار [illegible] طبع
[illegible] تزیین آن پرداخته اند
در [illegible] کتابی که چنین عالی
نظر التفات اتمام آن انداخته
امید که چنین [illegible] قصاید و سور و
غزلیات مشهور و مثنوی [illegible] و
[illegible] زمان [illegible]
فصول [illegible]
ذات کامل الصفات [illegible]
انتخاب در دیوان [illegible]
[illegible] العباد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ساقی بنور باده برافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما

چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان
کاید بجلوه سرو صنوبر خرام ما

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست
نان حلال شیخ ز آب حرام ما

ای باد اگر بگلشن احباب بگذری
زنهار عرضه ده بر جانان پیام ما

گو نام ما ز یاد بعمدا چه میبری
خود آید آنکه یاد نیاری ز نام ما

مستی بچشم شاهد دلبند ما خوشست
زانرو سپرده‌اند بمستی زمام ما

دریای اخضر فلک و کشتی هلال
هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان
باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

ولهٔ ایضاً

شب از مطرب که دل خوش باد وی را
شنیدم ناله جانسوز نی را

چنان در جان من [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

نه

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

حافظ از … [illegible]

[illegible]

گر چو … [illegible]

اگرچه عرض هنر پیش یار بی‌ادبیست
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربیست

[illegible]

[illegible]

فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی

ای درد توام درمان در بستر ناکامی
و ای یاد توام مونس در گوشه تنهایی

دائم گل این بستان شاداب نمی‌ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

زین دایره مینا خونین جگرم می ده
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی

ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی

یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم
رخساره به کس ننمود آن شاهد هرجایی

دیشب گله زلفش با باد همی‌کردم
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

صد باد صبا اینجا با سلسله می‌رقصند
این است حریف ای دل تا باد نپیمایی

حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد
شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی
خرقه جایی گرو باده و دفتر جایی

دل که آیینه شاهی است غباری دارد
از خدا می‌طلبم صحبت روشن‌رایی

کرده‌ام توبه به دست صنم باده‌فروش
که دگر می نخورم بی رخ بزم‌آرایی

جوی‌ها بسته‌ام از دیده به دامان که مگر
در کنارم بنشانند سهی‌بالایی

کشتی باده بیاور که مرا بی رخ دوست
گشت هر گوشه چشم از غم دل دریایی

نرگس ار لاف زد از شیوه چشم تو مرنج
نروند اهل نظر از پی نابینایی

[illegible]

[illegible]

سخن غیر مگو با من معشوقه‌پرست
کز وی و جام میم نیست به کس پروایی

شرح این قصه مگر شمع برآرد به زبان
ورنه پروانه ندارد به سخن پروایی

این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می‌گفت
بر در میکده‌ای با دف و نی ترسایی

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
آه اگر از پس امروز بود فردایی

سحرگه رهروی در سرزمینی
همی‌گفت این معما با قرینی

که ای صوفی شراب آنگه شود صاف
که در شیشه برآرد اربعینی

خدا زان خرقه بیزار است صد بار
که صد بت باشدش در آستینی

مروت گرچه نامی بی‌نشان است
نیازی عرضه کن بر نازنینی

ثوابت باشد ای دارای خرمن
اگر رحمی کنی بر خوشه‌چینی

نمی‌بینم نشاط عیش در کس
نه درمان دلی نه درد دینی

درون‌ها تیره شد باشد که از غیب
چراغی برکند خلوت‌نشینی

گر انگشت سلیمانی نباشد
چه خاصیت دهد نقش نگینی

ره میخانه بنما تا بپرسم
مآل خویش را از پیش‌بینی

اگرچه رسم خوبان تندخوییست
چه باشد گر بسازد با غمینی

نه حافظ را حضور درس خلوت
نه دانشمند را علم الیقینی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

حکایت خسرو با مطرب

[illegible]

حکایت گفتگوی مجنون

[illegible]

حکایت پادشاه

[illegible]

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

وله ایضاً

[illegible] رسید

[illegible] رسید

[illegible] رسید

[illegible] رسید

[illegible] رسید

وله ایضاً

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

ردیف

[illegible]

ردیف

[illegible]

[illegible]

هر چند ای طبیب [illegible]

[illegible]

ایضاً

[illegible]

ایضاً

[illegible]

ایضاً

[illegible]

[illegible]

ایضاً

[illegible]

ایضاً

[illegible]

[illegible] کلاه [illegible]
[illegible] بودن [illegible]

[illegible] تخت [illegible]
[illegible] دره [illegible] ی

بیت

دیده [illegible] ی
[illegible]

[illegible] موضع [illegible] ی
[illegible] عی

[illegible] جان [illegible] دل
[illegible] ی

ملک دل [illegible]
شاه [illegible]

نقد جان [illegible]
[illegible]

غیرت [illegible] جان [illegible]
جانی [illegible]

[illegible] چمن
[illegible] ی

بیت

[illegible]
دارم [illegible]

[illegible] خود [illegible] ی
[illegible] یار

سلطان [illegible] دل
[illegible] ظاهر

سلطان [illegible]
[illegible] ظاهر

[illegible]
[illegible]

[illegible] لطف [illegible]
دیده [illegible]

[illegible] آرزوی
[illegible]

[illegible] بادم آرزوی
[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

بیت

[illegible] آرزوی
[illegible]

[illegible] جهان [illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]
[illegible] آرزوی

[illegible]

تمت

[illegible]

تمت

این دو بیت [illegible]
این بیت که در نظام [illegible]

این زلف [illegible]
این بیت که [illegible]

[illegible]

این [illegible]

[illegible]

تمت

زنهار عشق تو بود سر کرم * زبان ارباب بزم لیکن

زیبا باغ غم نهانه * چنانکه درد نشه کجا

کبت عیش نه غم شیمه * ف وصل ورا اباله

دائم چو ظلمت حلمت * مراتب فرح نکند مدادا

اگر کوم برادر جان * درکه بیتم پیغمبر

قسم بحاجت درد و ظلم * سرا الوت نکاد ان

بیاز فقر قران کجی * چه بود حالت درین جدانی

مرحمت شود شق و تبت تجرد * لطیف نکو ایک سکونی

امیدست کمینه جامی * جمال دیدن منیزه ادن رو

کجی مجنت کشته چو دیدن * بدو مجنت کرده ما وا

تمت

من کلام مسعود بک

این چه صورت این چه سیرت * این چه رو اشکی مع از قران

این چه عاشق این چه صورت * چو خط اشتن من ای جان من

تا کار ز عالم شیرین تا * قصه جان کنی دل از ان

کمره از وفا لطف کش در ار * ار اسید من در کنار من

غدلب و کلاس و دو داخه * عمرا بهم عشق باشد

کشته بر زمین کریه بار خود * بیت یار عمر یار من

تا کار از دولم از عالم زند * کریه بار عمر خوان ترسیم

خط کشیده خط تا بهم زند * کار حسن تو حسن کار من

کشته غم بر دوست صبر * خود و بهم کمک دوا

دست غم بر میدان تو * یک لاله کون از دیدن

وخلق دهن باده دریا * وقت [illegible] وصلا

جو تو از کرم منت * کا [illegible] نوکر من

نکته دعا ایدم بیر * کجی کردن سایه فلک

اب رندنه کجه درد زهر * کرد دم نهر براد من

مجنون نفسم پرسیدن * عرضه ده باد وکر تعظیم

جور کم مکن زانکه حوارت * بهت بخت فتی زمن

من کلام عاشق

زمن شیرازم صبح جمال * نشد فخر زمانه زیبا

تحفه شیرم نه ذکر * بعز ذرت بشوه سلی

درم سرو ان چو بورت * ای کلستان نفحه یاران

روان کوه و چو کوکب و تن وزان * دمکاه در دا

سرو شهر وزیرا بسا * صد باغ و وصال ای

درد ز درو تر مدار امید * ورین کوه برق من ثابت

چو خوار مادرت من * درین ازعجب بی راه صحبت

از فکر [illegible] ای ان * بشکیب شود شکیب

نو ماه و باغ و نو جوان * چه بار از محبت من

شقیم حال خراب * با طرب غرق ادا

کر نه ازین بخت * وکر مایار اوچو نیست

یا صبر و دیده * با ضعیف و دیده دوا

بغیر چه بود در رنج و محنت مصروف است کنون دو چشم
[illegible] چه تازه شود آتش روان بوصف دل [illegible]
[illegible] دو صف [illegible] سته ده [illegible]
بخنده [illegible] چنانکه ساغر بگرید عاشق چنانکه مینا
چمن [illegible] با [illegible] جفا و جور [illegible]
زدوست جور و فغان برآرم که از تو دوست [illegible]
بچشم [illegible] دارم به بزم [illegible] برآوری دم
[illegible] برآرم [illegible] بجان برآری
شب فراقت [illegible] بجان [illegible]
بخاک [illegible] دارم فغان و زاری

[illegible] زند [illegible] غمزه دارم
[illegible] غم و داری
[illegible] ادرم
[illegible] بسته [illegible]
چو [illegible] از [illegible] ز جان [illegible]
[illegible] بجان [illegible] آری
زجان برآید [illegible] بهار دارد
چو دل [illegible] روا غم [illegible]
[illegible] بسته [illegible]
بر دو داغم [illegible]

هزار [illegible] که ز دست غم [illegible]
هزار [illegible] دولت [illegible]
[illegible] بدولت کنون اگر [illegible]
[illegible] برآرم [illegible]
امید [illegible] که [illegible] کار دارم
چو [illegible] بجان [illegible]
[illegible] محبت
[illegible] ز درد [illegible] زاده و زار

رباعیات من کلام بابا طاهر

الهی واکیان شهر واکی نشم | این بدوست [illegible] دوایانشم

همه [illegible] تیشه ته آیم | ته چم از [illegible] دوایانشم

[illegible] | دیگر

دگر چو [illegible] | [illegible]

اگر دستم رسان چرخ ازونان | دیگر ور کر بیدو دستیم ازونان

دگر کرمم [illegible] درسان | بپرسم که چیستیم ازونان

[illegible] | [illegible]

دیگر [illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

دیگر

دلی دارم که بهبودش نمی‌بو | نصیحت می‌کنم سودش نمی‌بو

ببادش میدهم نش می‌بره باد | بر آتش می‌نهم دودش نمی‌بو

دلی دارم ز عشقت گیج و ویجی | مژه بر هم زنم خونابه ریجی

دل عاشق مثال چوب تر بی | سری سوجی سری خونابه ریجی

دیگر [illegible] | [illegible]

[illegible] | دل [illegible]

[illegible] | [illegible]

دیگر [illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

وله

[illegible]

وله

ز دست چرخ گردون [illegible] هزاران ناله و فریاد دیرم

[illegible]

وله

خوشا آنان که [illegible]

خوشا آنان که دائم [illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

اگر دل دلبره دلبر کدامی
دل و دلبر بهم آمیته وینم
ندونم دل که و دلبر کدامی

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

غزل [illegible]

[illegible]

تتمه

درین دو جهان [illegible] | که [illegible] باغ [illegible]

چو از [illegible] | ای [illegible]

اگر روز [illegible] | [illegible]

چو [illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

ای [illegible] | [illegible]

رباعی الف [illegible]

[illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible]

نظامی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نظم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نظم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ودیعت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ولهٔ ایضاً

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی
چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی

همه شب نهاده‌ام سر چو سگان بر آستانت
که رقیب در نیاید به بهانهٔ گدایی

مژه‌ها و چشم یارم به نظر چنان نماید
که میان سنبلستان چرد آهوی ختایی

در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است
به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی

سر برگ گل ندارم به چه رو روم به گلشن
که شنیده‌ام ز گلها همه بوی بی‌وفایی

فرد

[illegible]

فرد

[illegible]

من کلام طوفان

[illegible]

فرد

[illegible]

فرد

[illegible]

ایضاً طوفان

[illegible]

فرد

[illegible]

فرد

[illegible]

ایضاً من طوفان

[illegible]

[illegible]

ز مرآت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نظر به دل [illegible] ندارد

[illegible] ندارد

نظر [illegible] شکل

چنین [illegible] ندارد

[illegible] ندارد

[illegible] ندارد

[illegible] ندارد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (heading)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (heading)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (heading)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نظیری

[illegible]

[illegible] (heading)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (heading)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (heading)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ت

[illegible]

ت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ت

[illegible]

ت

[illegible]

ت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ملا طالب آملی

[illegible]

[illegible]

ناظر

[illegible]

ملا ... شفیق

[illegible]

[illegible]

میرزا طوفان

[illegible]

[illegible]

من کلام [illegible]

[illegible]

من کلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

من کلام فریدون

[illegible]

من کلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

از کلام [illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

از کلام شوکت بخارائی

[illegible]

[illegible]

از کلام آذر

[illegible]

میرزا طوفان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ولها

[illegible]

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الشرف بالادب لا بالنسب

[illegible]

[illegible]

من

[illegible]

[illegible]

ردیف ب

[illegible]

ردیف ف

[illegible]

ردیف ب

[illegible]

[illegible]

رباعیات

میرزا ابوالقاسم

[illegible]

ایضاً

عشق آمد [illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

باب رباعیات فضولی

[illegible]

دربیعت

[illegible]

باب رباعیات خیام

آمد سحری ندا زمیخانهٔ ما
کای رند خراباتی دیوانهٔ ما
برخیز که پر کنیم پیمانه ز می
زان پیش که پر کنند پیمانهٔ ما

[illegible]

آباد خرابات ز میخوردن ماست

[illegible]

جان سوز عشق تو [illegible]
یک جهان و عالم [illegible]

نشان [illegible] نهفته
[illegible] هنوز

چو گل [illegible] ز خویش فاش
[illegible]

من کلام نظیری

ز خود [illegible] که کس [illegible]
صد بار [illegible]

عشق [illegible]
صد فتنه انگیز [illegible] قصه زبان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هو

[illegible]

و خوش دارای نثر [illegible]

صفحه‌ای از صفحهٔ ربیع رنگین

از [illegible] نقش نگارین

جمع در شرح این خط ظریف

نقش این مطلع این [illegible] لطیف

از تماشای کتاب این رنگ

در تماشای نقش این ارژنگ

سامری [illegible] نقش طراز

مانوی [illegible]

در شگفتند از فنون هنر

خالی از نقش چو صورت دیوار

[illegible]

روز و شب [illegible]

[illegible]

بار نظر کلک مشکین [illegible]

[illegible] شام جهان

[illegible] صحیفه نگار

[illegible]

این فنون [illegible]

[illegible] چه آمیز [illegible]

[illegible] از فنون [illegible]

[illegible] عارفان [illegible]

[illegible]

از نقاط و حروف [illegible]

[illegible]

لیلیان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نغمه‌ها زانست نکته رانده
[illegible]

[illegible]

[illegible] سخن درست [illegible]

بایدش مطلع [illegible] آواز
[illegible] عراق [illegible]

[illegible]
چون نگار [illegible]

[illegible]

چون [illegible] رنگ رخ [illegible]

[illegible]

بست موضوعه فنون کمال
بست مجموعه [illegible] کمال

[illegible]

[illegible]

نسخهٔ تعلیق جان اهل نظر
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

زینت تخت شد وطن آرایمن
افتخار زمان و فخر زمن

آنکه خوانند از جلالت شاهش
لطف حق در نظر نگهبانش

آفتابیست بر سپهر کمال
آسمانیست در جهان جلال

دست بیرون زد او به کار سخی
تیغ جانسوز او در روز وغا

بست ابری و ابر گوهر بار
بست بر نی ورق قفس بار

گوهر [illegible] کرد باز و
گوهر ابهی و رف بلند ز او

به [illegible] فلک گردد
چون به فیض [illegible] گردد

گرد از بزم [illegible] صحن گلشن
آسمان [illegible] در زمین گلشن

تیغ او با [illegible] کس
بحکم [illegible] بخش

عرش از نام او همه زیب
گوهر [illegible] بر دراز

از [illegible] گردی
گر شود [illegible] دی

از [illegible] خار و از دم خارا
[illegible] آرا

تا [illegible] دم
تا [illegible] عدم

[illegible]
[illegible]

[illegible] بیچون
گوهر [illegible] بیرون

۲۹۶